

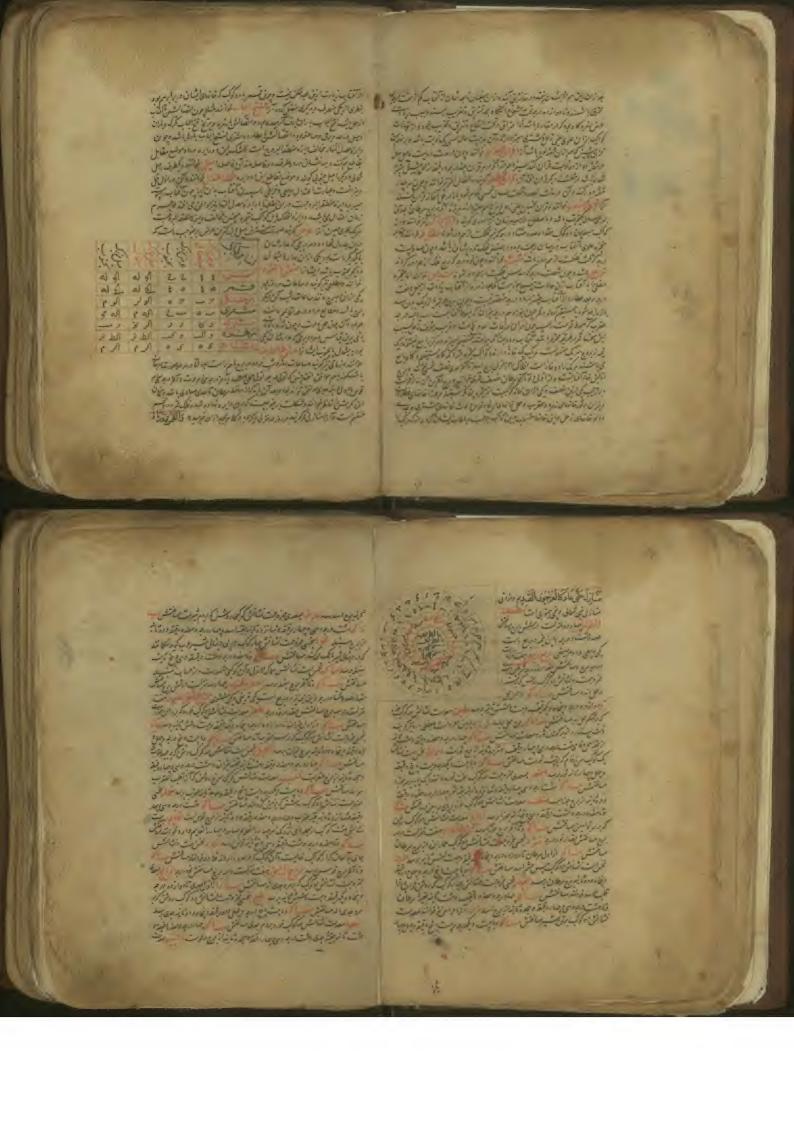
ر به در این در سنده شخر جوی فرد به که در فرایسی بور کنام درجا که از در سرانگراندی افزار در ادر از این از دعت از مت قالت بود و در از کافر فر روعت إرشا بين بن كسلام او و كانتجا شاتيت ر وكونت الإسينان الارتخان و و التدريخية او زمسته و ورسول بان تخل باد و تول او و درجه الاستون الاستون الاستون فروه و دون و الداخ روبار زياب راتدكت الله حواليا و لا عليها بين سب آن با لا تدوشر و بيسه بنا و يست دور دون بادیدی درست می خوی ما دهر فتیج بخر دو دور دمای علیه در آن بیک میمود. احد از ان فیکر دو دی کاری سالم شد در مهال دارای هسر دلی فرد در در دان دیک موزان کار ر ن الميت من من اور ملى الدو والمركلين فت ومول والمرث و حدر مهل مراسطة ورف الميت المردوموزت ورف اور ملى الدور والمستقال جري غرارات المراسان و ورواد مناور فام ورون المراج الماري والمت والموالة بسيان وسيده ولتروي فأ نز زمور شام دور رصان مسجه می به دارد. ساری بسام آمدند میداد آن ترق اشدامات وی کار د د د فرد آمال خواب وه خاک مرکزی ساری بسام آمدند میداد آن ترق اشدامات وی کار برد در د در این از در در می از در در میداد ادر درگ ری ت سود دیت نصر سرع م دلول فتی معروف نادید داران بازاری کتاب داراند. سری دار آن زر نشاند داده استان سوزای سرخ از از او داشت ای الزارات می دادد. ت معول مولد برا مسرمان مول امر وف علائم بی در بی - در بی آور در عراصه ارداد ا مسترم بیری زول با با مان از در ان بود روسته زیم که وقریب محدور در داش ر القرار دو قرشه مع فارا زاران و قراع الرسود كوان رشا محاده وكم ال دواسان ر بنزام كيز كوشه إد از فواسان بونا نشرك ان دريز قات وشرت با د و عالج قس د رساندن وزیر کنا دازن دنسهٔ زیاب آن برعاید شایلان در واین عرز نبت دران در در رساندن وزیر کنا دازن دنسهٔ زیاب آن برعاید شایلان در واین عرز نبت دران در والمراكة وبدازية تطافة شدفاها شافحك بين اركل ويول تبوازة في رمول ورواده ورسال مشل ومت در فلات كرد و در تسامع وفري ت زياد من العن من فركر و او د يا دار كرم و از دمول بدا مند و در اي فواي ا الما الموت وزي لرب ورت والمراج ي وفي كشن وكان ووريام وال ساء ال ولا ت منفدات عرص وموليد وركة غريم من الداكوي لود وفترد ولا الانتهدور وأرأب ورزات وعشرت فلنزاسا والملام اور ولايكر وم وتسويرا وتين كالحاق ووفات ألامهم ف ومول وكزار وفع الدوح والسندا مدى فرقر ترفافهم از باز شهر الکذاب واسو و بیمه بالیخ انسان او دخت برگ مروخ و با با رس الآل رسان به برل واسای افات کمان بهشرش واشان بیش که و در ترسی از بهول مرکزیت بر الساح و بعد بری خالفون سهر تنجی نه ماکا هشریها و بعد از مهر ان سویم تمام تراسا کر دست و ناک در از از این رکت او در با دین آدر و غرار و بریش مرافعان افعاد و با و وصال این با در خادر در از این رکت او در با دین آدر و غرار و بریش مرافعان افعاد و با و وصال در در بست و الرین فستر بیعنی دادات فرسانده در مداهان وطری نیز به مهار دادات رام در در در این سال در در ایا شکام امراغل فیساندا و بناند برار در دیر در ایک و میزاد ه دار و درگ نیم در در در این از با من ف دور د دوگر لین البروت در مشارقی روت بستی انامی دولس ن به در تر داری نه دارد در در در در در دارد از بازاسان وان د در مان کافات دم ل در کذات و علاوتری قدت استام و نظر در مجان داندمرا د در مادر دات تازاد در دار میشن برمید کردند و فتر داری دخت در استام آورد و تحت از این میشند در است ترمنستری میدن از دست بخیان رویعا و ایرمنس ونامیدداشدن در میسته آندی و ترکش نفع ننز ولایات از در از ایر در در میسته افن د کوش تان رو کرد شهرا رو دوان و تا ایران در میران از در از ایران در در در میسته افن د کوش تان رو کرد شهرا و دوان در ورستان في المورود و من على عروب الموت وروع وف وكوانش السيد كواب ومنتها ومن وغزيار وتسرسلوا كذاب ورسنطا مربيني الأوليه بودود فات فيدار تل جوف عائر العثر و وعامس حيداً لمطلب الأورل وي س فيراً بين الألاع ب جون كويتراز درمشندی ارمنت درمق أن كنه است. و فاتسرت واوتاني روعياليد حري بقوت المامن ايقان دراسلام دوشقال شرملايل ور مِنْ الْمُرْكِ الْمُرْكِينِ الْمُراكِينِ الْمُراكِينِ الْمُراكِينِ الْمُرْكِينِ الْمُراكِينِ الْمُراكِيلِي الْمُراكِينِ الْمُراكِينِ الْمُراكِيلِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِيلِي الْمُراكِ والما المتعالية المتعالية المتعالية المتعالية المتعالية ه به درات الصور دوم بود درسته ابع درگی غوهای عام بود رضان و تسکن آن مخانی مومها در تشایش نرمه ی مرم روان عکم وصار کردن خانز ابرخمان و بلاه دی گوشسل منی در مندور استان به در این این بازد برای در در این د میداد در در در این يديران تدواز ولانتدادان مال معدود وشكر بينين وبيكات عج ومواور وجياماي والم and the second of the second of the second میرون و در الفار در از در از ما در این در از در این در همایی در این در در از در از در این در این در در این در در این در این در این در در این در كون والوجها وبدال وأباء فلله في كري بقوت ولات اقتاب والزوق عزوب إجا عاصر الد ه خارشس فعن منت ورشران ماد و جوس با درمدان دل نور به محرود الفاق و فهوشیه نمادش کرد و درمی احترام کشاختات خارد استدین نام شد و احد او بدان و قال و آن و کار را المستوج المدن المستوج المنافع المستوج المنافع المستوج المس روبي شدر الناس في المربود ولك بالمب والباسي المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب وال وروب المراب المستندوبية وروب المراب المراب والمويز المراب والمويز المراب والم ت أي سفيال مع رمول وكذات وركت الله وبيين بطان آبند كنديد ووا ز کنان و مهر و دروی عسیر و عام در مشرق و اردمین و خاشین با نامی او در در در در این از مین از این مین خمیس دفات معروفای ساید اللیژه دو د و او اگرین مت عشره مهنده است و رکینه ساید خمیسه در در ساید و مین مین از اللیژه در در او اگرین مت عشره مهنده است و این این از نبن دفا تسعايل وويكر معاور دركستانع وفعين وفات ام عرسندب اسالووم حرم دمول بود بریند دا و بعداز قامت زنان دمول درگذف درست مدی دستن بداند. مهم المراق المسيد فرد و دا و آن المراق و دول و المدول المراق المراق المراق المواق المراق المراق المراق المراق ا مراق المراق ا المراق و عال فرد المراق المرا

19 Sie gebruik gegen die die je die Geber de Lande de Leise gebruik de leise gebruik de Leise gebruik de Leise Leise gebruik de Leise ge ويت وينت الدوالش وه في وفات العرض ويبغذا وريت ابع أعمر الأناس and the second s وكردافيا روانهت مستكم تؤكل فيليانه والثريان الإرافيا والمدر وسندتها أفيزوا أفدام فكراه Light of the state of the language of the state of the st ويوفيه والمتارية المرابية والمتاريخ والمتاريخ والمتارية مند بعدى فالندوات فريدا بالأكافة ووات المالي كالتواسية بن الدالياتي أو ا ويكن عال المرود والمال مهامت الاوراد يمشر بعض إن فكان حام ورايات Hand Sort of the Secretary State of the Secretary والمهارم والمفار والمارا والماري والماري والمارية والماري معل غاير وتفاع توضيه ووالد والمستاج واليدن والى فالدوب فات الفي فأراب المرا Historia provide was with a single on هکری با دهدا در دانست سیاح د میشواده آن ا در شدان بیشت آدونسدر می اند بی برد رمد دسو آن بین دانها که از آن شد در اندان است آن از این توشان ر و ادوات فی فول درجو بین میسیده به ما این میشند و مشان به در این درباری کرد. مین در این برد و در این میدود می کرد در در این به این می این در این د این در این در در در در در این میسیدرای و کارگوی شروی برد این این می در این در این در این در این در این در این د امین خاند بن است کرسال اوش به اموان دوسه بی درسال نو و ان دول به در براگر به کورند در ایرک خاند و ایران دارای ایران با ایران در از در ایران دول ه منتاج دست الأي الدولود وست سين والعديث المواد معاد بالمساحث في المارد المساولة الأورد المنافع المدود المنافعات ومنافز بالدور المدود المارد الماران المالية الملك الشروع فيها أذب ومدود الماري المستوال والمنافعات الأكس الموادية المالية يش ال والمنظم المنظم ال with with my we many of the grain in profession in the withings المساوري في بن بن بي مواد و النفو لا سبورا الأعوال الدوالوي الدوا البوري العام. وما يواد والسروع كم ما والدوال الأنوالية المسائلة و الأسل الأكار والخالجة والمنفوان أعدون كالمدوات أقبع والأراف كالمجاهيد أوالواجد خواجي والان والمط and a green and a grid to the property to رقت چې مسان د چې غيلو و تونيا ميکردند و الامو د مرفند دران فرادي کردند ريدند خا عربين د خو د ايدناي درت يا د اک چه پاک يوا فراد ان اين فراد الايو و عن دروايس ستری در در در فیدن آن در فهراند و افزانس کارهٔ وکی از دور در در کارهٔ و در در ند اور در کارهٔ در در ند اور در ک مهدار دست وای در در نقاع م تلک سن میری و در در ند کامیدات در در در در کارد در of guilfy have in John Sim Sim Sing file. ر من فا بن دار و المان و دار دار به دار دار دار المناف المان و المناف المان و المناف المناف المناف المناف المن ما يوس المنافزة و و منافزة المنافزة المنافزة و المنافزة المنافزة المنافزة المنافزة المنافزة المنافزة المنافزة Ring his verilian in the selection of the sol MUNICIPALITATION OF THE STATE OF THE Wind in the State of the willing and and mingraped seems to be supposed Land Charles Charles Charles مرا من المراجعة الم المراجعة ال المراجعة بهاج رتفلافوت وأخانه والتسامة فيليان والرائن مدوخة ووكيسال وأن وورغولة رفت به یکورت و از مشده رفتانین و به و ترکان میشاندی از انوز میکا به می به در در از مشار در میلاد کشتیده و در میشان در فروندان و در استامها نيز و ريود البنان مداشده و بن بدن بدرانشدن في الدن قد من المثل فورود والمثل بدران مدر مدرود من من المركز و مدرات المعرف في المركز و المبارات المركز و المركز و المركز و المركز و المركز و ا digita in and for Junior in the interior in the court of the فرأة شام وران وينا فالمين ب كالنب فالتدوي المرافق المركة he designed in highly with it is in it is to be a few our to for my property of the form of the first عادر المعذبي والرب توسيطان أبو المعالم جوكي واستداث الفارا أن البار indiano in the contraction of the second فريا الأطرف وعالت بمعال آساند in South and hours every stor employed some ر قار میان از گرد دارای در کرده بر ماهای اگر دارای در کار در شال که بیده می در در این این همران در این از در این در از در این در ا مال بازد و التي المالي في مالي المالي المن المالي المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن الم المنظمة ينفرن ليزرز والماران والانتفادية المارية والمعتدين والمارات والمارات والمتراكب كالمين والمواري والموارية الماران الماران الماران الماران الماران الماران الماران المرازات المرازات والخدادات فاخذ والمستركان الطرافعية والقداؤاء الراحان واسترقس الهواوا

ره ، ن مكرمًا ن مع بخاف متن غير ومعن سيم ن مكتَّا و بلي ومدوَّس الوراث. فيها أن المنافعة المن The state of the s Separation of the second of th الحصر والكام يدين معزمال المال ولت باست جها التا الأراد واستنام والبيان والما After the supplied and broken will get a time of The way and the same Berger State of the State of th اره آن و مندون من را آن هوجه و آن المناوي آن وانجاد بين الشده و بدر سال بي المنظمة الكريسة من كروند و مستركان والشروع المناسق و از الدوار تراو المراسفون في المنظمة به الدول المناوات كافواره كوند و مرسم والع سال بالمركز و وجاد كرس با و او تدوا المنسفة والمناورات والمناجران المساورات والمالي المفاولان والمرافعة در زیدان نایاری فادگان در در کارمو دانسدند. به در در این کاردی. برای در برای ند میش میسوی با ایندگان ما از کافی ی پیداده ک ر به هو المار و المار المرز و المار ر المستون عالم المستون المواد المفاق المؤون المواد المفاق المؤون المواد المواد المواد المواد المواد المواد الم مستون والمدود المعادي المواد ا رين وراق وي رام كان به المشاه وكان بيا المناه والاثناء ان و کنورسیزد اسا برخ از مان دکر خواجل بود؛ دان موارد گورد و این موارد کنورد این و گزیر تیان دکار می باد در این اسازان و برخ دکت بداندن در اوس و ترزیخ درگذری و از شوعی مان بردیکردن و مساول شده دکر و موادا می در اساز کندورد این برزیر بردن مک سینسی می خواد و نش و بدن ما چن آیند ماکان را فواج ی خوان فعارة المان عرفة المناس المتكارث المناشيان بالمورث تي الم خرد فرد التدخير فان فرده فان السروط و فرده و فرده فرده فرده فرده و ف \* هو فرده و برده که فرده و فرده سرور فرده و فرد بارش و فرده و مدروف و از ای این ما فرده و المعان والمراس والمرازي والمراسان والمارات والمارك Howashindelowsie charles times يروب والنوية وغذون بالمرافق عان هدفه المؤد فالمشتذ ورجاءيك ة به في مسائل الله ومن الفصل المنفعة مورث على أن قان الدومين في أميمينية ر کارت نوان در امان در در امان از در نداری شده در این شده در این در کارکارت به این زندند از کهرسی کارتونه در شاه گوشت و صوفی ندید کار در کارب در کار أوال ولت ما وقد و م وروزت وسيعها أوال ولت عاجر أوا فأي كما في وريت ت وحروب من رفاع و والمنظرة و والخوار أن المجد والمناه في أن البيال الموار الما بِهِ أَنْ يُورِكِ وَأَوْلِيهِ وَأَنْ يَعِالِمُ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَلَنْ مُلَّا مُنْ مِنْ مُن وَاللَّهِ لَلْ ر المن المراوية المنظم المنظمة والمنازلات المبنى وجورات فيهال مشاء وتكنيان مث وأشاء وشارك William Charles Stranger Missionaline State Control Color Contrated of the grant of the contrated of والمارات والمسترية والماران والماران والماران والمستري والمستري Bethon the first be given and in the first of the الرائيلانان والخروان والوصويات فيعاق والدعان والزار والافراران والما رز ایش حال فرنگزیان اشاری این اور این افزار در مکن دشاه ای برایر ایران بهت خال فرنگامی المناداری و ایران از برای جانب آن در برای ون المجن المراج أب المراف والما المك أب المالية روان من المراجعة الم المراجعة ال To hear sometimes who was fine the will The property of the state of th وتن فتك والدين وين ويا شاه بي أوي المناه والمرابع A sind property of the State of the second s علت سور به بار معد به ما که در داخت کل در راه زایشن کار از در کارتی معان في كان ماكن المروض و وكان بيد ويالنين الراضي في المالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والم Some of the state of the state of the state of فليعوده أم مك أحما وزخول وشعالت أيا دشامت ودمك ويزال عاد كذار الما y destroy to the week of the best of the long الموسنة الموادي الموادية والموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الم مع الموادية مع الموادية ر الله المراق ا جادية والصواحث وفرارك الوجال الدواع وكارت والاختاب والأخالف والوزاء الوجاك المسالي والقسائر إلى الأكساء الإركان لاسب بدر فيراوي الأحسان

بره ایروان در تروید به برای براه کان اندورت مخزشه و در ایران . گرفته برخد در ایران کوشود و درای زیران که کراران کی و درای تخ شره بن مه المادتر مندهٔ و تربس وبشت خراء فذا مذيبيله جبي شده بدار. البيل and the of But Mark + Built in Disc والتدورات بخديد فياكم فكالت بالجواز التوافيف والمرقع بالمارات والماحث والماحث والماحث المستاك ري ويد در المساول و المواقع المساول و الماري الماري المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول ال ومن الموروز المراوز والمساول المواقع المساول المواقع المساول المواقع المساول المواقع المساول المواقع المواقع ا 1969 (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) (1964) المرابعة الموافق المرابعة الموافق المرابعة المرابعة الموافقة المرابعة الموافقة المرابعة الموافقة المرابعة المو المرابعة 1300 1 18 رای ما و هندان او سعان و به ایج آلای اور از این او خفاد روی می در در در و می از است او به ایج آلای از این از ا روی در در در است از این 33 diging of Lotter philips of the constitution o Supering the pring por and it of the اروی و آنده هار یکی به این شدند به رفت توان او او ارود افزاید و افزاید و افزاید رود به او این در افزای این به رفت ن تاکه و به تاکسی از این از این در از روز به روز به را ساله از به به در در سند به مرتبه به شدند به در این نکسته در این به در این نزد کرد در نسويت وبسلك ل جلال أله فكات من إلها أرسلان سلح ق منسوب المراها ها لي كرفا دميها لا مت واول دميه ن أ قابيها ول فقط عي أم ومها في أرو وأجب النا تأسنى بن المنظرة فالبال الالتاليم الرومن في جاب مستوث لأر والمرابعة المرابعة والمرابع فالمخرج المستدورة والمرابعة برويها وبشات وفاوت والمكارية بالتواوية للبانيا بالفاع يكنه مركبه ينبن مذبيش فياق إدرات كالمابلاك والمتكا The survey of the same of the same المراجعة الم Burn Mich Compet Wall Compile المرافع المرا The state of the s على فقد وزيد كالمراج المن المناطقة المراج المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع الم المناطقة والمراجع المراجع المراجع المناطقة المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع الم Start - Property inigo and by وتنفوالها ومهارا فيالنا يعسوفست ياج مذي الدنثار مالعاشوكذان and the son with the son the Secretal Sur & State Survey Survey Survey The state of the s Spare of the word of the state of the adding a process of suffering the Bridge Committee I THE TIME IS CONTINUED IN COURSE AND THE STATE OF T الماست والمدالية والماري المراجعة والمارية Color Commission Commission Contraction Co

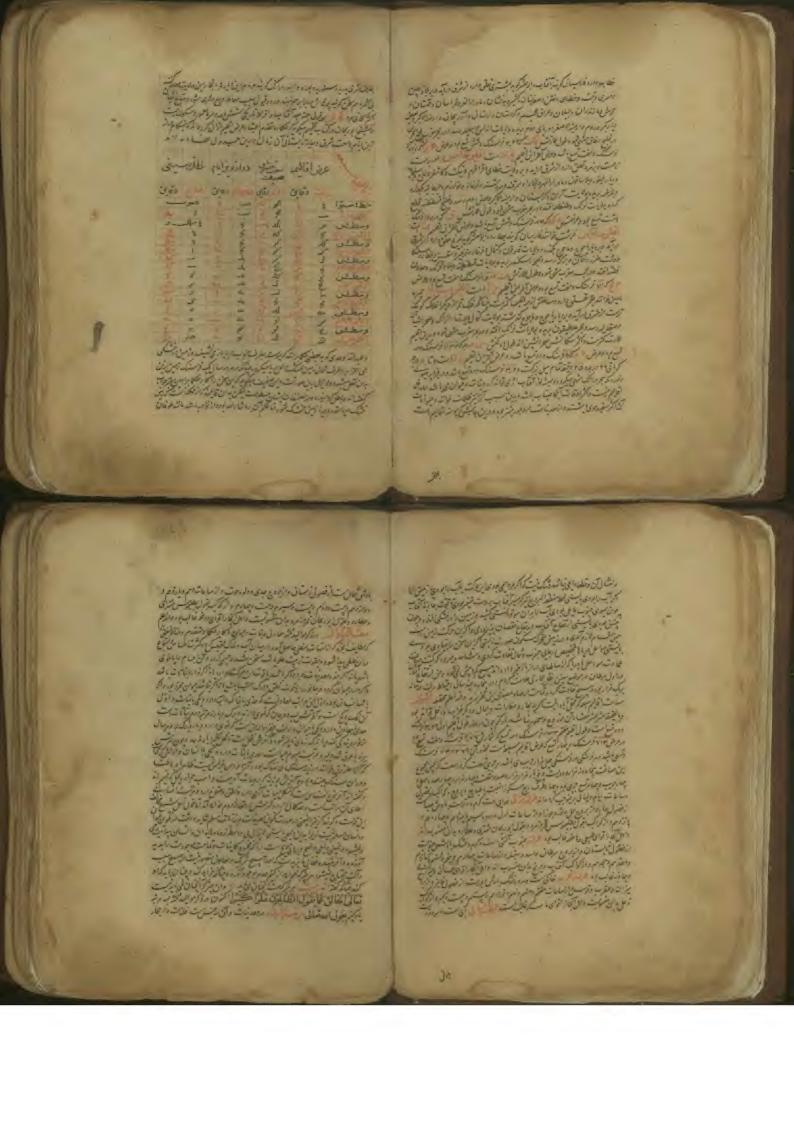






وبزغه لانتداب وكذره فلماز فلعهم واسته فياه المافك هذه وإن يست مايرون فليابي منهري موجري كربري است م الله المنظمة وت والدول والمناف والله من الماليون الدول طالع مؤه ومراقيعي الأفلاحدل الدج قدر طعرع المعادية المركان وين ميل والما برسط الاقراطة يعزع ببز تضيين مقرل بكليم وبالعرفي معا مهدا لدخ العزال والماليحي فمنا تزوه اسمالاب graphing the p 21 Butter on Butter Dig July Milliand pig 10 وكالمتعلية والمتبرس كالمعالمة وكالحاج المستناه والمتعالف المساكة 11.2 134.622 Villand 37.21.7-والمنافية والمراجعة والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمسترا والمالا والمراكل والمراكل المالية وري المراجعة والمراقب المالية المراقب والمراقب نگر پاهیست والدوشفاوت به دورت <sub>دین ب</sub>ه بازگر تحت مینونت مین ب قارده ام د تورند که کند ، درخه و از گرفتها خشفارت مردم به تاریخ می وال میروونت آن آن درخه در بازگر کند و فقال ما از مدر مرزم و درخه کارد و قالات کارد ترویز کارد کارد نود اکند ما از برد و خاصر نما رشد و در درواز افلال ما در دربت زیری بست اداری in this of the word to read the spirit of the said Military in all in the state of the said sign - to the in the self- the first the history بالمآن مشرك شداه وغيت الأد والماث فالمانوان المانوان بالمان والمتان والماك 2000 ی به به در در میکنند شده نواد و شده در موان به کارشود و درگار و مواند هاکاند نگاری کارای کار افزار شده در در در در سام برگار در شده در در کارد وال ما نام خود در از موانات آن بازد و مواد کشوریس رجازين والمرجز في المستقارية المستوين والأسارات المرجز النار والماضات والمائد واستاب والمائد المستاب والمائد خروف بوگرده را در موجب مسکل فرین بود استود دانوید اول وفوردند ریش بیر فروغ بری موجه زالخال بیشیانتنگس میکرد در دف زمان محق برنزد أخواته وواقا لويذكار فطاستها ورزكه والناحث فالمراب المراسع the plant of the transfer of the state of th ر المساورة ال المساورة المساو والمتعارض من المعلى المن المنافع المعامل المعامل المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة وأعرف تغلب بنول كاليون وأواء كالازمات والمسران بيري الأراث والمشاقاء ئىي دەرۇپىي ئىلىنىڭ ئەرىمىيىلىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرىنىڭ ئالىرى ئالىرىنىڭ سنباخ وتشاشاها يبوشالإلك فين كالجرازي الأوال المعالية الدواك و دکر بردانده کمان خاک و با درگرد و بردی ای افات آزاد که از در داده و برداند. محاف نگرید درد با دفوری به شده اکرد که این بسیند و در کاک ایس به د ر الماريخ المورد و و ماريخ المورس أول أن الأن كان المن المورد المراد المورد المردد المورد المردد المردد المردد المردد المردد المردد المردد والمردد المردد الم Bet same to be for the second statement of the consistence that refreshed to the second statement should be according to the second statement of the second statement of the そのこれではないというないないないできまっていていままんしゃ

مين ترجه دفعي بنان ثوه ومن يزه العديث برم كروترة هاق فركه مجدورة ويرتاليان المراز والمنافرة المنافرة والمنافرة عيث وبعروات بغنا وزين مركا بسازخيان فلله وسانت بيان بشان الم در در زیاز بود در سوت کون فادلیان آق در کاک ن فات و ناز در در داد. بست کم نداز خار کم خدد کان بر داداک شده میان کرد سود و باد در داد صورت المناورة ولعنى رفعلى كون أوسس كلها وود لا في الناوية عرفت كون وال The Forest of Jan Son & June 1 , 16 16 16 الدون التي المرافق المنظمة الم المنظمة ع مداد در الاستان به المراد و مرد المراد و المراد المراد و و مرد و المرد منی صورت انکانی کردندن تاکیک آنزن بین کسک در در دوند سند از از کاریزی و کردند و ادخ بادر فردند بین کاریزی شده است و آنزین کاریزی و دانده و در فردی است ی کهی آن در در داند که سرم کار زیران کاریزی کارداند. و فردی کنی سده و داد بین از این از میرد استان شده در در در فرده ایران ایران کرداری کاریزی و کاردازی کاردازی کاردار و فردی از میری از میرانی منوي في دروس في در الله المدى فيون الما المالي في المداور والمالي مان مستون به در سال به در سال به در سال به در این با سال به در این به د در این به در این به این به در به در این در این به در مجوف الشروات الماديان ما نواد الفرات والرقارة والمقارة والمقارة والمقارة والمقارة والمقارة والمقارة والمقارة و مقارات وخور والمادة والمستورات وظار بسي المستقل كالدور وماد والمحاديد والماكر كالمقير ت المناب المبابعة والعراد المان المان المناب والمعالي ميل المربيات الآقاب وليت إمثال مداكل والطيف كرما ويتابيات ر در در الله المراجع ا المراجع بروشروف والباضيين خطامتها مت بدرتها والقابلاب وبرابر فطاعه أليالهارير الك وال هاريان ت ووفش العاقب أوابت العاقب على وورزين وغاميت والمراكات والافراع والاناويلي والافراق والمراكات العضع فعاصفه كررومط تطييل تتربثنا لاميا شافك وسر ورجات مركوني فهرت وزوعتي فاعدنا والمساجوت ومساعقة فاستسابروى وتري الروث والمراجس ر به بقرل جنوراس مها جهد العربي بالعبل كالعبل العبل ويست وخ الاستكداد التي المائي منا جهد فرجه العامل ويعمل الصحاح بعد و دوارستك و دواقع والقرق الدواقي و يجان و الإطاق والإنكارة والمنافقات فالمستشر في منتصور المنافق المنافق المنظم المنافقة والمنافقة والمنافقة والمنافقة والمنافقة برست مندار بورستان بالبنان وستان والمان والمان والمان ا آن اون میدد و مشکار و شده نیم دورتی کارسنگی برس برت دموارسات درا کاردیکی مشتر های کنند وزی بیتر برمه در این کار مشکل برت و به برای و هد و توجه بدر در بردی ایرسنگاری درت و بردی شهر بازی و نامه نیکا و دارای مان از گرفتای کار است کار برداده Angraphical and for the and the first sofinish of a francist problem in the solution of the solution Tis a to a to the first of the state of the سي والمساول إو المان المواجعة والمناس المان المساور والمان المان المان المان المان المان المان المان المان الم and with your many with the species on ر المراق الم المراق ال ئۆلگەرلۇلىندۇرىيى ئەرەپ بەرەپ ئەرىزىكى ئەستىن ئۇلار ئىرىنىدۇرىيى ئەرىكى دەۋىي ئەرىزىكا ئاسىيە بەرەخ ۋە يەستىن ئەرەپ ئالدىرىقان دەنقىل ئەرەپ ئالدىلىدىداللار ئىرىنىڭ ئالدىلىدى ئەرىكى ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىدە ئەرىكىدىدىدىن ئالدىلىدى ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلىدىدىن ئالدىلى مسکون خست در پرز آباد کرد. دونده خداستها دکاری کی تروین از بروی شده شد بودند. ترکیک مدید برد کلک شد دهل با در برده کارد هدار این مالی مدید شده در پرد را و الدوران و در مورد واسالات الاستوارات الاراد و الاراد و الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران و الدوران الدوران الدوران و الاراد و الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران الدوران ا الدوران الدوران والدوران الدوران و الدوران والدوران الدوران الدورا وقرا بالمراس جاعز والصاومة المالية والارتداء المالية والمالية ج مستون بع مدين الدون مستقيل ولا المستوري المستوري المستون المستون المستون المستون المستون المستون المستون الم والمستون المستون من المستون ال المقادنيان وأوارك بالأسيان المراق وثب كفط والعدمل ففرمتان واستمالي وف in the section of the state of the section of و به شار المعلق و المسال من المساورة الأفراد وقود الأوفر وطل معدد الما المراكب المقارد والما المراكب المعدد والمسائل وعاد في وروان المراكب المراكب المقارد والما والمراكب المسائد والمسائل وعاد في والمراكب وجذه الخارة وفرا أفايم كما فرفظ كاستها ومرطق الأفاع تصيب لحيايا في لزمن الشاق الجهرات بطرف مرف الله المستوان كو الارتباع المرواة بين بعض الإن المؤرسة الرواة والمواقبة الموافق المواقع المراز المداعة الاستراكات المواقع المراز المداعة الاستراكات المواقع المواقعة



hope and it they in it is made you it has the server The said of the property of the said of th 57.56, 120, \_\_\_\_ / 1.60 (1000) 1000 (1000) (1000) (1000) (1000) (1000) (1000) Duranth District Congression in sich Sicher Berting Charles ر دون کردیشد. در از دارنده کرای است در دورست نیزد کرد. در این می گذون از هست المارس و ایندرهای سیدل و تعرب فرست ا ایری کست میل مستی میشودند و مانیا تصدیمای میشود میشود. مرافق و المرافق و المرافق المرافق و المر المرافق و المرافق المرافق و ال مرا الراح المراق المرا Sold free to the the the state of the يداد المراسيون المراسية The state of the s محرسة الماضح المالية ا رود و المستقبل المن المنظمة المن المنظمة المن المنظمة المن المستقبل المن المنظمة المن استرخت تراوا بالرادان بسرتها فعدا كروراميل لفاج اعتدادان فوات المشداج ويرفضها ميزاها ر این کیستر باده او در دست و دانسده کرد. در این که در حقاق از این دانشده بود به میشد و در میسید به بیران کوده را این در آن کیست از این این در در این در این در این در این این این این این در این در این در این در این در این این در این که در در در در این در این در این این میشد در این د این در این در این در این که در این این این در ای که این در در این در این که در این این این این در این د که سروی در این در ای در در در در در این در در در ای در این در این در در در در این مردودك ورواكال سنوش والروان إفداك والا مرواكالك وورفات معاف في المالية المنافعة المنظمة المنظمة المنظمة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة الله مندول المراجع الم وي المدود المراجع المر المراجع الا المنظمة الم المنظمة Barren Sugar State Burne Building Strait

معاس دعاي التي تصلف فضافه الجزيم يكرب ورثيبه لمانعسف هساجيش They want from Deric Day in the والمرافظ والماست والمحتفق وتريوه والمرفث أنداه والموافقة د فران الکوید آن از دارد در هماید این شده و در مراز از ساید به و بروید هردارال این در این این نوش کنده کند در مراز با دارد این در این در این این باشد با کارد این این باشد با کارد است. معتاب وبالد مات مت والد مقتار بين ب الشارة بالدار الانتقار والانتقار المراوع المرا د از دُون دگرا به مدود با ند می توکند بیش انتها به مسافت به ندر به به کارگذاشد. منتهای توسیقت به آن در به این در ساک در ندای مست و می میشده به در برد. مرده می تاکند بیشتری اندر کارگزای به از مردی که ندهای مردود میکند. مدود از فاتیک مرد می مدد می داد می استهاد برد کارد و با میسان است که افزاد کرد کارد از مدارا مردود کند. و در مرده در است در فروستر فرون المستدوم فرق در دهی سه مدون و میشود. مرد می در فرورت و داشت و در زانداست از برسان به مدون که در این می از در این می از در این می در در در می در در در مهاه در در شاری این این می در میشود از در در میشود از می در میدان در این می در در در در می در در در در می در در ر المستوان المراقع موانس الرود الان آن المان المراقع والمراقع والمراقع والمراقع والمراقع والمراقع والمراقع وال معاملة والموقعة ولا من المراقع المراقعة والمراقعة والمراقعة والمراقعة والمراقعة والمراقع والمراقع والمستوان ا المراقعة والمراقعة والمراقع المراقع المراقعة والمراقعة و بمدين والمنافي والمواج المراجع والمائية والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة والمنافرة الدون فان المستدود المواجع في المدود والإيون المرافع في المن المدون في تستيد و المرافع الترافع الترافع المدود و المدود والمدود و المدود و المرافع المدافع المدود المواجع المدود و مندقات برسد زرانشدی می اونی کمیس این این مرزمه در این در در در در از میان در در کار برین منتشر چانش منده برد در در در این برد در این در این در این این این در این در این در این در در این این در در در تصویرای در در در در ترویزی از جامعه در در کار این این در در در میان در این در دان و ارستونی فواست فوا در خدا اون به می داشتند. در اینتن شده و یکی دارست انتقال از شده میکادند و حدیدی کار با بدند نامه کار در موجود و تاکید و تاکیده می این از در این از این این از می داندی ایرو دیما در ایک مروا ایر در دیما در یکی در در دیما در این کرام و تاکیل ایستا وجدار كنسكوه وجوشن وجدالب وأشترا الشده ووفيت وأشار بزاهوان والأراجا ۱۹۷۱ تا در مواهد کنید. در باید به گرد زر به واکند، واسار اید و تعاد کردند ، مراه را میز از در انساله نیز کا و تعاد با مواید Mary Sunday Stanger Signer ووكت آمة ومومن فقت لود كالمدسول بزاجها للكدوري ودركات فلكت ويعا وتزخت لويز كزار فلت بيمان فالدت كمثار كوفت كالمتزخت والكدام to the first of the secret the second of the 50.

بضي وبرشر كوشف اجفر فاريراك والواق فالإراجاء مناسح الأفراع والمان ورشا فيست The State of a South private of which the main for which Light of the State of the state of the state of ال و الما الموادع الم والدوارة وبنيان ويرك أوقيليات والعوامنان فراي ورمان رون - مسئل میزندند الارونان به داندان به اشدون به بازی خاند کارید طور در دارگذاشت از میزند میزند در در در در بورث والنبكدار الدووة ارافات وشدت ورجال وطبت والمعالية لفرثات كريه ازمدن نفره عاص شوه وكنال قبيها والهالا باباء وربعا ويرزا فيدور 30. در این مشکل میشود. این به پایستان میشود شده به میشود با این میشود و شده این میشود و این میشود و این میشود و ای 31/1 - 1 28 fly out to Dink their Secunt ار در در این می در این می در برای در در در در این در در این در در این در این در این در این در این در این در ای در در در این می در این والأراز والبني الشار والمستوار المتهان والرابع والموارث والمانون والمقا ر المراقع المر المراقع and the state of t دِينَ وَوَلَانَهُ مِنْنَ وَلَا وَ وَ وَلَا لِكَنْ فِي فَالْكِينِ وَلَهُ مِنْ الْكِيدِ لِلسَّا فِي فَالْكِلَّ مَنْ مِنْ وَصِيدِي الصَّهِ المِن مِنْ الأَرْضِيةِ فِي قَالَ مِنْ اللهِ وَالْفَالِينَ وَالْمَالِينَ وَالْمَالِ مِنْ وَوَلَانِ مِنْ مِنْ مِنْ الْمِنْ وَمِنْ لِينِينَ وَاللَّهِ مِنْ اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي الْمَالِينَ اللّ ير ما در الموادي الموا الموادي مت آناني در زندت و آن مشك بارسانيا في در زاي سير وادر و آن مستنسبها بغن من ما وفرقه الينوت والأولوني المال ال hote Liver has first information of from The growth in first in the surprise of General march com the copy and to copy

والمناب والمستان والمرابعة والمناب والمنابعة والمال والمال والمال والمنابعة May Demany South Fire Similar Deal ر معد ارتباط ارتب بردان استان بازی به این بازی به این بازی به این به میران از این به این بازی این به ا Downstown Conference with ر المراق الم المراق ال وجاور والاستركان وموكد بالام واستكافه والالاثرا المراجد ر في زنولون وارك في الإستان وي الطون الاستوام في الورام المرافقة في الموادد والفي في الورام في المدون المدون الموادد والموادد وا and from the state of the state of the state of the tani i ja je storije i provinski se provinski se provinski se provinski se provinski se provinski se provinski Bodanja se provinski ورزت وبالمراز والمارة والمارة المارة المراز والمارة عيب والاست بمن في المراد المرا س المعالمة المستعمل المن المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة المراكزة ر با در البارس المواجع المستوم المعادل المواجع المواج الله المراق الم Korin Sporm in ing post of wir good in or الفرية المدارة والدوارم مولان المراجعة المسائلة المسائلة المراجعة والمدارة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة مناب المدارية المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المسائلة ال يا وت رفيت رفيدن دي المسيدة التي المائية المائية المائية والائدة یا فرز سرخت در میدن فردی این موقا شود با در با براز با شد و از اروه و از این می از در فرد از اروه و از این موق می کرد و براز در این است به این کرد و این این به دانوی مشده فرد و از این میداد کرد در و در زیر و این موقا بر هور این می کرد و براز در به و موفا هوای می در این می این این میداد کرد در و در زیر و این می است می این می از می در این می کرد و براز در به و موفا هوای می در این می این این می این این می این این این می از این می این می ا می در این می در در این در این می کند این می این می این می این این می این این این می کرد و براز در این کرد و این می کرد و براز این کرد و این ک 

The histogram with the first provide a little with the construction of ورويه المناور المراجع والمنازية المنازية المنازية ing it is a proper proper to the first for the second ندی کا اند دیدان و د موده مشدها نده از در دان شریمان داد زاری به در به از اجزاره مفروت کشک مفروت و موده شرانه که به موده ده از اداره از موجوع این بشد مردنی بر د داند کا نده نیم برخد د از کاردند کران به در ده تا این که این از این موجوع این باشد. مردنی بر د داند کا نده نیم برخد د از کاردند کران به در ده تا این که اعلام این که می که این که این موجوع این که هر زند دیون تحسینه بین فرد برمز نشدند پیخر بیده و بری اشده زیانه بینسنها . که د دید اختصابی و موجود این اینده گروت در استان کنا بده مدین ساور بین آواز ر المراقع المر المراقع ند رز با خاصر کا داد و کوراند کار خشن کار ایس به سه می نشدهای نیز و در باک کاره ند و کار با که ما خارد به کروشها و فقد کاره ادر کاشش کار و با میان با دیدارد هاری از سال می از در کار در در از ایر کار در کار در کار کار کار و کار و کرد کار و کار و کار و کار و کار و کار ما که را به چنده کانز کار در سد در دانده و از خار که ایسان می در این کار و کرد کار و کرد و کار و کار و کار و ک المنظمة المنظم المنظمة ر المراق المستقد ال المراق ا بالقند والأوقاء والمنتاه والمنتاه والمنتان المانية المتالية كى يۇنى داگراھ ئالايلىش ئۇنىڭ قالايلىس باردىد دائە ھائىلى تىدا ئالىلى قائىلىرى قائىلىرى بەلدىلىكى قائىلىرى بەر ھازى ئەرىنىدا ئەسىن سىرىنى ئەلەرلىك ئەرىنىدىن ئىرىنى ئىرىنى بىرىنى بىرىنى بىرىنىڭ بىرىنىڭ بىرىنىڭ بىرىنىڭ بىرى ئەن ئەرىنى ئالەرلىك دەرىنىي ئالايلىش ئالىرىنىڭ ئالىكى بىرىنە ھائىلىنى ئالىرىنىڭ دىرىنىڭ بىرىنى ر بالارت برود الموات المراد من الراج الراج الاستخداد . وي بد من المراد المواج المراد المراد المراد المراد المواجعة والمواجعة اکوشته نود کار روز در و مندا و دورا موامت و بخاب سا کست ندره آنی : به نود از کدد بخواست ما جوان و سه میسود است کمد در و انتراک ندر در بسیده و ا وصف میده در و ایر وقران داده که میشند آزوین کاروز میشندان آن الإشباء الإليت معن ألزافتي واله وفيظ كروانه والمال والمجيت بالمح مغدمان أشأفات معاوران ومراوي لادك الأنبي كالمانطين وا ر مستساعه من والبرولودي العلم المراجودي العام المن الميام الما الميام المراجودي العام المراجودي العام المراجودي العام المراجودي المواجودي المراجودي المراجو - But the Down was well at the will به که و و برد که به در با در به در در این استین کرد ندگان در این این از بازی این در این از بازی این در این این از بازی این در این این این در این این در این این در این این در این را هی استرخش است آرود و ما تند و فوری کن دکایات هی داند و در است و و فوری که این با تند و دولاد و کال دک اوری بید و در استرای در در استرای در در در استرای در در در استرای در ا ان باروسالی کند و اراضوات از دکاری این آن بازی این میزود. رای به جهای در اکنو دارد و معنو این این این به در از مین و از خواند و در افزوی کند. بعد ما که رای و مسالهای شدارد و کار که رای و کاران این کار این این و میرود این این این این این این این این این در بعد از ترکز وارت معان از افرات ویک دونیان با هم به تاکید. زی داردن خود افغاندا دان سب مسلم میزنده در به هم کوش کرد. ویک واد ها در کارش کرد کرد کردان شد کار در دارای از اداخ ایک ر المراق المراق المستوالي المستوالية المستوانية المراق المستوانية المستوانية المراق المستوانية المراق المستوان المراق الم المرابع المتعالية المستعادة والمالية المتعالية who will have the the mitter property the the time

de in in pour de l'in minint de printe ودابين ما فاشينا كلود اللاقتين تراسان وافاندو بالكاندوري Traile of the good of the state of the the ر دع آن فرهنش که رشکت روز در که میشن سنون ها فار داند در به در به میشن در در در از در زمان کست یاف و ها را نشان و نیوت شخص میشند. مدر زمت در نشان در زمان کارد در ساز ساز میشند و میشند کاشد هشری و شکلت ا كان المعلق شديمان المعراف وه في إنداء والمدافر المستق والأعلى والمعالم المعالم العدم والأوار وودان المحدث المحدث التي المعالم المعالمة الموسود العدام والمعالمة المعالم المعالم المعالم المعا ر با در برخت با در این با در با در با در با در بازانده و در با در بازانده بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند ا در این در بازاند نظار در بازاند بازاند بازاند در بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند بازاند در برزاند بازاند والمعارض المعين المساول في والمواص أراع المنظمة والمواص أن المعارض والمعارض سيعه واستغران فزدون فينهمان سيسه والمعاوير وشال كذابري وعبقت مستخران كم و دواند بول الدونسيد وزيون دخليد ميستان و مخدا شاك و بينها الماتون ر من مراحد المراجع الم المراجع المراج والتاريخ فالمراب وأرشاء والهادفيان المال أراباب كالمال المال فسيراوراتي وتاريد وبالماكن بدخي والمواري وين بياكي والاستان التساف الاستان المستان المستا حيث المستان ال And the state of the beautiful the state of the وتنز والصرة الأواث ومشهده ومركزت ويه وغلات ومرام ووالتلاش والامراكت والألفي ويت ويسارك ويدواناه والألام المراجع からなからん かんけいかんしんこと Anger State of the second of t الما الما المنظمة الم ويدوك والمان والفت المدادوك المات والمت المراح Andria deservation for institution of the second Por a state of the " puting har but he follow in specient Hip in the sand the said of the said فستريت الأمشار المواجعة والإسبال فالندو وع الكارد والمكارد ی این بدرات دارایش از در این این مورد در بروند برای برخدات کرد به از برود با در این کامار در این کرد برود ر کی من می کنده و این با در این با کارد اور این از در ا Selection of the Selection of Security Selections of the Security Selection of the Security Selection of the Security Selection of the Selecti يشان وورث والمقراري برائي تعادلات كمنا والزياش المدوان in July and the state of the st White published in the state of the ر الفارائيس الله كالمدود كان ترتب وجد الأدواق في المواجه المواد المواجه المواجه المواجه المواجه المواجه المواج المدين المواجه عند والدول المواجه المواجه المواجه كانها أما المواجه المواجعة عن المدور في ما المدور من المدود الم

of Charles and his they the things ره و دوه برای است می داد از این ا به مدر در این از این از این این از این با این از این از این این از این ا با این از این این از این این از این این از ای الله كان المعاول المستوية الم المستوية المستوي والمعارض والمروج بالمراجعة والمنازات المارات المراجعة (Si Said of the property of the first of the بِنَدْ- الزِّيْسِ فاسره انجَرِعا وفي خاركُراها مِصرِعا فإن وهياتها. مان الى 11كام والعرف المرابع ا معلى مالات مع المدارج المرابع المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المن ورف المنظم ويت والعن يرقاف الإنها، وهو الكان ويت المنظم ويت والعن المنظم الن ويقعب للغم ويت والمنسب ويفهب الاعياء ويجد الغابي ومطبالين برده الراس من من المراس و با المراس المنطقة المناس و المراس و المراس و المراس و المراس و المراس و المراس و الم المناس و المراس و in the second of the self of the second of t kan filozofi si katali izala esik misika izili. Ma Katali katali izali izali izali izali katali katali izali izali Katali izali i

المراق ا ر مین دوند. و نوسته هنگاه و نوبی و نوبی در دوند و نیسته کنند و کارند. در کاروز کارن در در از این در در کرد این را اختیات دوندی و در خصصه با افزون دون صفح بایشه اعلی کنند و نیسته با مین میناند و مست براز اینشن میناند. ر على المساور المساور المساور المواد المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور ا المسترون المساور المسا ار داند. بروای در از این از از این از ای به مادر در آرد در این از ار در بازی از این این از در این از این در این از این این از از این این از این این این از این این از این این از این این این از این این از این از این از این این از این این از این 160 روا به الحد روا والمحال المواقع المواقع المحال الم د ادارول وصل کند و تشکی خواند و سردورز به و درولسنی حداسی و مسئر امر اکتوروز فر معال و جدا القصد و ادارول که مسئل باشد و ما و برای در این مودد القدار کند و دانگاهی و در از ودانگرویست که ایران برون ایران از ایران کرد در اخد داداش حدال است حواساتی کند و موال برد و دانسدندای بدورز کرد در اخد داداش حدال است حواساتی کند و موال برد و دانسدندای بدورز ئىدىنىيى ئۇرىغۇ ئاقدۇش مۇي ئاۋىنىڭدىنىڭ دەكىرى دەر ئىدىنىڭ ئەرىمەدىلات ئالداردىكەر دەكەردا ئەتقۇرىت دۇر ئاۋىدىلاردى ئۆرىدىدىغ دىساكە داھار كىغى ئاكدىلىدىدا بۇلات دىۋى ھۇسىل داپرايات

ر دارم وزن تروم والع الله وقال الله من أو المرافض ويلام ورث وروليه كان ويتمام اللانياء عنه العرف الحالي ورواوه و من يب وبسبة تمات عوه لم يبذره ذالتا ليوم ينم ولا سحر وقال عال عام ال معنى المالد مناوال المانيان المالين والعالمة والمالين المالين الما وكانام بما يحتمون ف ف ف المناه الناس فا المام الناس فا المالم ووام به المراج و المراس الماس الماس المراس ر من است مود است و الماد و فادع استعالی این است است میرود است المارسی نقالوار کشت ساده فادع استدا کنده البغ بسر با شخت را دارد المارسی ترجع المدن برای والم میرود است میرود کنده البغ بسر با شخت را دارد دارد البغورس شاعد در اکارت مسطع مراز درمان خرج فرا و ساورد or the case the series with surechiefer in its وکرت مهات ارد درگش برای فواق احت و انهاشش کمد فرت ترویش ایر سرّ و داخل کا و نشر ای است از گذریان ان مهر و که مقرات داخل کار و دروی این به انتهای خوات موزی کار برای قدت اردید در شاکل در کرز اخت به دند و تنظیم از منسوی اصفها درخوات که در فرده دانج الاست در در و توزیز از مرقوات او درا گریاست در در در در در در از داده شدگیر ره فرد المحالية والمستان وهم المنظم المن المحالية والمحالية والمعالمة والمحالية المحالية والمحالية المحالية وا المن المحالية والمحالية النار الای استری تو در فروان کرد سال با در این در این در این می در این در این در این در این در این در از این د در این در ای در این در ای المال من الربية المجان والمناف وهونذا المن الماليون military Conceptation white minute و نام بادرون می به صدر فیت بر خالف از ف کرداست در در بسور بنگاه برد به اردای و در کارد در دی بود در در با مسلب دانجوکند و فی برد و یکنی به دانله ما برداز میان کسی و فوزایش در در برد و با را داخل و در بازگر کارد در در بیشتر کرد و تشکت میدر میران و میگرد افتار در داد و با را داخل در دین کرد کرد کرد کرد کرد film Derfe view files por state its in the for List with in the South of the state of the figure of بعض آنده زمیده که دشانه دا میندود داران فرویش هجای ندا کرده شد کوار کا چن باشتهان در برگزاشته آناز دان دین جدیدن در مشروشنده و کار داراز دوک و ده او در شده یک جندید موره شده ای این دادند و باک ترو دی در دو این که در در ای که دیگ داد بشکه داده جند و در به در این ایران The state of the property of the state of الموالية المرافية المرافية المرافية المرافية المرافية وجها وبولي الربازيات ويالانكاف والانتفادي ر المراق و المدور من والموسود من المراق المراق و المراق المراق المراق و المراق و المراق و المراق و المراق و ال والتي والمراق المراق و عمر المراق والمراق والمراق المراق المراق المراق والمراق والم ميدة دور في الكند واقتر والتي المار والإنهاد البيدات إلى وار وكار والتهاجت وور في المراكز المنظرة الماكس الدور والمارور ر المراجع المر المراجع المراج جند برور المراق المورد بن المراق المورد المراق الم المستركة المدين المستولي المراق المر مدون کیست درون فرود این سازی در دانشده درون کران کشته درون با بازار عمل مین این کار کشته درا دی بی رود انتیاب کشتری میراند بازگوری

همش برد وفتک برد و آقال آن و داشتان با در داش آن سازه به و در فتی شاید به این بردها به سی در در داشتان در فتی این با این سید مشخصه با اند و آن برد و بین در در در در این بال به در فرت آن با در و برد و با مها م داده کند و این است برد و بین باد در دادن آن از در داده این از بین که است برای و بین می است برای می کند و این می است برد و بین باد در این باد باد برد این به بین برد و باد و بین می است به می و در این باد باد بین می است باد و بین می است باد و بین می است باد و بین می باد در این باد بین باد می باد بین باد می باد بین باد می باد بین باد می باد بین باد بین باد می باد بین باد بین باد می باد بین المارشى قى كۆرەت سەۋاتىلىنىڭ دەم دىدان دەمىيە دەھەدەكىنى دەركىيە ئىن بىن بىل دەنبۇرى دەركىنى كى دەركانى دەركانى كىلىدارىگە چىلارى ئۆرىشەدە دەنبۇرىكى دەرىدىدان ئىن ئەركىرى ئۇرىدە داھىنىر داركىن ر هم از باک ترویل به منطق انترین به میداند. از مهدر در این ماهداریش با دیده این اجدات داراید این در میداد. رود و المراجع و المر المراجع المراجع و ال دو مربود الذ الناف و و با بارس به در و و الله الله الدول و و و السال المن و و الله الله الله و و الله الله و و الله و ال ر با در این که در فرز نصاحه به دارای دا مند با در دولت شارا در این رفته سالند و مرافع این مناوند و در در دارای در ایروی شارای شارای سال لغي وأحاث والتوكون ووفت روانة فالتدالات وزونتان يزمزي الف عيز رانيت كري والكبيرية وعرات في والأخريرة وقوت عرويده برده باید با با در است در است می مطواندگی در به هم برای ادامه با در است از با در است از این از این از این از ا برای در است میشود شود با می میده برد از این از برای در از این از بردی در این از این این از این این این از ا من والموقات و وزياد الموقات و الموقات و بيدا وجدارا الأهال الموقع الما الموقع الموقع الموقع الموقع الموقع المو الموقع ا رز برن بری سر داک و حودک برخ جا دانده که آن کسیاک آزار مالاد مناع دائم برندگار دونجاک در این برای داده بای خوانم درگذری درسیا أوأبت ورعاف والماعة ولأعاصاح والطامت ووفورا المترافع بخروكات النشال مووانات واذعن بشاجني الانسيان جذالياها تذبين وأ ن کے موٹر برخ رہند در سرختر میں کا بادی ادر صوف بردہ ممکنت مراقام محمد سے کا کہ در در نوصل دختان میں کا درص میں کا مساور کا استعادیا محمد مرت بدر برت زائش واقعی برتیا رکھ مرتفظ درصورا الای ایم کر محالیات 25 ن دونش درمینی و میش قادیمان درمان کردیگری آزاد فرق درگریوی ترکه <del>دورای</del> آن درمیش کند دواندی درگزاری که از از بست دو و میکان ساز درخارگری این در آن درمیش کند دواندی درگزاری که دورای در این از این میشود و از میشود و از میشود و از میشود و این میشود. وليدويون كالمدرات ووالكند بدام والكند والكراف Donald September 27 million Light Tour spill of the Constitution of الله المراجعة الله كليسة في الأرض المن والما المراجعة ال Hely Commission of the State of the Same To the same description disputes in militario and grain in the state of the first and the comment of the

سند با ارون مدار و باسد فر داهید در دون هم جها مداد و دامان این است. رون افلسه در بادر شود کلت و بره برد و دون همین اختیار شد قدید او داخلا می از این ایران شده با کند و فرد است و در به میزان این این اسل بیت آن کار کار داده برد این ایران ایران آن کار این ایران ایران ایران آن کار ایران ای مودات الله برام المستحد الدوليم الدولي الواقعات المرام الدوليون المواقع المواقعات المستوي المواقع المواقع المو المدولين المواقع المدولية المستوية المستوية المواقعات المدولية المدولة المواقعات المدولة المواقعة المدولة المو المراجعة المدولات المواقعات المواقعة المدولة المواقعة الموا ر فات بر در این می در بر می از در این به این این این این این از در این در این در این در این در این در این در ای این بر زاری می در این می در در در در در این در این این این این در این این در در این در این بر در این بر در این در این در این در داری در در در این می در این این در در این در این در در این در این در در این التي من و والجعال الأكاف في التي و برنسوان الأمري و بركان وعاد من و والجعال الأكاف في التي المساولة الألاف المداعمة و بريخ و من المساولة والم فيدن بالانتهائية في والعمال والمؤرث أو المرات وه والمسلمة والمراق والم فيدن بالانتهائية في والعمال والمؤرث أو المرات المرات المرات المرات المرات المرات المرات ک دران فرز، بی ناف در در فرج فرج (ایت کی مرفته و میدند خاص فرز، درن دربرد) از موات که مواد شاه به و بازی کی میکند در با فرد در در بازی رو در مواده که میره بازی که که میروکار از خاده خاصه یک یا ر الاندر كار به الان المدين المعرف الاندران المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة ال المدينة ويدين المدينة The state of the first of the state of the s ر مینی در این برای کرد در منافقات به در این در این افزای در این این ما با این در در این این ما با این در در ای در این در این در این این در این این در این افزای در این اور در این در در ایم در این را المراحية المراحة The simple of inguity on the printer of the المراجعة ال والمراجعة المراجعة ا والمراجعة المراجعة ا والمراجعة المراجعة والتكابير والمراود والموس والتي المراتب والمانات والمسروال المانات

Taging para Greje and Belonder and in the Taging begging april it — But in Brown for Bearing Sight Species in the Silvery as درک در داخور بدرش داخورها که اماستوران امندسوایی در داد داده این که در دارد به این داخورد در در این ادر الدور و المراق المراق المستون المستون و المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق الم المراق و المراق مغ و درگاف بره و اورش ایس این و برس و نام او در در این موام در کرزاند در سام آمد قال موضوع مست و مولا اهد مواه این در فی میته السود از الشویز در این در این موافقت در ایم در کرد در و این در این د ور المعالية من المراح المرح المراح ر به بون و رکم خوک و آنا تا یک این که اصفی در به کرد با خوانند و خوان مقدوق اند بر دورت میدند به مخالف ایساز کشت که داندان جوز مده زیر افزانس جهانیم در برت از اطفاقهٔ فاکل والغزیا صده قامهٔ تسکس علیه اندانش و نکه کردان آن روا الاستهام الكراكة عليه قام المستوية المراكة المركة المركة المركة المراكة ا الته وران الدور الاستان الذي تروا المردي كم حد التعالى المرديدة والتعالى المردي والمردي والمردي المردية والمواجعة المردية الم

ر فرز براند در من من من المنابع فرز الكوافر أن موس من من من المنابع المنابع المنابع المنابع المنابع المنابع ال المنابع it is nit specificant front protoco المحروق الإيام المراق المساكرة الإيام في المحروق المراق المحروق المحر Mercaphanica Surprise of de give المواد الموا المواد ا ر به المساورة المساو Thirties and were there مرد روار المرافع المر أربر والكالم والإولام والمعالية والمصالي الدور والتفالي وزان معال فركا ر در و نظرت و ان خوجه و برنون منده بات خدر را بان زر تال الت منظم بحد ان مارد و بدان بدر منشری به خداه از در مناوایشان اما کها و مند و من المراكب في المراكب المراكب في المراكب المراكب المراكب و المركب و المراكب و المراكب و المركب و المراكب و المراكب و المراكب و المراكب و المراكب و المراكب ر بن المرابعة و المرابعة المرابعة و المواجهة و المرابعة و المرابعة و المرابعة و المرابعة و المرابعة و المرابعة والمرابعة و المرابعة و والمرابعة و المرابعة و والمرابعة و المرابعة و مراور ان الموال الموال الموالية الموال المال الموسوعي المرافعة الإسلام المواجعة المواجعة المواجعة المرافعة الإسلام المواجعة ا المواجعة ا

را فلت بروس مدور ارت کار در این ایس برای برای برای بازد. ر المناسبة فرقسه من و دو و به شرق النه المناسبة المناسبة في المناسبة في المناسبة في المناسبة في المناسبة في ال المركز فو كان و دو الرام التي والفائد كود فلك جور المنافي كود و دو الرائس كم المناسبة المناسبة المناسبة و المنافي و المنافي المناسبة في المناسبة و المنافي المناسبة و ال وه بالنت و ما مست منتقر وروفا عمر جدل اثرة ب اور نوع ميت بل ور ه خد نسی خسبت مه باز در به که ۱۰ در برگزید و در این با مهای نه وادر به کارار برگزارد که در مهر که در کارد در این مهت در در در این کار نیست در در در می برگزیر محمل بود در کارد در مهدر در با داشته و در کار نیستال و جدید در می تر در در تسسیر بازد a sing of all a construction of the second o market links Billing 19 - 18 miles مران المران في المران في المراكب مروم ومول المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع الم وفي من المرافع الم مرد دو برق وقد المراق و رئال المراق المر ومروث إلى المراق - y - Mar Sudifich Company Confl معلق مشورات وگزات و بروانی اطلاعات و میگواند برگشری و این در مالیانی گذر میروان (میانات سیروانت میسی مودات کرم و برواندان الکرم و میشود They were superior the work of the the ئىلىرەپ دىكەرۇت سەرەپىيىنىڭ ئەرەپ كۇنىڭ دىسى بۇلۇنلىرى بۇلۇڭ دارىكىي ئەرىجى بۇرىدىن دارىدىن ئىدىكى ئىدىنىڭ دارىكىت بىلىرى معاداته الإنشائية في المراجع ا حدد برحض أن مسالله كرفوا نندويس خاصو وقوم بالمنقاد القالف المهيدات وكرفيت قام وقولغ برو و واز والمنقية والزوار و الرفعة بدخوا من المدهدة نمه به این به مین آداد کار در دخه انتها از خوات سیدات دان باطری دارد آداد. منزو د خواز در مغرب در در در در در سرازان در خوان سال این از مینان به سال این در خوان در در مینان در در مینان د منزوز زیران در در صفور داردی ادان قرد این را در شاک در در شاک در در مینان کار بازدگار و در کی بخت و خادر در آن آن دامیشداست ، احق الجهایی در خیار دارای . در می بادر این کرد خشد کار درت در در این از دارای قائد در این میشداست شد Light Con They are the continuous of وى وأنسان خون وأقد مسر ما ميشورات ويساران كالقريم السيرية المرتبط الترجية 

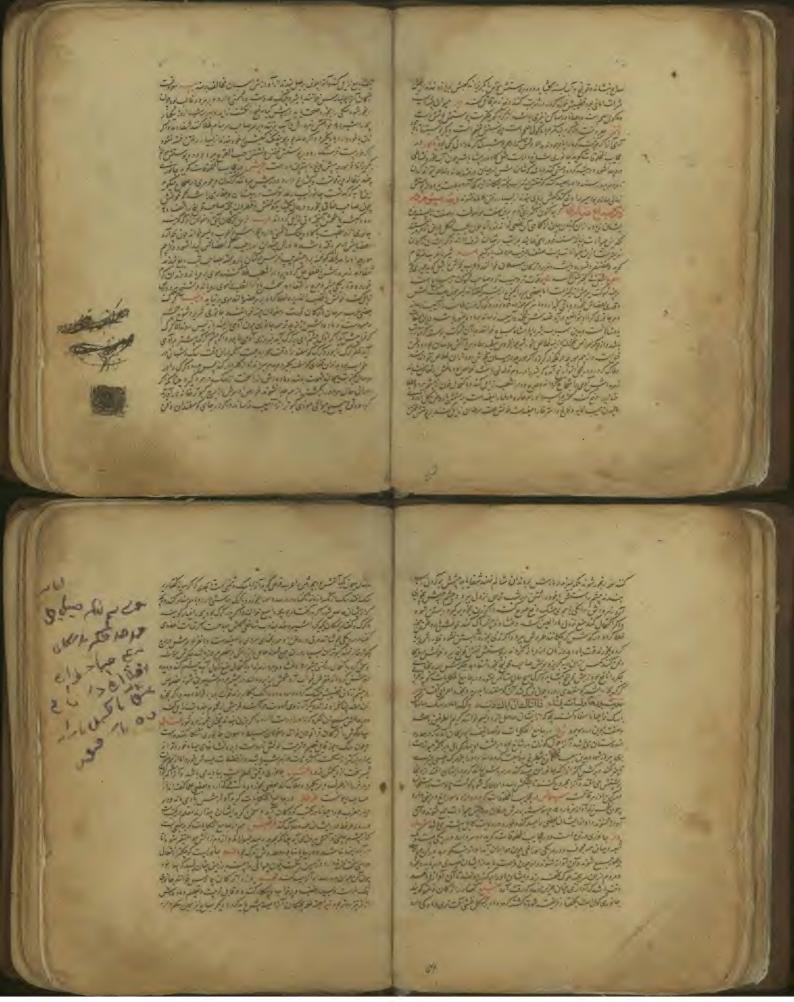
من بازان از بواصور باز کالکاه بور الفران و مسؤلول و قالیه ا انگاه مزالن دماه هاشفاه الین می کرد و تک میرد دم افد و نیدای و دن در بوار نیز و میدان و برا را دومه ت پسر کرک و بیش با می ایران ر مصل من استواده می بخشد برقال وصداع طوم زادا که دولری ادادها دولو وعصا رو استواده می بخشد برقال وصدای مصل است و خشک و برنوشم و کل واقعی برخشار میده و شرکتنگ و دروس رو با این او از درگزیروست و دیگا اول این کل روست و فران به درو و درو و الموالي المان المان المان المان الدولون و الموالي و الموالي الموالي الموالي الموالي الموالات و الموالي المدولات الموالات الموالي الموالي الموالات الموالي الموالات و الموالات و الموالات و الموالي الموالي الموالي الموالات الموالات الموالي الموالي الموالات و الموالات الموالي الموالات د را بالنبي كرده كرد و و كمك به هر سوار و الاستان الدائد الا بالا المساور المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة ا معم آن النبي فرد كند و بالدر المرافظ المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة المرافظة ا الدر المرافظة May 3 7 pm 2 8 1 out to consider Syntan STATE OF THE STATE Prophony Francisco Sich State ر المراجعة والمراجعة المراجعة ا گیترست فرهست ۱۰ در داند. مازی شور داست به بعد از برای گزشهای در دو قرید با مداریک ند شده در وی در دخل مورد از در ادار می تورید در دیگرت داری و کردی و تورد دیما در دو در تورد کرد انگذار داشک کرده کرد در در دو تا میان ایسال دیگرت از در ر دارا داختی در نزنها شده با نواند به در مهای در نزنها شده برگ در میداد آن دارا و نواند کردون دور نزد دارا در ماهایات انامهای ترف داشتن تُ سِندُون أَنْ أَيْت وحملت أَنْ أَوْلِي اللهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ 134 Q. > (1) Contraction Selection Printer Side of Side Sides Of page Display and Side Sides Sides of Sides Sides Andrew Line of the state of the 

ر بازن در باین مارد برای در البین کرد محترف در برد الاقتاف و برورد ا رسزان دری شده به کونه بی تعق الدر نه رفک کند رس برم و پیره میت مای د افغای امدود بی کفت الی اشد بید بی تامه بی افغان است و بسه مرکزی کون اگرام بیان داند برگزی میزان توانند ارجه کری دکشیروان حول بیدا شوده ایس Ledge Might of Suprime Defender of the 150.50 مده مده می این می کند بری نده در این برده از ان میستند به این می بداید این می به این این می به این این می به ای این می این در این بری این بری این بری این به ای این به این این به ای وف والمفرغ فوالدوان مرووة وت جدا فراقل لم البرودوا وجودا ف والمنحي والمراس المدود المنتاب والمناس المواس المساس المراس المواس المراس المواس المراس ويدفيني والناف مرجه المرخى ذو الإدواء كرار رضاى المضيدى الشاوشين كرويس مِنْ زُولِ وَلَا يَعْ وَوَوَالْمُلْفِ وَفَا أَنْهُ وَلَا مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ وَمِنْ اللَّهِ وَلَوْ الرَّبِ وَزُولُ مِنْ مِنْ يَرِبُ مِنْ أَنْهِ كَا اللَّهِ فَا يَوْلُونُ وَلَكُمْ عَلَيْهِ وَلَكُمْ اللَّهِ الْ Mayner Description of the Contraction معاليات محاريا والتبسيع أحساسه ويوادان فيست المراد وموادك مهرا و موکر در در فرد در در بیشتان موده به ایران مدخ این خوان نامیس و در امالی و ما که از این مراه در در بیشتر بیشتر در شرکت می مودات کرد در انگریت در مودات کرد در انگریت در مودات کرد. در در در در کرد برای در در در در کار در مالی بیشتر از شده از انگریت و در در از انگریت و در در از انگریت و در ر من المنظم ا المنظم ا بكروا لروالا بساركة والعداع والعنديره والرب والمتن ومروا الصديب والمراج لدوالل The fact of the second رعد به انان تقعد المنافح برخدادان الماني خلاف الدوران ف وقت فارس المنافح المان المنافع المان المنافع المان الم الان فروز المان قد المنافع المان المنافع المان المان المنافع ا بدر - راز والاست - راز المان من مراز المان عنايض وجال يتراوي والمستدود والمراجع المانية المانية المانية in horacio in informata - Dunna ر بعالم صوفه المرازي كما الما تنديدات وركيس و ما دان و باركر و ما ما المراك كان تركيب هذا المراكب و المراكب المراكب المراكب و ا ر مان می است کن آن در آن در مینواد بایت موکند در آن موت رساندار داد. مینده مادوس بی آمر مواد در می گراید سر بی آن که کند کار آن رو آن ایر از مین ایر تروانات از میدا انسان ایر ایر آن و آن ایران و آن ایران ایران ایران و آن ایران ایران ایران ایران ایر د المراد والن القريد المان حاص العاص والمهم من المحتلف والمن المراد المن المراد المن المراد المن المراد المن ا المند والمن القريب المندورون في المراد المن المنت والمن والمن والمن المراث في المراد المن والمن في المناد والم المندورون المن كمن المناد المن والمناد المناد والمن المناد والمن المناد المناد المناد المناد المناد المناد المن المناد والمناد المناد والمناد المناد والمناد المناد والمناد المناد the to the state of the transfer of the

The state of the s بغروي الخسود في كرومان ويوني المعالم المفترات الدولة الأكام والمستهدد و كالروافع المستدر الموافع الموافع المنظمة المستدر وهذا كالروافع ا Said Sugar good Long Towning مرور المراجع ا مروج المراجع ا ومها ومرة الربورور لمداء والافترات أسافي مساح الراقي واستدان والوا واستدام و والمرابع والموال فأعاده والمرابع المعادة والمتسارة والمتساكم والمرابع とうないないというではないないのできま Angeline of the grant of the first of the grant of the gr المراق ا وربى المسترية والمستراف والمستراف المن and the state of t An Apply sany valle property will A CONTRACTOR OF THE STATE OF TH الكذارة كالمنبان الفي أميركن والأن المالية المالية والزيالات Hillian Control State Of the Control والمناب والمسائل المالي المنابع المسائل د مواهند مند من من المراق من المراق المراق و المراق المواق و المواق و المواق و المواق و المواق و المواق و المو المراق المراق و من المراق و المراق المراق و المراق د خرک دانستاه از کادو تند دوستان در آن بازی شیخه در نیخ در در آن در و در سند بازی در در در سند بازی در آن البلدان و تناسم در شده بازی بازی در آن در آن در آن در آن در آن در آن در در در سند در در در در سند بازی در از در از در از در از در از در از در آن د بنها فديما انتفاقه وأو وبن والالت أفرهوك وأأله والذوالصنده وموام المرامة البنال مقودانواص الجزالي من أبيد وغيريد) أحدود والمناوات والمناسف والماسف والمراجعة المراجعة المناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة الم من المنت منت منظم عدد العنقال وكان الناسخ المناسفة عند والمناسفة المناسفة المناسفة المناسفة المناسفة والمناسفة عن المنتاء تهور بدران والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة والمناسفة من کا حندت ارزی می دور بردی در می می در بردی در بردی در بردی در در در در بردی در در بردی در ب - Company - Comp Control of the State of the Sta

125 De Sich fer Die Sie Suchin and berg. ny flynd Proposition Proposition of the ره المنافرة و الركون و در و و المنافرة في المنافرة في المنافرة و المنافرة و المنافرة و المنافرة و المنافرة و ا المنافرة و المنافر The second secon راح أواستنس برخ معزا إيدان وراء في عرق وزائن تحسيها والذاء الذعبين أولاوي يم له الله و الأوليس عن ويكيش لود و التي و المان الإنساري و المان فاستضر إزا وروش في في الترث كر بالتاسي في من وي ان المراد المرد المراد المراد ونيف بدول المروح كالمناف المساكري بكران موزيث مرش الله المساقية المستقبل الموادع المراق المراق المستقبل الموادع المستقبل الموادع المراق المراق المراق المراق المرادع المرادي المراقع المستقبل الموادع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المرا عندت الشريف والمرجزة والمائية والمت وي ر المشروع الله في منوات فالقراع المائية والمساوية والمقال المائية المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة ويجت المدودة في المنافعة المن المنافعة ال المراق المراقب المراق المر والطايف منعدا لاعر موك أياث الاباسرية الدويول إدات الانز الشريحت كالدعود زيرة فرساب بالمرض وفالمراق ر ما تشریحت می که شود زیره بر بی سید با ام و در سید و و اور بر بیده می از در است در در است بر و اور بر بیده می در است نیز در در بیدند از این که تشریح می بید در در اس بی از از یک شده این بر از این بید این بید از این بید این بید از A the second to a proper to the second of the second ع مياسين الله توجه ورياده البشريد المات المارية و الراب بي سروه مي نشار و الدي كله بران بالدي و در بيش الدور الدي المراب الدور الدور الدور الدور الدور المراب الروز الدور ا المراب المراب الدور Agging to the aggreeing and from the first of the second section of the section

در من استام العن البون مردون فضائل کشند و در من او ان کی شود او رکسان از که دانور و من و به آرد و مغرب شک کافر از الا شده و و و و کام و آنها ان ای او است در گرکز و دشونش از یک و در مورای خوانی مستوری از خوان و من از یک از من در مان داند به او می گزادشات و در ایش مخترات و در ایر استوری و فرزشند در در فرز در دارای در کافر در اکار ما داشت این از و ای مدو برود این دانگی هندل در مشرق پشترت به در حداث دارگذایگا چهان تر بری افسایش ده هما مرد اینکه اندر و میشنید تا توجه اینکه دارگاه پریز در در کرفتر تا در در میرکد تا در مشدیش براند آیا تا فاصف مراز فارقی كون در من به من المواد المراد و المواد المن المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد الم المورد المواد ال الث الدورورية ما والمن فالمواق في المال الله والمستان والذو دن وی موسد اور گرفت و سه دخر دس دانت و باین این است. معنی در کرد به کار می مهم ایراد دست به ایراد با باید سه در این در ای در کرد سه در در در ایراد باید در این کند و در ایراد که این در ه ب رم ویوش مانزان دهن دهناوش و از استیاب داد. همی علی هوانت کافتر بر دست روازی دهنگ به به دهنگ هواند میزان د به بهری نام رواز با این متناو است ای این دست این داد این بی مارستان به بهروش داد بریز نام نیامشوایی این این میده بیشد نام ویی خود دانویشی بیدار در این این به به بروش داد بریز نام نیامشوایی این این میده بیشد نام ویی خود دانویشی بیدا ن دو های از الفارد و این این این به سد می ۱۱ و الفارد این از الفارد از الفارد این از الفارد این از الفارد این از الفارد این از الفارد الفارد از الفارد از الفارد از الفارد از الفارد از الفارد از الفارد الفارد از الفارد الفارد از الف ر اللو و المورس المورس و المو ئۆرگ رىڭ دىن دەپ بىدى ئەندىلاد دېڭى بىدى دىن تەن بەدىمەنچى ئاكەرلىك سەرىم قەمۇشى بارىجى دىدى تارىخى 21 د. بازند به دان به شده که دان می از بازند و دار دان دانوی تنسیمات و از میراند بازد در دانوای که و این والمرافع والم والمرافع والمرافع والمرافع والمرافع والمرافع والمرافع والمراف Barrens & Bernett State of the State 

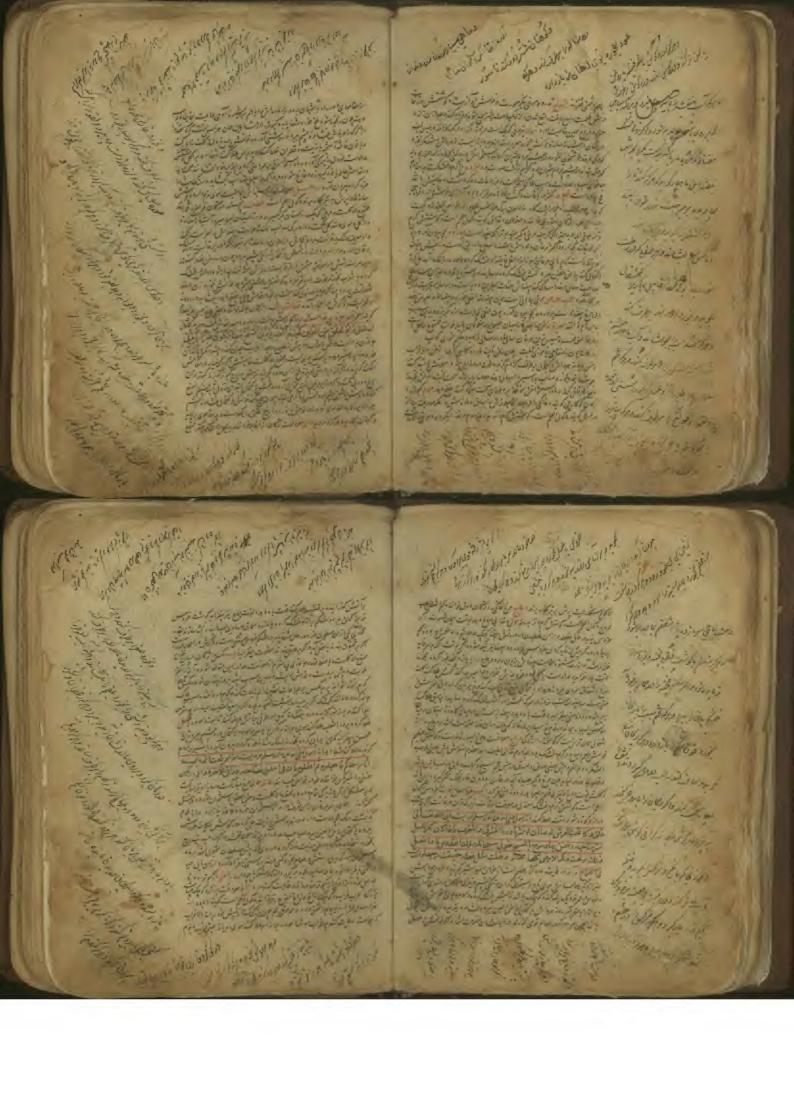


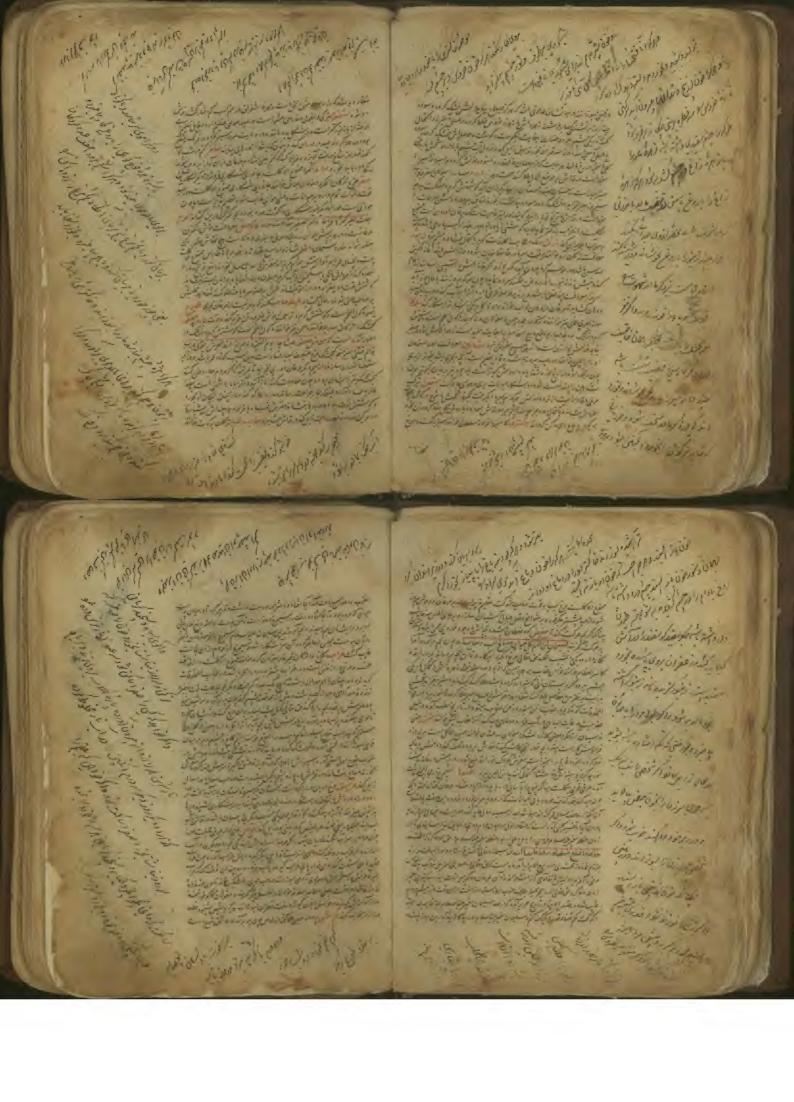
وفرات المناص المنافع المنافعة والمرافزة والمنت الأوا المحرورة والمرافزة الموسية المراس ا من من المساورة المراوي من المراوية المساورة المساورة المساورة المراوية المراوية المراوية المراوية المراوية الم المراوية مرا المراح المراح المراح المراج المراح المر "Best of property on the state of the secretary مشغش الميان مركزي بالأول كشدور مال توضع كالوطود في من والكان بكوا 31 والامكن مواست كأقال لبحة السلت كم اليشان والهباق اما المشاري فيكمك عاكره وصناف وجها بسياحت والأج وتطرأة ومعاكث تزاء وفواره ر الارود و در المنظم ا مرصنف الراس كفريون ومراه وكالعالوات والمستعدد والمساعد ويوافك والفاء رز و اکارت فر بین بگر ، مده صور اروپات کنده که در ایک در بین مدک در در در آنده در از داشته که در ایک در در در ایک فل ميد داد من جستات ويعقم في وياس أفنا والهار على وي خالد المعنى للمسروق السيد أفيل الميت واحترار أمنا للبيعان ميري شقی بافغارش نیارش و در افغایا میشاند این شف دارش دارمان به افغایداد. مسیمان از داخمه در در دافشای خربهای ارضادان و درک مرکز می بازش این دا شکام او شود در دار کشم از ایش از درگ خادرشد این سی و درگزیک زارتیا به General Surprise Surprise Sund المهدان المنافية المنظر المان والمحالات المن والمنافية

This is in my hope of the winds in the جهد به دکار طوارستان مید. وقان کی نکون که داده سال میداد جوید تا بسیان البط به استخد سینان انجان ما و تنظیم کار در داده استفار شوارست و قت بعد جهد دواران الانتها في المستون المستون المستون المستوني المستوني المستوني المستون God Regues - 1986 in do of 1910 in his المراج والمناف المالي المراجع التروية المراجعة الم المراجعة ال المراجعة الم comments in production and the will be not a وروزي الندورفان والدارات والركوفية المناوي والمسالك الموا المرابعة ال المرابعة ال المرابعة ال the state of the state of the state of The sail Mary State of States of the the second of the second of the second مان المده المواقع والمستوالي المعاولين المستوالين المستوالين المستوالين المستوالين المستوالين المستوالين المستو المرابع المواقع المرابع والمستوالين المستوالين المست ار دوران المراجع المرا المراجع المراج ر الان الإسرار و التناق موجود الدول الدول المساور الدول الدول المدول ال Sand pay what it is not by market it is the من و المركفير والموراكي التبييط البورة لكرون ورس والمفاق ر منور من الدار المراس و الدار الدار المراس و المراس و الدار الدار المراس و المراس رفال من المواقعة على ولما حدث بالمداوس و المواقعة و المواقعة المواقعة و المواقعة و المواقعة و المواقعة و الموا المواقعة المواقعة و از آن مشاعده الساحدة فإلى النيت رسيا ما في الابيناء سيد الأراسي هم مرا وزيان أن الأون في يوملن مع الأولى مدما فراه لايون والاون فرات والن ركم المستحد الشرعاط ويدا بيدن والناء الدين و وروزالل خار المراكز وروزا والأمن ويازي والعراق الرد ويراكز المرد ويراوش كمال بشراخ ويدر ورداد والاجمالة المستحدال والاستحداد ومناك والمشتق المالية المالية المالية المالية المالية المالية والمستحداد المنافظة المناف Andrew Constitution of the The Secretary of the Se اغاضتن وامتشامط اتبت لما بتجل فلطنا شأوا فلل إمان والصفو المتدامية حرك الارزوت كي موسيط الله والارزوز الدون المرازود الدون المرازود الدون المرازود الدون المرازود المدون المرازود المرازو ميان وكراران وير معترف براي هذه المدن من المجال المان الندي المؤاز الموازي المراكز المدن الموازي الموازي المدن المراكز الموازي المراكز الموازي المراكز الموازي المراكز الموازي المراكز الموازي المراكز الناالالغ الإنبور المالاث حالها الناالالغ الإنبور المالاث والمالغ المراجع المساحل والأناق المراجعة المرابع المراجعة الم And the state of t الله المساورة المراجعة المساورة المراجعة ال نورون دورون که درون دورون که درون دورون که درون دورون که درون می درون که درو درون که درون ک 

ر دیام نظایات کوسرهات بردنی میافت رایش ندهی دادید. درد دردرکان در کشین هربر میاندسانده آدمین شرکه درخش روید همات شدگردی دربردن ای برات آمکانی دادید. در در در Right State Character for the property المراق ا الزوقرا فواسكان فوالن لوس والمنازية بالمارية والمارية The state of the s مع ك دران دور ترويف و برعم و مني الدان وقت و الواحث paragram with the first the will the will be المرازي من المرازي الم مردم المرازي ا stime in the Society of the Society ورازي والمناسبين والماري المامي الاستدامات والمنافئ المامية در به در این از این در ای در این در در این در در این در در این ر المستورية Landrid Della Maria Calanda Registranda programa الله المنظمة ا المنظمة المنظم ر المراكز المر المراكز المراك المورود المور المرابعة المالية The figure of the South And the world of the South













Horizon agirlance ground Proprieting Chinach ×1 مریکی در شده می در معرف ایریکی در در شده برخت به شده به در میده ایریکی در در شده برخت به در می در می در می در میسوان دکرکی در می با مشتریت در ایریکی در میکند ایریکی می میکند می ایریکی میکند می ایریکی میکند می ایریکی میکن میسوان در ایریکی میکند می ایریکی میکند می در میکند ایریکی میکند ایریکی میکند ایریکی میکند ایریکی میکند ایریکی 170 10 of the wall of the manager of the work when the مي وادر سان ميان موان بي العين خالواد الإست ويون بي . رسيد معين والاست الميان المنافق المستان المستان المستان المنافق المستان المستان المستان المستان المستان المستا ر المراجعة ال المراجعة ا (in the property in the way of the (ajaingala ing na pagasa sa ing indhahad Mga into Chair la farang ang ang ing ing وتشكون والمادي كذوالعناس ومثارة فتأرك والمراجع المانوارا والعالى والمرازية والانتخاص المناوية والمناورة والمناورة من ها در المراس می در المراس ای در المراس فانيت فالروائل وجورا بيت فاستداد مواجهات وواضعاع في - Partie - Charles - Charles of many ي و فري سروا الاي المراجع المر المراجع بالت والمعراء الأوالية الماكن المساحة المجاري المتعالمة ر المرادي المر وي ما المرادي ومن المرادي ا Commence of the way of the second المردورات و مرافز المرافز المسلم في المرافز المردورات و المرافز المردورات و المرافز المردورات و المرافز المردورات و المردورات المرد Horard Color Section Company of the world Contract of the production of the Contract of the state of ر من المستود و Supplied to the State of the State of the State of the راک و میرد در میکاند. میکاند و میش و میش در میکاندی کا معروض کا میدادی کا تصویر کارد کارد میکاندی کارد و میکاندی منوارد المراجعة المراجعة المواجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة الم المراجعة ال المراجعة The Sylver Said State of the second رود المراسية المراجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المراجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المراجعة المواجعة المراجعة الم المراجعة الم The spice of a singly of a the standard since and the least of the single of the standard single of the single of

المحاصف معدا كي يواره والمحاسبية المدون الموسية المدون ال Live Landing Company of the survey of الله المرازية والمداعدة المناوية المنافية والمنافية المالية المنافية المنافية المنافية المنافية المنافية المنافية الله المراق المراق المستوان المراق ا من المساول المداكسة وقراري كرد ميد كويستان المشروص و منها كردود الله ي كاري كرامي كاردي المستوات في كرد أن الماسية المستوات المراكسة من الموات الله يعلن المستوات ر این می در این می در این می در در این می در این می در این در این می در این می در در این در در این والانتفاق براغ ليستان مكذا بيست بهوك آوافث ميدود م برور ووالانتيان The say to read the state of the say in the ر بروه من و الموسد المسترك المداعلي المولية التي الموسد المواد الموسد ا the property of the state of the The wines of the second of the المستوح المستوح المستوح التي في الباست المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستو المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستوح التي الم المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح المستوح التي المستوح التي المستوح التي المستوح المعتالية والراث متول مساوعات منات توامون Land of the State police de la come de la constitución de ل ما به الحال و در به هو وروبان و الموسود الم د کارون او او با او استفراع این ایست با جدود است و است با او است و او از داد این است به او او از او از داد و و میرون کارون او این این از این از این این این این این از این از این از این از این این این این این این این این این کارون این این کارون کارون

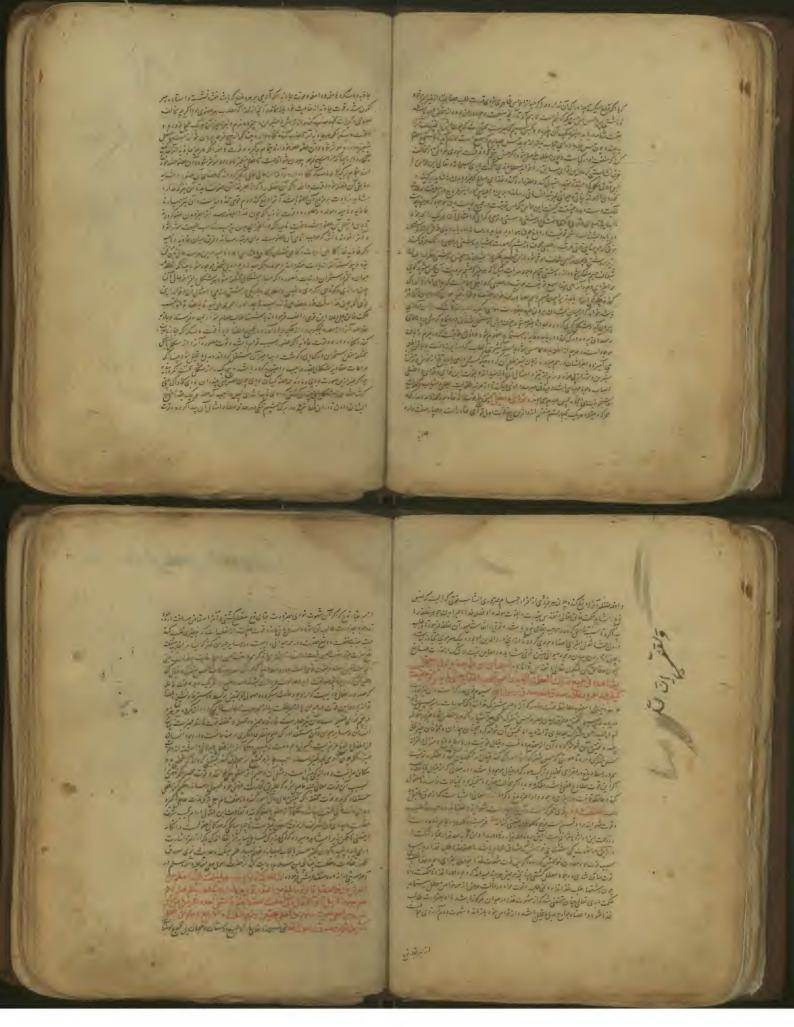
الموادن من مود مستان المستوان وي ما يا بالمان من معاد المستان المستوان وي الموادن المستوان وي المستان المستوان وها و المستوان وي مود المراجعة المستوان المستوان وي المراجعة المستوان وي المراجعة المستوان وي المراجعة المراجعة الموادن الموادد وي المستوان الموادد وي المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة الموادن الموادد المستوان المستوان المراجعة المستوان المراجعة ما در این این این این می در در این می در در این می در در این این در در این در در این در در این در این در این در این در در در در این در این در این در این در این در در این در 20 110 mily of the many of the first out the state and in more property in the second ر با من و المدار و الموارد و ا منار الموارد و الموارد ر المراق الم المراق المرا ومن المراق ا رون المرابط المعلق المرابط في المرابط ا المرابط المرا Complete the second of the sec الخارا ويعلو فالكوا ويدويون بساء الجاوجرة في وث بدواهات المراسان and the wife of the wife of the second interpolaries in the stingers of the temperature of more more to the ar dig ken in signali yak shing kespensi ken in in in in si pike sesara na hin in 1918 menganin gani pendahar pengan ken in de received any information in المراحث المراحدة الم المراحدة ال Charles of the state of the sta A company of the Sport of the second الله والمراجعة المراجعة المراجعة والمراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة الم المراجعة ال and the second second the project of the second project of the sec The second secon de Designations de la constitución de la constituci Language for from inight with interprint of fight policy with respect of standington Attending on the south the south of the first المناسيس ويها والمنادك فالاسكان الماكان الأوالة لأوالة الماكار وميالا house the standar jegotypung he العرفية إلى لا يكون المرسوع والمستوين والمستوية العرف ومن الركون وك أم مشارعة المرسوع والمرافق المستوية المتوان المستوية المرسوع والمرسوع المرسوع المرسوع المرسوع المرسوع المرسوع الم Survey de similar por former of a parties Lander of the Land from the first of the second of the sec day in the selection of the selection of the selection Part of a selection of the property of the selection of t

مستوق آن دارت مبدا در است و مهرونه کرمنول ندی آن داعد در موزن تولاندی کم ناخ دارد از این که در در امامز داد نا در ارت سور اراد اماد و دارت از جدا که این کارد دارد در مسلو آلیز نخصه رانسان و در ناخ آدارته ما زمیز یک براز درد. این این در در در مسلو آلیز نخصه رانسان و مثن مای آدارته ما زمیز یک براز درد. د دوما بشده د بورکود هاوس فی مرکز بید بوی مرا ایرانشند. وفاه میرفوات این بیا به ست دادم که . نیست افزی معدث و خذا مجایج این میرد و جران این چنابست و شدی است بی میردد از ایسان الاعدى تعافظ بالرافية و إيتا أنه و أرجا بش وجد معد و واست وورها إدو فاروه السافي موجا ربه تطور آدو، رهستان الميز شعب الضائد وسه ما في الرئام الم المعرف بسيم براه والما المعرف مبراه والما المعرف المعر الله يا مستوم برخرون اليوم والموجود الماديا والماديث تديي أما الايستان الايستان المؤرد كا الفاريعي البسالون ومين سيونون أولماكات فأوراد وأنزام تبعزول وي أنت وكيت بروري كفالي تين مرات أنت ووفال ماوورين وليل ا « ظالم خبزی دُمين الشباخت عن موجعت استوا « تاینت کرد » است. دند واکابوش را اوالم گبری کرده نده کرا از شبی سال در است ی مکاره برد ادیرت قبت واده کرد و زیرای در را م ویکندا مندم کا از شور ساله سرایات و مکان بی ا دیرس نیز و ادر به و زیاوش ا شوریت بونونی فرد و دورا می و بست داکه با این بی این به این بی ساز دوران دار - - The state of t معنی در درگرچن به شهرایز و می ارساب به میخوان آن میز انسیسی سوی در میاداند. در بهم چند ارسان است موان به میگی به شهداد کار با کاری او در این است دادان المساور المدار المدار المساور مین به میکانیز سه دخل و خونها و ارود دیرک و دوخوات بربین میزاید او بست اداران رود این این اجزا بین کشید و مهاد شد به میده و نشاند کاران و در میراند و بعض و در با داراند دخل ایران و میزایشد موج سس می قریبه میشود راست کاران کا نشاندانترای میزاید دخل ایران و میزایش می کامک داراز می میزاد از ایران میزاد دود ساختا کاست دادود می من المسلمة والمنظمة المسلمة ال المسلمة إطرادي كرسة والكاف بشرويل بالتركون مقديث ميان ادلي عاطن سلالتي بها يُدار الاي الري العربي في الله على المعالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية گراه که دو دخامت ادکار از بخش مساند دهای کوند دهنده و آسی تغیری شکات در در بگروایاد. از نوان مهید اگری اعزار دیو دسکردد دستر دور چیران سندد در داری در آدیون در سنداری وأور وأدوح تأم والامراء وكمنشدول وي زاره مكر كمشتهاى وجودات بالرام والمتدور یزدن آن دو الدا آوازست و میرکسب مجاری وا به از دو مهرهای هداری برسته آیاد. گذاشد. حداده و مفار گذاشگر دو ای کشتر گار از اشتره اگر روا اندفاق از دکار دارا پیشری و زیری آواز و بهشره از انسک و داران میزاد که در کست کرد مفتر و مشیدت در بدیری بی دو ایشد کار باک مرب روایت مفزادی با براز است و بست تراه احتمال سا دارات آزایش و در استارای و زیاد مشكل مثورة والمستقرع ويوكل منشقت شراويل مستعدة ومثق يون مروي البكترة والكريسية فالتسيسية فالله مسينة ووترا بالمندونة من الروان والمنظمة والتروية والمنظمة الأوسة بالمستقطة وجود سينتهم لل را بداگر ، کرد ایند شدوت نزید دود کافت ای دکرت دوده شد خوشتان ن دود و کرک کارم ده این بخدم این و چهان و این از قرب برد و دود این بخشونسیت آرای ها داری ایند دود و این و است که از کوش کال کارش در دارات نیج حشیصا و دارای کارد و ا برا و الا دو در المستود مده و المستود المستود المستود و المستود و المستود و المستود و المستود المستود و المستود المستود و المستود المستود و المستود المستود المستود المستود و منت ريون من دو خوارت و بادت ، د نو د جا كالا درسد البدي دا بساك الدوج زنة الكروم وملك وليزوب والقام والمنازاة المحروبي النفدان للرفطة را مع با در در ده من خوان در در آن دم ادامترا دری دادی شهر در است در در است و در این مود کری آن هن مای بر می در در امر منت مارات داد و اطاعه جه از داد در بر ما است و فارج دوری مود امراز بدن کرد در طوحکه که و در است دخیر میسر شهر و دری دوران این می در در ادارا و در در در این در در طوحکه دادید در دوروفت این می این معدای در وجوف و دارا که دن درای می بجاب الين ومجري والرب ويكريه لأور وليليث أكتب وكوم سند ووول عد فرو برويات اليق م بالمري بطرير وميك والمالية وما وموس من عرور كرادات ال يجنب والالطاف والتجاف والمراجعان والمالية من به است در این و در از در این به این با با این با ای منتوب جاست در مراح کشد برگرسته و صد مساولها آست و در فرای است و این الا است و این الا است و این به این با این به میسته دادند و در این با این با این با در از این با در در در مرم و دورت بسیانی بشرار ایمایی به میسته می و در این با در این از کشده دارا نواز در این با در این با در در مرم و دورت و براست را شد المان منشط النعبياني آوت كوميش مد إحز أمنشده الشالاي معدد تطاف لين مكرت و معادل ا النار مسير زكري الدر ميرس الذاوت المنذ أو زيادت مسكود و درعان شامشار معد وياكن ب ما تك محد دائم وين ن رابدوم مد كوستى موزود داور والواس كالمرك وأت تزويره است وتمناج إمنا طرواني من عوا كافتك راهنب كسدول مدعوا كالم

ما الله سال المرافع ا آمدًا الني خرجي فنامُنه لعيني و دارو الكشيرية والألتُ مِن عدّاست و مردود مناولزيا جيت من المشهر ومرحوا زان أي عرض و ريسه ورجا إرود بمنسم و مركزا بركية والزاركية و منظمان و مکنی که داد و ده این طوع و در دست و دان و ده افزاند است و موال برای و داد از است.

علمان و مکنی که داد و ده این طوا و از و دن است دان و ده افزان است دستون کون اینکه

مرائع می در در اینکه او دان پر افزان است این در در افزان این از در اینکه او در اینکه المسيد المراقب من المرت المحتشدة و كاميد الدين الدون حاكمة و المأولات المرات المرات المرات المرات المرات المرا المرات المرات وحدة و والمست والمرات وحدة المسيد المسيد المسيد وي والمركز المرات وحداث المرات المرات المرات المركز وحل المركز وحداث المركز و مة وكيفرو مردواي بالا ورام معال ما ورات المراد والما والمد والمواجد مة وكيام غير مرد وي باللا و سرم معدات ما دروق عدا (الا ما بالمراق ميد المده في الموافق المراق المراق المراق ال وي المرافظ والمحال براد والمن الا والمدود و المرى المرافظ و دوه ي معلى المرفظ المرافظ أسل يرفعه لوضع فرويات أفيات ويوالي أوا مورا المساول وعادالهود والمسا ما زی ام در برا اسپر زن منود ق الاواق از در در یک به باز فراد مسید الاواق از در یک به باز فراد مسید الاواق می من در کابی حیارت از می موجود و برا ایج موجود این از میکند در در منوالی خواهد است مناطق این از میکند و از این ا من در در نمازند آندر که در در است امواد و جاری شده و در معرف این میکن و در در از از کسید در داراز از در است مدیر است و در در است این استارات که ایا این است و در در از این میکن و در در از از کسید خودارز ترادک به بین با منوره و رب شامام مزه کیدا دل میسده به شده دراهای خان ماند، داراه کا ایخ مطالب قربه جامهٔ وقی دارد درایخ انون است قبته داخیدا انج در به والبدورة وتتدائه والمواني والمواني كمدوم فالمتنان وساغوا فرا المستحطا كوالة والأماليات وَ ال وهد وه وكال كُنْسُ مالاه لوم أو رائب والمن الورد و المكافل مندوا هٔ ن حیل ماشینه و رقعی میکرد انداد کود. ایون مراسیم چاجیت منی سرون برد دورانی این و ا در در دن میدند میری سب ایر زنی بایران می خود کمی خوا مناشده و حرد استیکهای بزاسته دامیز کا رسیده مستوق مین از این مختلف و اینکان احتراث نیست کرد اخد این متنبه از نیک گزاد مین مقالی بر آن پیدا نیست دهها ر خوار فرشت می کارد و است آن اعلاق و دار اینشد زمین مین پیدین مراجع کرمندی اخذ این شد کان خرود ماکرین آن کا چننی کست مشد در از کان این است در در اینکان میا ست در دارد کان بیا ست م صران و دس ان کال شده مال دولس موانی باستداد ری دارند. گذشته است و بی آنی کی در در دارند آن اور در باشد بازی آن به نوعه در خدد در این است. المري و ي يون ن كور م المور مروب و شاء المواسمة المرواع و المرواط و المروط و المرواط و المروط مده این از داد این در موجه است کنیده است افال من دفای در دور این در داشت. بداری کنتر کارد مایدگراز ارسی آم است بدورد اهایش گزار و مشد صداری کاروارگار منگل اختراد مشرور و فق زایش برج الا حر دود و رحالت حکی جب سکری دادار و برا از از داری داری داری این است و مشارک داشته در این است در شرا این در در این در میشاند. را الله المنظم خادر في المجاهدي على مواحد و المستدون كت برم خاد ولا ولا ولا الما المستدون كت برم خاد ولا ولا و المنظم المنظم خادر في الموادر أن مي أن خود مهر المنظم والمعرف الماد الضارا والعدالي المنظم ال مجر تراو بالازير والمناور المرابط ويكام ومطاعة والعادمان أي الوالفات على معرفة والزوان فواج ن أوكبي المكنود الفريسة والأكثرة (كا ا به المواد ا المواد ا ومراق باطارا واهيا متل خطنه اين أكت واكراحيا أضطفه يؤثر الحرطين هير كم تؤور والرئيس والا مركان الصحنة بدان شام فالبدا بشدوم وأرث الارتباط والمرتب د دو در دو در برای است در دور و کو کیب میز رقامی انتظار ان ایر دانها سنده میزاند برای میکند. مشارات افغار در است در زی دادگی د شق کیدند کاربوران و در منافظ در در در است در برخسس میست برای ترکیسیدن و میزاند در دارگزارگذشیدن در سید زیان در میزاندگری می است میگا مي في عارد بناكون أكرف و المان مرد و والميدا والمرد و المان ي من المرابعة وقد وقد وقد المرابعة وقد من المن الاجراء والدولية المنافظة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة و منا له والمرابعة كه والمرابعة في كالموافظة وقو عجالة المحراق المن قال الرود صنف عال يود والمفي والمنافظة والمرابعة في المنظمة المستدوث والمرابو وساموه والمنطقة المرابعة والمرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابطة المرابعة والمرابعة المرابعة المرابعة والمرابعة والمرابعة المرابعة المراب مطلب وافراها با من مكره استحال من خلق معطل ماه مكردهها اعتدامة والراه تدورك ترشيج امر ما هماه جامع و جواه مي بينانكه فاكر خشه اختصاره عمر ف و و المكانت و عندان ويت دارا عدامه وقاء مثران وعبرا ولراور وادام في معلم و عمر في المساحد في المراحد و المكانت رك و دروات دن دنواروت الشدنواليان قدانا كام و آن بالفاج موارو في ما



K TOMOS J د آن مسيده و الند يكسفي است ود پرستي لعبده مشد باه در كرميند و در و بيغزا در در يالعب در الرساكرد و دم مركان شو ادر است ست مدين مركا كلي ا قدت شيئر او دو از مين زيگ سرترميس در مركستين قوت وزيمبرزند و شده و بريشده باشد نهم كار در طالب و داكل آن اين دادت از مركستين و بران خشر ميسيد و آن و دو قدت عاقل از كار دارانانده است. قرت ما هاري مال مر ه اگلیستان ۱۸ د نظارت ساسی که نوانست فرق و دانسیت فت کند به بودست این کند. حداد دانسی در نظامی که دارگیست و نوانستی که داران شکت المدختان شده نشاند. بری از دری و درست کودن کرد و سیست کودن و شده نموار دادست به سیسی از داران است. حيوات والجهنده وأرت مرتبات والبارات والامريت كالبرد والت مسترادي ما خوان المتوان به ما مند الا مد و در الدون و موان الدون في المان من و و الدوا و العالم عليها المدون و الله المدون المدون في الدون الموان في الدون في المدون المدون المدون المدون المدون المدون المدون في ال و المان المراسسة كم و الإنسان في و برو استنفاع كم المراسسة و المدون و المدون الموان المدون كا المدون كان المدون در المراب وجد المراب المراب وجد المراب المراب ا على مقد المراب بدن أسبب على كمران لقد الرياسفي ما يذرو أو ايسش مشيرية وجا ي أو ايسش بأوراسيد والكروا دعاف باشده السياكي فيذوه فالمستن والمائين ومكرياره فاليسفاوي والمستشريف والمستن والمستشريف والمستن وكمرابيط عاوت جدكهن مشاون ونبت كرودا ويوان وم أن أورياء وفان وأراقيت والمنه والله بر من الموسود و الموسود و من من الموسود و الموسود منا الموسود الاحرة الموسود و ا منا الموسود و المورين وعلى المدار الأورين من أنت أوله في المدون ستري الانتشاري بالمدين في الرسية المجاهد في في كالخالف المنتشارين مدت ما فاو كروورو بترتشيل في بيت تأسيس ما وروو ر معلوه با مشده در مسترس مورشه الا تحدود و بزرگه با را ده به المرد و را با را ده به با در دو با با ده و به با م و مرد و المده با در مسترس مورس المرد و المرد با با المرد با المسترس المرد و المدار با المدار با المرد و المرد المراقع بالمحافظ المراقع المستوان في المراقع المراقع المحافظ المراقع المستوان المحافظ المستوان المستوان المستو المحافظ المستوان المراقع المستوان المراقع المستوان المحافظ المستوان الم 1916191612 منت و دایشه دوری نواز کارتات داری افدان شد بستران ن دونی نثرا گذار و از اشال السوال ما تا که کالگیاری عمالک او مد در میانداری ب والمساورة م المراجعة ال المراجعة ال تروق مرابده استدرادات درمازالا الرفع بما فتدر فراف كونات منتقد على تشديقها كالأوموش مركزي المالية الأوساء وعلمت ووطيق كونا الأمالية الأوساء وعليت ووطيق كونا الأك المرصاف من الأوالية وأفرا عالى مناه الكرافية الأوال منته علي المان يربي والصف ليونيز عليه كارخ وخاج المشدا والخارف ووان عطفه بإمث ومواوق زيراداوت والولميت وأبق من والمراج المراج والمحاوسف إعروبش يحدورام معلادة والمووق والاوات

د بدنده به این و ما د مکون و مدیدت و کل و قاضع و ثبت و د قد و مجتنب عدت و کمیشد شده باش اعتبارات و اعتبار د شدار کسید افتصافتا م آیا باد و الزمیات در دفایم کر د دو از نشه بود کرستند مولیک م ن فلسّن حين ود باياسش بيان مثر ظهر م و م خواده و بنا الله مقتل و نيك ادر مسيختمان با آوا... رسستان بايت و عدايا استرياب من بيرة خيادي ورستنا و يكر استياب مثّ بدولوه والتعالي فابغ استدوا ومشلبات عن ووارد وخررت جاور في وجسن ورى ومسالت واجد ولبره the setting and a superior the superior of the تناعت دوكار ودوج والمتفام وجارت دمنا ومخارا ومنفيات وارزمنت ارزع برات الرم الماينار وعلى ومرات وعلى ومراسا ومهامت ومسافحت ومستقطات الكرايين مرقد تعاقم م ومستحد مسال المعلم التي كالمستاد فاست جزر العسال فاينا المقاعف به الأوكاد مسرة وبالمطاف رداد در طرعيت بعكند والرمداف والمت دوما وشخت وصل دم دمكان تيسون تركيب تشاه قدد والتبير وكان عادت وبركوا حناقال فقا كالمؤداد واستد معاشه بدائز ويشر اشد بات الاستاد من طاق من كورا و المنادة الإنطاع بنا أملا فالأي الما يتا المن الما الروارة بنا إلى من والبنائة لوجن برنسطان ما يا روك والمناقبة والمستوجر م مرکزیت برات می آمندی فرمد دون عالم خان مان از این کرد دانست کاروخ نخواد و دون برده با شدن اید و دوسال براسات میشد کرد دوسل کمیرون از مده بایشد دوسر ای دو میرد گرده و این میت متن آنالی کمنا از مان افغام کا داران بی در این میشید کرد و در آن این میشید کرد و در آن من می میتین است. به نیخ ادر حدیث بندی چیش مرد اثنان جیج بی آند این نامی میتین است. با نیز خصص آند و ها این است ای لودن وغراطيت يواجي سابندوة اسب واوقيه فقيلت كالالسن والندخ the property to which is the state of the st The second secon The residence of the second of the second of the second it Hope the same and his house and the مستفق منتخاست كانه لا مني مولسدم من خساس الالالية الاورز وزالت وصفحات فرموث باليها كيد الكام مجدي آية الله الاورز وزالت وصفحات فرموث باليها كيد الكام مجدي آية الله بر بر تعد الدانسون والسام الاست خطالا بسب السيسية السيسية المستوانية والمستوانية والمستوانية والمستوانية والمت المؤولات والمن جها بعد المستوانية والمستوانية والمستوانية والمستوانية والمستوانية والمستوانية والمستوانية والم والموان والمستوانية وال المادووت مراق المشيطة المستواد المستوادة المراد كال ملاسيا والمداد المستواد المستواد المستوادة المراد كال ملاسيا ورد و النها لصفته و حداري بسوله الليرام في أوي من صفيق مثورة الريكر الوم ورد و النها لصفته و حداري بسوله الليرام في الدي وين صفيق مثورة الريكر وورا رك أمبير مينات كالاكر مجلف العالمة بيميزه كالأراب أن أن أن التأثير المعلى العالمية المعلى العالمية العالمية ا المخال المطور والمان الضرائين وكام وسنفي منا أمن والدك الشارين الموالية د مراه منطق و کرخوات و دهنت و دوالت از دو برسر ای انده خطیرت آن کا در بر ایر دنین و ترکیفت ایران ایران ایران و در ایران با داخیر داد کرد و دار در دوال که سفور به آن و داندام برسری برای که دادهای که مدارد و در جمو سعق المقدان بشارت مصروكم فا مسصعاة ل داؤين بمنتقد آد. وتسترتع الماشت إيان تبادرا عاد بيرين كالمود بالشواق المشمل كالدوال سنتنات في عنوا من المنوات كالمنوات من دلیندان نراند به دروی نیسیدگر در کرد و درخش بون داش برزش و خاند ارزی دید از است ی و خاند در است را مستدان برد از برد به که ما کشور و اند در باید در اید و باید در اید و باید در اید و باید و با در از درخش به کهر درخشه کرد و با در مثل مای کرد از اید از باید از باید و باید در اید و باید در اید و باید خاند و کار درخش به کهر درخشه کرد و باید باید و باید اند و باید و باید در انداز و باید در اید و باید و باید و باید انداز و باید و U. See See Oborgans, والمواتح والمحدود المال ووالمالية د ارزوت موسل کا درزوت موسل کو اندات استرانا و ایلی د افزان داری و اندازی مرک ارکال سال جادی بات میشارد دارد سنت سنتی در در بی انداز دارد است. سنتی در بی اندازی دارد ایلی سنتی High property with the party Bougal Description of the will make والمار وهدت وفروق وهلاورات مح وهلاف المالة والأولاد The district of the control was any را من المراح منوات المنطقة المعين عين والنسس بريك شدوى تقالي كميت اوراش كالأرادون في الم ا من و المدين و موسود و الله الدين منافله و المدينة و الاسترا ما الترويل المدينة و الاسترا ما الترويل المدينة والترويد و من المدينة و المدينة خصيمة خدمات في مون المدينة و مراكب المدينة و مدينة والدينة و المدينة و ما من من المان دورتر المنسرون المان من وطاعة مكان جميزيت وأولي المدّاء والمرود والمناف المان المرود والمناف ا والمناف المان دورتر المنسرون المان من المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف والمناف ا والمناف ومناف المناف المناف المناف والمناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المناف المن وفرات والمراكب أسال كلام الدوقد كيب وكالمرق في المدور المساملة والمروق في الم ف د و مده مارك العاق كلام مده و البيت والمؤدن ... ويرادا من العام المدهوري في يمير ويراد و المراد و المراد و المراد و المراد من المراد و المراد الموال الموال الموال الموال الموال الموال الموال والمراد و المراد و المراد و الرب المدهور المراد و المراد و المراد و الموال المواد و الموال المواد و المراد ان ماهد را دوم فقال در اشارا احد دات معقالات است الاحدا عندالله المركز و صورت الله الله على حادث في الكران الاستكامل الاستكامل الاستكامل عوداً الاستدار عوداً الاستدار عوداً الم معيد الدين كري واد ني شرفت والمركز عندا الرشد ؛ وم الدكوني المرفق في ادر معالمين المرفق المرفق المرفق المرفق ا الإراد المنظم المرفق في التاريخ المرفق ا مت وقد مرس مفتحة المستان من مناورة للقالي والنسم الألاام والمنسورة المنافرة المنطورة المنافرة المنطورة المنافرة المنطورة المنافرة المنافر راس على داخيارا يأت واقبال د جواسف والمون شيئر مني دينس اهم رامني وفي عاجب ارشن دانی و بخواری میدادد: قدونی ساب ایکادی و بیساند از احداد مید. ایشند و دانید دورا قلاقی قدری نرمیدند و مید و بروزم مالیت الایت اسلامی معنی ارواسهٔ و قلیم است و میده و میداد و این و ایکاد دید. را دارش کرد از در این میداد داشت. المستنب المستنب العلم الله وشيفة وتكال الإيان ويول وعلم والم میسان نامیرات نژولایک رزما نیارتی رق آنا قای انداد در ایت ایجاب دراه کمیکی درا را کار برد ایساز فرد در افشای آنتی مهمت در در اسلام نامیسیار میاشد و آنسانده در اراکار برد ایساز فرد در افشای آنتی مهمت در در اسلام نامیسیار میاشد و آنسانده المنظمة المية وترويقال معاى سريده است وكليد يمشتن ارتفايي آن مرد المانية برسد كم طاحت يي لعداد وجود آيد و ها لمش دا يظهر ولكب ودوخ وغيقي مز و ونه فالاستداه مزمدًا عامعًا لا ترامة جران بعد و بين كرتيمة

م في حسّة لاعقد و ويو والدا و ( ) في نستين البقد مينا كاران للإلاستار مينولد هذات العابد قد مِنْ الدُّ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ عالم المالون الكالما لمول وعامداله مفال عليه المام المسالم ه الدور ميزدكر از وروم مراسي ال التوريد والكوالي والمراد والمراد وروم المراد والمراد و والمرابعة المراقة كم يندود والموت الأكرار الموال المواقة المراقة المرا Land History 11 Wall of the وطبيخ صبى فرائيا فسنهاء علقاكم تش ارخاائي وإلطاق كالطفا كالجارخ والق و فذات بينا الملط الرام بريات ومناى كنيان ودر طاعت دين مع المعامل عمام الادب مود العقل عمر معلى كين شب وارسال المعال برمب ونود و مسطق کامندن و این مقاصیت وجو لیس تر دیک دور و لیفال بندات شده دو گری مع منطق من من المستحد على المستحدة المدن المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المستحدة المستح عد في الملاوسة ومستحدوث على المستحدة المستحد النبي اعترف فوقت درساً بذريح قال النبيط المواسلام من حسن اسلام المن مركة ما الا يعيسه مقال القد البلا البينا ولها العد لأستري تتنظيف والا المنطق المساوم الذي القواد الإيلان الدنا حين تطرانا برالطاعها والموالان ويتنافظ أناس المعاجل الانراس رحت المن سنة بلوج و تركواسها أعلوالة سراحية والما فاترك ولا مرادم والت كزوات قال النجع من أعرّل المنظر السلم وكرّ المراسا حسّا والمعزل المنظر المات دوره ما در المساحلة المستقداد المستقدالية المستقد الم ر در من من من من من من الموال الموادة و المنطقة و دارا في أو من المنطول و ويشي في الدُّمة المراد المنطقة و المدارة المؤدود و المنطقة و المدارة المنطقة و المنطقة و المدارة المنطقة و المدارة المنطقة و المنطق الاستون على الألهادة الاستون على المؤلف المستون على المؤلف المستون على المؤلف المستون على المؤلف المؤلف المؤلف والمثان المدارات المؤلف ال والمؤلفة ويعامل المدان المؤلف المدان المؤلف المؤلف المؤلف المؤلف المؤلفة المؤلفة المؤلفة المؤلفة المؤلفة المؤلفة برس و ديده استخداد شاند من الفيض عن الشن المشار المشار المشار المشار المشار المشار المشار المساور و المستخدمة \*\*\* و مراح المار المارون و مال المارون عن المستخدمة المساور المستخدمة المست استان به معنوا می و به خوار می المسان می و خوا استان این این این استان از می استان از می استان از می استان این بر استان به می که که که ما دان و به می برای و این کار بی و خوا به این این این و دارد از آن که به می درد از آن که به می به A Jest de la proposición de la contraction de la Suite of the said in what he become interest in this is WANT DANS IN د جزاد برخ مرکت در برگتبا و افر ما درت کوکت و کاره ای با ن از آنا و د آن اید خطار در و درخ دستر میستند او در مستند و این که و اندکوی کرده با شور در ان خان اید از کودن در دیگار در دان و با در بستواری آن کومشیدن دکان اند ای سین العبدس الا بان در حلت و در در در سین الم موده و مناسبه برای میشد و این استان این این با در این از در این این برای از در در میگان بری فرز آماد در ا از مقارت در مناسبه برای در استان کردند به در تصویر مقارمه در از برستگیان در در در بازی این در مخص میشند در اکتمار به این مصالب کردن در در در در در این کرد در از این میشود. در از این من و من من و المقدمة الاصالية والمنطقة والمنطقة المنطقة والمنطقة المنطقة والمنافعة والمنافعة المنطقة والمنطقة المنطقة والمنطقة والمنطقة والمنطقة والمنطقة المنطقة الم كوالذارل لحرم المسورة وجرم الخلايات كمدور تراجه المراوش والالعدودات وَ وَكُوا مِنْ مِرِ الموالِ مِنْ إِنْ المُعَالِينَ وَالْحَرِينَ وَالْحَرِينَ الْحَرِينَ وَالْحَرِينَ وَالْحَر

وورهاي أرمول على بدعروا آريسلم موايت لاحلم الأدوية ولاحلم الاحد مركوكا علامة من أما العدد التعد والعدد المنحكة وما للاثاث من المنتقد الأحداداله وموق الم آرام تدرية العرق ورفره الشدة باخد كان النشيع و يعد في المن عن بريوال الد تر ما للسائل في مات منه والعرب من ومساع موست الأجو العلاق معالمة بالم الأوكار بالإلمانية بالتأكون في ها التقويف في مناهدة المتواون بأي و صلك التاكون المتعدد التاكون التعدد التاكون التتوكر الأواطل سيها والأسار الماكون والالامليان التي التقويف الماكون التي التعدد التاكون المتعدد التاكون المتعدد التي التي التعدد التعدد التعدد التي التعدد المساح العلق العلمات بين الديم على على المالية وي الدووة المالية وي الدووة المالية وي الدووة المالية وي الدووة المالية وي الدولة العالم المالية وي الدولة العالم المالية وي الدولة العالم المالية وي الدولة المالية والمالية وي الدولة المالية وي الدولة المالية وي الدولة المالية والمالية وي الدولة المالية والمالية وي الدولة المالية وي الدولة المالية المالية وي الدولة الدولة المالية وي الدولة الدولة المالية وي الدولة الدولة المالية وي المالية وي الدولة المالية وي المالية وي المالية وي المالية وي المالية وي المالية و كذار ولاجر والفلزاة وكل و وأوري السوران كاورا المتي مود ستدر در میرود. می برده نادگون و در میرودند میسترده کا گرمزوند این در این میرود. مرکاط تندروست در این کاملاف او داید بود یا یون کارش، میتر در سی م The contract of the second of الرويري والمستان يستنف يوسيان المستار فوايا والهواي ایندا مرد مرد داد دار در در دستن ادمای ما به کاشان آن کیت که میدنده ۱۰ به نامذ که این در ادمی و داریخی الشده و در کارت داد که های ما پاده ای مید در در در شوان برای در ولا معلل الكرد عادار وس نامن وكام عيد كالد أن إراه كوا المطلح والمناوية والمفاحرة والموادية در که دمن با برص نیستای و با دستگهای آمای ناستان براسوای و یی نیستر بینی برا برای و ی نیستر بینی برا برای در ت و شده می و از کدنا و با برد در که در و در آند به بین نابران دوست بیانست بازن بر این بازاد در این بازار در این بازار نام برای در برای بازار بی بازار بین بازار بازار بین بازار المدت والحاق بسي بن الله مح المسيد المسلق مريون و المجالة عن المعرفية . شرع وبشش مباد كريان الفياش خراد را خلاف رند و ومطابح المصفري و الطالسلام مراه . الله بارس الاعيان وكما أسما وقد از ام إميان فالإ والإنسام وايت كرمنز عار المحت اعداء من الاستان المستان المس They was a continued from the stand قوره الديني تعياري يعفي في أو و معيل س و الدي الشاامعي The second of the second of the second الاست و المساورة في الموسيد المساورة و الموسيد الموسي وكال المسام A Company of the الزودة والعالم المال المال المال ما المالية والمالية والم ت تنديق نه باد كامير دينه، دوت دخره قول مافل من تنديق نه باد كامير دينه، دوت دخره قول مافل ما نا ما معال مراسل من المراسل و دو المراسل والمان والمستواد والمتحرف والمتحرف والمتحرب المتحرات والمتحرب ه معمداً مواده محاله بالمرسية العبرات معتوداً له مرساد المراد المرساد المرساد المرساد المرساد المرساد المرساد ا و عبر و ي دهر المرساد المرساد و يجدون المرساد أأسامها وتوسي ونش مغررت كالمطابي بالكازوين بهره ورخود وركوفهم عود المت واسطه

الإنتي الإعلى المستف الاد والفعال وورشخاعت اواحاد شامساروا ومست ووزنكان ارشرين شكا يارفام عدد ادار من وركز وطائعه والساعات أراد بالأناس الكان لاعتمار المواليلين. عضران البرب ميك الانف مرتبها لمسيف على المول الموازمة المناع الكيّرا لتي ورود مت ووركت عضران طالب ميك الانف مرتبها لمسيف على المول الموازمة المناع الكيّرا لتي ورود مت ووركت من لكو ماريك يود كار دم عالم أن وهكيش أرواز اورد المرواد الدم كالم كالمد والسارال ع الا ترس بال من المواقع المقدل من منا العلام فاقل منا بدر الموران ورفع المرافع الموران ورفع المرافع المرافع الموران ورفع المرافع الم ا دين والسلطان كالمالا م صفرها أن وكد - كرتم ما سعا فرد وا وعادي فركي فرد ووت وادم شريكان واست المسال الأال المعال Company of the Compan ر الما الما الما الما الما مرة والأنها من المستواجة في درات الما المسال المواد المستواجة في درات المواد المستواجة في درات المواد المستواجة في درات المستواجة في مر من المراق ال يجدور شحات برتبه امراكونس الايالسندة والسلام تؤده كأو وجهدو نسابق نزون اوجؤه أيرا مر مناف شرقان رابات مراؤه و ارزمان الادون في ارزه ان بها الارتجاد المراس ود. مرشق ارزه من روسه و المراس في المجاولة بسيسها ورقع والدوم المراس في المجال المسالم ار مناهدة وقع فت وكرفيها منافح المصادر استى كارترود و بالت من وي بت و المنال الموافق المدافق القائب و قول قال المني دة والآه إذا دُه الغاشة السي ودرس الردا بي المعاف الفلدي الأنامل المرات بأوثرة والمشادين الزاره كان المشتن والوالة آن كالمثن فالمان الم مرقًا شَدَيرُ هَا مِنْ اللَّهِ مِنْ فَيَوْ كُونَ وَعَلَيْهِ مِنْ مُعَلِّمُ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ لَهِ مِنْ على كما الشعدة الخاصية ، لا يقالها الإيالية الإيمالية الله من المناقشة و المناقشة و المناقشة و المناقشة و الم الما الما الما الما المراس الما المراس المستروا الما الما الما المراس المستروا الما المراس المستروا الما المراس ا المدرّ وفي المدرّ حتى كت من المدورها مدرّ وسول الدر الكرم النام بزرويت ويجاله وقروان أوام التنب المكأل فالانتياعة والمارك أنسك على المساقية المساق في المساق الما المعتبدة المساق في المدالت ويما المدالت ويما لل المدالت ويما لل المدالة الم ورين من به المحاد المدورات إلى المساقل المساقلة المدالة عن المساقلة المدالة المدالة المدالة المدالة المدالة ال كما لحق ابن المعرف عن المساقلة والمداريم في المساقلة المساقلة المساقلة المدالة المدالة المدالة المساقلة ي الفيل المدين المروحان المركز و المدين المرحد الموسيد المراحة و المستوي الرصات المرسات و المستوية المراحة الم المراحة المراحة و المدار المراحة و المراحة و المراحة و المراحة و المراحة و المراحة المراحة و وُنْ مُعْرِقُ وَالْمُعْلِ عِلَا مُنْ الْمُرْسِلُ عَلَا مُنْ الْمُعْلِلِ عِلَا مُنْ اللَّهِ وَالْمَا لَتَسْتُ وَعَالَى خالففیق تخیان در در و در در داست . منا عاشد امث ای از در و منابری بیشیدن . شناریخان در د و تا و دکت درکسد و ترساخت ده سال و خدر دول و دست آو ، مناون در د در در شناریز داست اکنت شادخی از نگراست و مواد از در در در معالی اربر ارتباط عراب المختلاب ترهيله الآخوان حاوا الإحوان وكال مراؤد سُن على ما الصلاح المسلكم. الخريب منافس في المجديد وورثشا فارب مروان المجلس في المعلم و قبل المعرف و المساح الع ركال والردي وليس كر الف حاومدي وانعدومدو واحاق الك

مردايت مراجعت بجدا أمراك المدين والدينام الأنفيت شوانت من كالملاحد المستحد در است مراحت عباده و الما را المساعة و الله ما مرا الحرب الورف المواحد المراحد المواحد المواحد المراح المراح المساعة و المساع رسلان عالماجر حلعل متعدراء وعالم عجودا كالمصادت واست وأكره كارتك راهنود و عن حارجها و د برو كردة وانت بأب الام بهاندوس قر امند و عنداندة و انتشارة المندوقة. امنها بالسوائد بين الامنيز و عنا الدولي في القدارات من مورد الله الدولية النام الدولات من المستوات الم الن مدي الحالية المواقية المستوية المواقية المواقية المستوية المواقية المستوية المواقية المستوية المواقية المستوية المس مشيخ من مرزع المالات العقال فطويه الأرزا من أو المؤلل المواد الموادية من الأميز والمؤلف يتري المالية والشيطة الموادية والصفرة الناكس الدفال كالمدا ومثر الدي الدولة المناكسة الموادية المساكسة المالية المالية عنطال والمدارية الموادية الموادية الموادية والموادية والمالية الموادية الموادية الموادية الموادية الموا مسترف في المرادية الموادية الموادية والموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ا والمراد والدون والعالم المتصالي وركام والا والمحاكم را شده الأرمالية كالشارية والموسن مطاعة المتعارات مؤيرتن الرمايات والمدينة وعارية المتعاركة والمتعاركة والمتعاركة المتعاركة ا بهوا يسرها مواه والاسعي فلتس بزهروا والشدومهالك رس لدجة تؤرم ل وسفرا والعلاقي معادت وتحادث إخاجها فالمرتشب الدوات أعجد كالزده لوبرك مراسد تدور كاران فهالية فرتبط وركافات ووكران وكؤات المراكان يوويه ويسترون أواجرت ببالاراثب ورساركا والم ار در در توزیر از مرد در فران با بین که مواند با در داخل می داکر احتیاد فرانسران و حضرت اینی مرزی به مساور در میزاد می بازد مرکز از میان و میشد میزاد به میزاد میشود میشود به میزاد میشود. مرد در توزیر میزاد میزاد میزاد کرد بر می افزار میآداد دادات فران بین ایافی با قباران در از از می بازد میزاد میشد اطاف که میزاد می با افزار در تنجی العلمیسید و اما میزاد شده میزاد و امیزاد از این میزاد می از از ا وكالأناك وبرس المصيبين احتيره تدااي سندر رام ومنتاب وداست والالسنة زمودس اراد آن شغارل مست منتج ما دسته الاهل المشال في كمرسان ونوى وبردا مستخ مراه و مشارلا درك اكبرز كردا ای ای کا در ارش بردارات كند نیادنا در کرد از ساد مستور داند داند موز در از ان مدونا و کمرد در مرد و از کار فروز برد و در از در از در از در ارسان م مجان به شخوارش و فرورون ومؤدون به آن الشهاد و مخاله و الكام المستواريد المستواريد المستواريد المستواريد المديد والمعاون والمدين و والعمر شخف المنتسون من العين و المالية و المستواريد المستواريد المستواريد المديد المالية و المعنوفية عند المدين المالية و المالية و المالية و المالية و المستواريد و المستواريد المالية و المستواريد و مكري كند من موكد مع وادران من المرد و منا الرمان فري الأخوا الدائرة وي الون مثل المرافق وي الون مثل المرافق و والكون فري مساعد في يرد منام إدراما الرمان أن القد علامة المرافق والدور المرافق المرافق والمدور المرافق والتناف ألحاري من المستوالية المستوا در به در شده اس دراوی نخست و این شخصی بهای صدر داست کان دارد. اکتراند که درالا مین دری اینال سام مردن سرسیده امراکزش بهایصله دراست م فرود مرحماند امراعی افغان در فروند مارد در برداندگاها کنده افغان بردارد المندی اسام المتنی معراته امراع بساعد و فرصد الله و دراح انتقاب و المداخت اعتراض المتحق السامل لتي و المسامل المتحق المسامل التي المسامل المتحق المسامل التي المسامل المتحق المسامل المتحق المسامل المتحق م النشيعة ان محت ويد الرواع بيتوت وكالا و نثرب ولبس في العالما من كود بداو قرات م كست بدو كان را مكورة والعالي والأستحد في مناسسا بيسوي المتحال الذر المصدة ودرك مها الصرت يسالت مرداب س وي شرفعيد درايي و دسر وها في دراي رو زند مها طورت باز از دری سای رسیدی می میکند میکند. خت بی ما در اعلات علی از در دری سای رسیدی جرا میرود انشا که ما تین تر در برد کشد کانی و بی میزین فرد و فرد است علی از در دری در در در در در این می سازد است این می می ما سالات به و الام و در اکترین علی از در دری مراحظ ایر و مین مین میزاند از در است می را دادت و در میزید ادات و



نما إصلالك غنى ولا يوقى فله بارف والدنى لعين ودويت من يدى الركني والمام مرا والنهق الجندة كالإسراغين وولالسعام لانعل سبتاس الحترم باولايس كاحباء مواها الغ الذياع بو كمست مي جري من و مدينان الانبا و وسعى الانتقاد مهرت واست لمستم اسكان مدان والقلب من الفراع المؤلف الأنبات و وحدثا مراومين على من اليالب علام مداورو و مستقد والما الفراع الدون أو والدف و ومنطاقت لمنام كاري آخر المنظوم بأو ي مسلمة اللهم مجمعها الملهم والمروث فان المستم المواد والواق الماشكر المام الميرين را فقي تؤوي كنشست ورعام موضية والرجريودا ورصوص رشاول ماز ارجرسودا ودول جكيت وي برفاك ووارنهريك ولينيستاك وموا قطاع وديادا أاستر الهار لمبدوعات أكي حبوداء فعاتى إنهان ماست دور مشتر است وجلا وروست ويا طن ومن اجوري على معالم منظر الوائد المسترك المسترك المسترك المسترك المسترك المسترك المستركة المستركة المستركة الم ومن اون وخال من المدين المستحدد المستح شارا الدبت خلف وبيدي واعد وطاعت وطاعت على الأان استعمال الم المهرسون في الدياعين العقل محاسون في الاص حالك مبالت في المالي المعلى المهالة من المعنى المهالة المعنى المهالة محين كاركل واكرد المرب بالمحالة والمحارس في المراسس من والمراس والمراس والمالية والمراسسة والمراسسة والمراسسة والمراسسة والمراسسة والمراسسة والمراسسة والمراسسة المراسسة ا وعرف بعرامها معوالي سرفوه الكشا لمساق للشاه الداومد علما من على الماسكان واللوات الماسية والمناصر والمناصر والمناصر والمراح المراجعة المناصر والمناصر والمناصر والمناصر غروا بالمرارا وغران خن الدلاك النامة عبر عن الهيل حل الدلالياس من الدكر ناديج والترسي السياس فلي الفائف وزعان السرى لايركل و دم در المورد مها البست وليريزي كورنت والكرانية الني زاكم إن و در السبت وكوريز اق الغري حوكا المقطاع والفتاء الموائد المسالين ووصيات والعكا مودها وكالمقطاس واحتيب مقلوما لبست والغار وترتيسش فاع العرادين اوميا كان است. بهما المدوكا للدود قارد والمان ارو كان المحافظات وكان وقرة ويكارون قريران ويَا جَكَامِنَ وَكَانَ وَكُلُمِهَا وَعَوْا مِنْ أَوْلَنَا مَا تَعْنِيقُ وَكَانَ لِمُنْ الْمُسْتِدِينَ الْمُسْت ره تغوق والشية إلى شاخي سبال وهذا لي ين عنت را در مرد م سخت و التن ميدار و جن الكريزالله تُ اللَّهُ اللَّهُ مِنْ مُلَّالًا إِنَّهُ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّه ورجد بث اللي الدوات الكريادود اي والعطية ازارى ش اعتياده مها أوخلت كم ف المناد وصرت رموامل سد على والدوس مرفود وس مكر وصعاد الماء و ق وعلاك المراسط خالف ار مصرف برقال ما معلم الدور الدوس المواد وسي المواد معاملة و ادو الولاس المواد الموسط المداد و المواد معلم الدوسط المداد و المواد معلم الدوسط المداد و المواد المواد و المواد المواد و الم للاحق من من من وخيرها أحقه من المعقل لعد الماداني أو عاد الطريق المراحدة والمدينة والمراكدة المراكدة خاستود معاملونا و کویدوان معشوای قت اراه شدادن بی هفت دور بی و روز کمد زمان اللم تراکد موانکا در و در در بیشتران یک خرات شراک شد و در بیشتران بیک و با در از در از از اراد میشد ناتا ب المدودة على الكيكار الوادة والله المنطاب الم المحدث المناف على على الما والطاهدون وألي عنود ارزوي فقيار ودارار والمتنان فلعت الخشاشة الماكرون والمادي والمادي ورزه ويزمودت وقالحواقة الموت موت لاملة أواسياه مخوا العنور تنول والنامراكم عبدًا و نظاره خد تعدّ کو با طرفو د دا مغنی و دا و ها این گرد در در شرح از کرند کا روز ه<sup>و آو</sup> که با از سرانه قرون کا دسته از در که بود با کار و در کار از آن این حاصف این آن و در بال در کران مربی کردنت و آن زاد میکنا از متنوره کان داریش برسید و از یی در حارث داد و من المعامية الليل في المنور ومنورا وموب تداخ الادادات من الجعل المست. بريكي ومكررا و وكود واستن است مسارات ان يكي الكيل من شن في العالميل مِنَا ذُيلِياً لَا يُسْلِمُ أَفْسِدِ حِنَادَ بِنَا مِنْ مِنْ الْمُؤْمِدِهِ وَكُلْ مَثَالَ فُرْمِنْ and the state of t على والإداد المنوالله والدين المنوارة واست اللقة م حدثي هدود الانتفاق على مسئل المعقوب كذرك في ترمين رأة الإكسنة بدين مردا مست وزمات الانتفاق عند كاكوري مدين كارتك القول الوزر والمهامة المرفق إموز والارتقاع الكانات الد the state of the s الما الأوراد المن المنظمة الم المناور والماري والم المدعة والمراجع السفاء والدو المراجع والحديثة المحالف و المال الملك وعد المد كان المساول و عموانه في المرا ويوسه أن أن من التلاول إلى العمل المن الألا في عمل أو الألا من عمل الموالات المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المن عني المنافعة من المستوان و المستوان المستوان و كرم و المراجع المنافقة في المنافقة ال شرب فالمعت ليادال وومطل كأو وعاد المتعطان ووكام كدى آروال والمن ر الكوري من الكوري و الكوري الكوري الكوري الكوري الكوري و المرافعة من المال الكوري و المال الكوري و المال الكو وجود المامة الملق المفولة الكوري الكوري الكوري عنه إو المالي الكوري و المالي الكوري المالي الكوري و المالي الم والمالي الملك الكوري المنظمة المالية الكوري ال مراز آن فعديد الديني الذي لين ومست مواجه مه شالته ظايات وم المقية منا وارده ، بي مرمت الفلائط الشيء عليها دي الأعلام الأرا الموا ومن المثالة للهالاروس خارد استار بوش والمساور المساء الغلل الالكن مدا والمارموت مسيالي مدام المنظل من البلد النام الذي ويال الكليد الناس عين العالمة وعن العالم والمن المنطقة والمنطقة والمنطقة والمنطقة و المنطقة والمنطقة الناس الناس المناس المنطقة والمنطقة الأعيان الالتحويث ويتبالله والاستعاف فالمتعدم فاستاري والطاويس وللزيعدان أمرت وور وطروبوب صارعواليد معاديا دما وحرحا دراوا أت المراكزة هذا ستوالات الدور يتبيع ما تصفر حامرها الماضع مردان و والانشار مسيده و أحضورا ومضورة وكان المسيد و يورد والموقوص برقد بود في الم to the control of the state of the state of the 4. F. S.

المن الكريس ومعليه العرف يول مدويث الذرون الليث فالواالله فريه وله اعلم قال فكرات اخالي عائدة قبل فراست التكان بقا أول قال التكان فيية المقال مقداعينه والداركي فتدفيد تهفيه وفال والسعام ن مبعى لحواحيد تطوالعب كان حقا على لعد ان حراجه على إلنا ووقال الحد العربي بهما العدالمالنية معيد الله من الرحمة على الصادر المرحمة المعلق المناز وها أرحمية المعيدي وجود الدولة المعلمة المعدد المن المناز المدون على المعدد مسروات على الدراء الاحراد المدرسة المدرسة المدرسة المدرسة المردودات مرحمة معالم المدركة المراز المعدد المعرف المرازية بالاحراد على المردودات المدرسة المدرود المدرود المدرود المدرود المراز المستنفذ المراز المدرود المدرود المدرود المدرود المراز المدرود ا The former of the property of the state of the ر المعلق المستحدد المستحدد المعلق المستحدد المعلق المستحدد المستح رة إذه قوالي بعث مثلث حيات المقوم ويل مول إند و إعاضه م يخديد ا القد والدر عادة خالفاة عاديد المقلدة والطائد القدرة عام والاث التأب عالمه بولعب على حد صدير سعده من سيل بدول عد أومن وي ر جزور درز وک میناگذر باشد قال نیج نگل و درای و دانشده مدومه دری درخ رز نادوانیت باد وایساز آند و قال قالهٔ الفراه و ندوانید و الدید الاعلام العدرو قال عدانیدها کان کان انداز در سال به الاد و المصاف ويهما أبوارا العامد عجال مروان والمرازاق عاطرية استرالف من موادن أندر اين من يفرد قرير اور كذب ويود يود المحادث ومعالي المرابع المان ا وإن المقال فاق مها الأواد المان المان المان أخت المان مراع الدولارة الدوستان الأعلى المراسدة خدار کردن مکون تنظیانسٹ سرنج التی دیٹر اوکدین کلون سریع الفیف و طوالتی وہا آن ہ 1 تعسید بار روائٹ طاق بابر تطوی کس اطفاء لاتھے۔ جائے کا دالشہاں مقال عالیہ کا ان المنت عنوس انهاد كل وحد و فكريت كهدافتكان الأما مان كان البارات المستقيع النبية وبسير وم مرسة ما إن المرش است من الإدان كمارة عديث ورمد اين از هاگونگذشتن به کان و کران که به می این و کان و کان و کون او خوا و میس داده این این میس داده این این این می م می می خوا بر از که میزی برای در و زبی اشده از میشند و در کون این می می در در اور این این این می می می در این ا در این می این اور کار در می در می و این می می این این این این این این می در در این می کان در این می این می می در امروزی کرد در این از این در و در این این می می می می می می می می در این می می در این می می در این می می می م و مساحیها فی کنان در افعان با هری کوسه عاد به مانج غالبت المرابان و الله فی تروان افعال منک ها مودونت و آن برد در صفی بود جوان موالیستر من واطلب با شده را از احضرت و اول دا والارهندود و کمونیس کا فرایش کرات و افزاد ریکوستراست در شرع دکت قوار با صفورت در الموادة والمنظمة المستوانية والمنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة وتعاليف المنظمة الوالى قاليل فروسي كميزاء المستندة الدوري كمن كالمنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنزاء وورسة وي هالله رستى ترتزي لت المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة ا مع المدينة المرافع المروّت بسياسال والذو الذو الذون على عام والمراب ن و و يكي كن الما من من الك على عاطراً و ي ووزيت الربرور ي و والم

ه اد الغاري مودف و بروي كه ماكود او ادي كم يا تقريد كار دو ادي كم التي داكورسوك و دي شاخ و لك از التي التي التي يقد الهج والعشر كان ساك اكود في ادا ادو اجزاد الأدربيدار و داما ايت ان التو د وقد بواللي كود تت الدينا لا شارة حكم آن ميا شاراست لعن من اراد الذار مر بات ونديسين كردياوب ذا قدار والدين والباست والمتا ومروت ما يدون في والد مِن زَادُنُوْرُهُ يَابِت وَآنِ (زُهُ غِزَاهِ الْمِرْبِينِ كُلِقِيها بِينَانَا دُفَّاتِ مِنْنَا - روي عَمَالَل الريانوري من ديسيون من از أنه ، في الدين المريدة بِينَ إِنْ وَهِ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ وَلَا مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الوين وظعم من عقله وما وعلما الديم إن الله تعالى عباد عبر أون الناس المنويم مها المنادة المنافقة من المنافقة والمنافقة المن المن المنافقة المن المنافقة المن المنافقة المنافقة المنافقة ال وصال المادة شروت ومن المنافقة من التي أوراء فونك من المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المن ومن ومرافقة ليت عن المنافقة عبد مرافق المنافقة من المنافقة المنافقة ومنفق منظرة في المنافقة وقالا تقوافرات الموس فاند ينفره والله وفراست ووفات فيد وتعليها بيانيز د دار تعداد المعناي المراك في صوح شود وظهيرا وكرفت مجلت وطارفت وسداره والما تحديد والمهاي المراكب على من مناوي المورث الماكن والماكن الماكن الماكن الماكن الماكن الماكن الماكن والماكن الم يزود الماكن المستقدات ومي كم منوات أخر المستحرم بأن وو (منجا والماكن والماكن والماكن والماكن والماكن والماكن ر اليب من بعث وسفاه عن آن فويم تشريق كرده وميك دويستي رشده وميثو شدها كل عَوْلُ وو و بعني يُنواب العَالَي بُرُنا شوري فرات بِأُوارِي و معزوفان والكريجة ما تن بن و الافروخان بسده بالعمل من المواقع و دود بسيار است بالمستوالي على الما يعظم الما يعظم الما المنطق الم المنسسة أو دود خشرا و أو العزم را و شغر موسل منا و است و دولتي بخار الارتفق الواله المنطق الواله مر برة و مناوه ما و مروضاً والمنا الما تنظم من المنطق والمنسسة بالمنطق من المنطق المنطق المنطق المنطقة المنطقة المنطقة مراوه ما و مروضاً والمنطقة المنازي والمنطقة من كواده المناوسات المنطقة د ات لآن مغربها، تظاماً کرده اینجهٔ گریمول در هدفت بین بدند در راه آدان کشید کشید سال سال کدر بخشید با خاخ شده مشاسر ماهشید با کنگرفت فحت ارها موال نوموسسا مقال آن و دکارسادت بدند شرکسید و بیشتر باشت و دکارسان کلمت شد نفوس این بین ا والدور والفوض بالراسات وأن برداع رسات قاد بدر وقيات أزيا ن و استدهال مناسب به ماک در عدن یا و الدین دودکن در عرب فیرات و کندونی می مواسب ایران می بهای است. چه با موراند دا ایران در دامینی کند به است برخی در میزی کردنی در از وی پیده امند داران ایرانی می است. چان مارد نگرفت فیال در از در در میزان نسید وی از نسید وی از میران از برا میرسدان میزان می اردان ایرانی می دادران ا ملاية اومرشه فياف فشرات وسب بر او كونت باسترت اران وسن بي فاطرة الدود ؟ تعاض را تكارش اعتداري فام ست نف بر يست اعتراط به المساطر و و تر ارفيل للاسم واخي زا دامط كورت راشته و درمياتي است وصف بروعات فالباكواب وطال بل ار تفرم الناست دات زا كرد وقت معن فيت الاين مقابت سراحيا على السكار مُعَالِية بالنار كرمات مرّف غذه أغرار كرمات بيار أست جن شاي مرفع وهوت ألما وستي أرفق استعادا شالدهاي إث والغرائ سائدها إساخكدد وطي كالادوال المعد ك وسيررير آب ديوا ايشار اسلم است و إن معاني مها قيمها و عمرات ايشا واست واج على بعد ريغا ، وما حكى كار شروه كا أرش بيا مردُّ و ومؤ و تعلَّى أست كارُثُ والعلم واقعا و حقاداً وخواست من كالرافز و مراض مرزُّ شري غير كا اصفا أحد و ف المارة في مراب على ترامان المرابعة المان المان المرابعة والمرابعة والمرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة وَخُونَا رواراو وَحَلَى وسقوصَة المعون مقلودين هذا بي ميَّا تُدوك كان آن مرَّى ارضاً عا حيد الله و مناوت و منافي كمد من كالواصفا و والنام الله من را الأوضور الله و عزرتها مواسعة الله المار الاستعال كان كان الموسق حراج به عاصلية الما المستقرات المارة المارة ا تعاقبه من الزارات و مدع وهذه من المنافق فروز الفقول فالسنة والمن الموادر المقال الموادر المنافق المنافق المن والمرتزب المعرات وكرد آرا برودي معرف الموادر الموادر الموادر الما الما الموادد الما الموادد الما الموادد والمنافق جمالي مورة بيمان المنافق والموادر الموادد الموادد والمنافق الموادد والمنافق الموادد والمنافق الموادد الموادد ا والمنافز والمدادر الموادد الم تي سيحار و عالى يكما ع إن زمار الوسواي سعادت كرامات كرام بيندوده وكريد نظر مشق اوسي مظلم مولي كالتناف انت ومفارعته ويواني حون الهورت وحودا ورون بيرون وصاحت الأرد فوا هران الدون المؤلف و والمؤلف المؤلف و الم والمؤلف المؤلف و المؤلف للهامة ووكيلهما سيراكل فرائن الول عرصه بالكروه والمناه مكرواء نبيت والي ويرآن ومعقودون كالعصورة وعود شيعنى آن قالدبود بيني مراد الدخور التي بموا إلكارس مهات روجات في وكر يحل كالات وصفر دا وخلت اين العودية و والجلال مرااد فيا ر من من كاده زي كود كات معر موزات كي ها ان كهري المعارة دري كم يمال المراوي رف الروساف وويهوا ارصف والوديم مضودا وروز الال باراولا وليي النجادها ومرفجة ابهم آورده الذه بأغبان المنشأ وسرحتمه أتبهجوان سيرك واليذوا ر در از من حصف من ایک من بون زنان تو دانشد را نور داند و من سیار دانشانی در کارانید در مدل کشده از استار در کشد از در کشد از این در در موالا در در در کاراند در در در کاراند مربع افزور مکتری را مدرد در از کشد برسی منی کشوه برس سند ۱۹ یکی براید در در می تا کشد. برای مدار ماند از در در در در در می میدن در در برای در کشد و در در این می در طزاء نت ونزاجش خود طوی دره محالت وقتی در عفت درستی من مرکز خود با اور روزش شک مریده نزمیش مان درخت نیز کنت و رست در در دولردولت و دراه ا من ما الكوش مقد رئيس من برد وال برم كها و ذو الجامل و برشد منه الله و ذكالة مها و حدار بهود مجل و به زميد و ما وي مراحظه والمن در من قلعت مرم من كالمدة وحد والمسالميد راي مندكت من مناطق و الب برمالة براي الدومان المنتقل المراساء (مقدا القرامة برم يرك أن كابين ما المان و ما حاسة دووات إدات الي المناطقة بالمناطقة بالمناطقة المناطقة المناطقة المناطقة ر های مادر بر کافر الله دیدا ترسیل این با در این با در دارد از آند و افزان از است این برای می می می می می می م مادر برای معالی در افزان الفقه او از ماد کافیه برای و درخه و میانها بید است ای دارند و برای و از مادر و کرد و در از در می از می می این در خوار با شیخ می این داد گری از دو درت در از سامهای ایا توسید می می می این می در این در در این می می کان ساختان هم شد داد استر شد از می داد این دارد استان ایا توسید این داد از این داد این دا ويَ مُرْتِهَا عادِينَ عَلَيْنَ أَتَ بِحَرِيا إِنَّ اللهِ مِنا المِنا ر ناید رزده ای کرده در مدل در کستی کارشد. خلاق سه دو ما موزر و ما ساز ایسوند کرد اید زندم مک بر ما و مدالید و اگرانهای بدان ایسان که طرفته مانشد کرفت مراه و در کشده ایر خلاو مدوان افراید و بحصها مرفقه او مهروز مرفق دور الا دو المستشر مربر در و تر فایم که و شک مراوس و به بادات السرائي مرد الكتر با توضعت و تشدونه ال دنا وزن و زن و در الات و فاسته دي التي وكورته استها كرون و فون الكتر و كونيل برد او دا كالناك مسترض باست. و من در كالفيرات بالشدوم مر و كارتر و بون وصر بافر زان منار ورا و با براي وقتا نيت كرم ن مدرو كاجذات برقع درشي فيان مفلي استدادك فل طع مدوم والماق

かりんしつりりんりしん できない مور مین می می زند در کرشند یک می این کا موزی فود از دید رک تر تی بازی در و و می مینای در ایر کارای نک مینامتد را زند کا دارد می ایست جوج ن اور اور در از آن کا کا کوری ایک نیست کار از مترساسش کار محاوج ن ادر ار میست سال کارون را در ایس و شاهیدی نصف به بد امه می کلیف به انسکر دوم برگاه نفش بلیفه و ی حال دونسینش به هشته بنا با موحه فایشن است در تیسیسکتری نرویسگرد دوم برگا بخشد با در قری حال کرد و و ما میسستی جهبر و در را دهتر خوبسرویرگا دفتر با امری افزار شدند بر و درا بسته می و ارست حالت بیچ یک و وکلیا رو كرن لاجرع فد الرفزاد المنتمي في في الله فا رمرية التنظيم أروب الإستانات وركالات وراك لا فركابه وشاير وكي از طاوت شرت لفتلع ب و يك سايد در حتّ الله باعثناً رويّت دانه دونها عا فقرت الان كالانهر واستنسدن و كالمعطم ومن المارش أو و من للت منطق العدود و لودوق حيل ها الهوالعد ما الاستار المعادات الله ما جل طوع العالمة المنطقة المستعادة الاستنادات المارشة والمداولة بين المعاد المسيكرة في المارة والمن والمدينة كالأرث والادون والمارة والمنافذة المتعادمة المارة المنافذة المتعادمة در میان به مدد و بشریت بیشتری دو که زانه ایج است کا دیکرت کیلی میزن نیا در دان میسا در درای ایک و با در شهری میاه کوش سیزا در دستی کیرا دیای مود از خود از اسان کافت این جود را مت اید میداگر در ای که خود ی ادر شدی و نیت بود ی دست کشتی مدتس و حود س ر شنده مود او دود در ازان در خود الانتخاص بدارت م در هدا الارداد الم الدرد من ما ما الدرد و المدرد در دارای مطوره و فارکت در آون نظری علی اند و تر در طارع و سال در مای است مامل شود در آزاد مسطی از یک میدوسسد نفرین طایشو و ار داماد و فزاران استراس میرون of white sports you was a serve ودر وفي المدور فلورا فال كالروح و والموسكرو و وكرة شيرك من عليد فلا بعث على ومسيني . و ما ينت والنس الد و خوا كان كسياد الت ميمي وهورت عمد ل تمني عصما في وهو كار الراحية والإستان والماء ورقع والبذاب ماليكادة بالمراث ماجد ولا الكسوي بأرات داد استخاری و منطقه از کاه آن منطقه و در استخاری و در اس والهن بدود والمبي المروضة المن المن وتبية أبدت ينعث المالية المن المن وتبية المدن المن المن المن المن المن الم مسترف في المراسة على قال المالية المن والمارة قال المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية الم لعبون عن عدة العيان ولكن ما تدالعلوب مجالي العران بأ كرووري الويام العبول بين با هذه النبيان و الانتهان فا نافر رأ الانتهام الأول المؤدن بين المؤدن المؤدن المؤدن المؤدن المراد ا من الدور المشار وقال المراد الموال المؤدن وقد دوسا عشار المؤدن المؤمر مراسر المؤدد وتسيد مراد كان شهد المدين المؤدن المؤدن المؤدن المؤدن المؤدن المؤدن ا وقد المؤدن A CARLO CAMPA DE MARIA DE COMPANSA DE COMP رون در مسلوسید این و من المنظام این به به خواند المنظر این به این المنظر این آن و میشد و در بیاد به این است است با در استانی در ار اما و کشر با رسید به به به به به به خواند المنظر این است شدا می است به با با در است به با ب مشروط به کشان الله تفالی توسیق با به می است تم فاد این جنبی ای و مکرانیا و این آن تر برگرفتن می شود. برگری امن بی او دو د این از این از دو د این است به با با در این از برگرفتن می شود. برگری امن بود بر این این از دیگر ترکرو د این در شد این از در در در این از برگرفت و می از در بازد. برگری و فرای استفاع و در و نیمن این از دار در این دست در ما از برگرفت و مین از در در این بوديا فروكم يسلم أوط And the state of the destroit attiture state of a process

كردة متدووم المكهول سؤد وإين مدكي الورويا بعلام وشدوان كرد جنا كارومين كسن مسارست كري بقال ترويديا من لورسطنتك المباينا وكانا جنا كاليوت الملين فيا الراقع والتي ما يشارك البعدان منازست الانوت وراقع كالسال الروس مدور تسترك أن الأنا Kill مان من المن المناول ال المناول المناو له من المراق ال The same of the sa وعالم والمنافق المنافقة المناف و المعادة المع معادة المعادة به من بين ما دلا يحلق بن كوا أو من قال بعدل ومن حكم معلى ويواقع وسلاوي و شد بغین د خرن با یکناد در خونگاری آن درهای در انستان با نیستان فارند آن فارد. در می شدیدا در با خواط مستقراً و زیااتی می درس شده نشر کاللهر مرز و بنگاد و قران فروند. این نشسته ایران استان میآلیانی ایشار بر نشد در در میان ماکند. داردن و و فروند رور من كما المعلومة كال على سلم منظم إلى المحت الا يعيد الله المالة المحت الا يعيد الله المالة المالة المالة ا والوالمت المديد المالة المعلم وحدى محمل المالة الموالة يعتبرور بناحال مامك وارون إحفارى عامه خدگودن دای خام و اطریکار شدندگاه آیدان آن گورمود این ماد عذک . به کامه خادر و ای د ده میسیس در دوندی ان اور اور بیادی این صف سیار خدکوی ا و خوا در دکارس و خدار خاص که دانده وارد خارست بداری و خوارد ی کارمولی ای ر از النسب بالا عدت استهامها و وصفائل مساله النات این حالی ایا نشود. و من النسب المال ماید کارت این منسبان ایستها مظامت این حالی ایا نشود. شروید من ایروزود و الاحتماد میاد الاحتماد میاد و النسبان و حالی ایران ماید. منسبه ادارم ماید و مرشق و مناکز است مایا ست زاد میکرد جانگ کرارد و از فراند. وهذا بدوه المراسط و المستخدم المستخدم المراسط المراسط المراسط المراسط المراسط المراسط المراسط المراسط المراسط ا مناه مركز و المراسط و المراسط و المرابط و المهاد والمراسط المراسط الم Topological graphs Welling Charles to Special States Which will be with a sign of the control of the con من المراقع الم المراقع الم المن المنافع في المنافع المنا را فاه ميرمد والكابد ووا فاقت اه مرس و ساسه و فدا و من فود و من المعالمة المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم ا من المدت و المستخدم و فل المدت و المدت المستخدم المست and the state of the second of

The wind of the state of the st وميعيدت وكرفيت بزده الشوك اكر تزاست او الترازي بر كوفاري تشبيري بشدياراه يب رسد وجون محت مكاليت رسد مياه يؤافق بودين كأل مذالك في تعديد معربات م الله من مواصلت خدره از اعلى سينه كانت واحب ميذ وقف كثرت اعلى تعدّد والان تنظم عب عرف اور باز فر المحلوم والمعامل في أسيار برزان والمدين من عدد الموافق المستعدد من المرافق و ومورش و مداراً وحدارات سين الماس از الان موكر و دومشوارا والموافق الم ار نفوز شاوت کشده و در کشتن اولیت دوداها دیث قدسی کاند از آستندای سایت شا و از نام می ساجی عطیب افعال سالهای استالیس و مؤدن نام کرد سازگر ساجی القدلماتی ساول این متصال افعال از انساط به این موثور شده می ساد را من المدوالية عاد والرئيسة في المدول المد ing The street with the street of the street of the التقتاء وكسالك راعني والجون مراء فعاب نواراته في طفان وي رير الله الى المؤدن من من المصل عنول إليال سورت مندو ديول إداد المرابط في المداد المرابط في المداد المرابط في ا در المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط في المداد و المرابط و حداد المرابط المداد المرابط المداد المرابط ال المالي المديد المرابط ناشأ وياستعان في ت والكات الفت في تباق الدوير من والمات بالقال ه مَن خَسِّ است والكينوروجود تقاوة ارد نقب ويصول والول والدايا الأنزان خسوم جذر ادر مالوجل آنها فيف جنا كرميان كسن وجال فرق فرد إياكل لجينون ومزن عزاء الوراكي این نهستندهٔ مودنش را چان پاه قرار در شناست فراه ادامهٔ وش را معن آنها به داری د دسته از ندم قرار فرا را شنار کردنه و پیرت در ماره و حالی هار دور کرشه مها ایست Law the contraction of the said ور إيلا إلا شدوسنعة الأواوام السبيعة لذات موداه فيله عكوف الكرامات بشرية مكيارا نواه تران كرو لفظاهش الماشة شترناسته وآزا مبني وباكثوت وعليتي وتزاو زمره گویدهٔ دان کی بیت کارگ این خارد و مهرجایی ستون سژود. دیسید دار دلوات کوهکت ۱۶ زار میناید دان بیرخشک میشو ، مجن تشق دیراد به دی کرد داند مجال بیر زیدا مجادهٔ از آیدا ووروجوان ني مودرخت حبرالعك بعين نعش فعشا عبد مرجبة صورت يتحف وهوبرا الوصال وأيتكار ويبرى ودرون كالماري إمن المنز المافن المقرون الفنى مراده ومانت بوروز معناطي أدارة و بوای داد دخشا باز ریامت این نامتها طوچ ن باشیخ طاوه بیران بیرود امیماری آداده زگر در زیرا کدارا میرستری و طاح این نامت و بهرج در بن طالبت با این بار و بیشان آداد بردیا چاکه بیران از زیبا کدر شده با طاح این کار بر سند فران با را میرسترد او است می آمید میران از زیبا کارشن کار با بیران و بیران با بیران با بیران با این می در از بیران با بیران با این با بیران با این بیران با بیران بیران با بیران بیران بیران بیران با بیران با بیران با بیران با بیران بیران با بیران با بیران بی مناب اعلى ما كد كود هزار كرجن كود ي امن الد شدود ي دومن و ي مراسد المسار و يكر العدامات م قرار السايت و المان الذوجة عند و كراك ميان الرجوارين المورس أو ي لا بركوان المتعلقان الإفراد ك يتداه على الدوم عدد والانسيان الرجادين لورسا المي الميونوني يذير يفيسه الإفراد والدوم الدوم الدون موري أبدارات أن كالا الموري كسد ودان ما وارش وهم كرومي شايد والمدارية من أن من المواد والشرق الماري تواند ودي بيا الكان المديد كان قرم وداري كان والمديد المؤركيات إن ورثوا وكودات المستهدد والشرك والمستمالة معذب معادلة الموادي ووالمديد المؤركيات إن روثوا وكودات والسياد المارية رّت وارد داخ ارم وارش و رحلهٔ آن قرم نزایندا قرام درزان مکلیان دادان کیست. محرکتنی و یک خارمیدار نرود وال را این چیز جارمتی استین و دولای مراحیت از دادای فأشر والمامعة الألواج ويواث در زمه با دویجایت می خوابدرت زما ان ادکیدهٔ ما زاد دوید تا برگ طوانداد و به مترک در ترکیکی از شیار اندکی دادست دیر دخر نقدات فکرد و میگردد شد سالهای کاری کیرسکاه به زان باب اهل دود در چرفین پارتین اندر قرن از آندیکا کیرمیزد از زاید کال روع مراس ورود المال من المال المال من ورود المال من ورود المال المال المال المال المال المال المال المال المال ورول والمسال ورام المنال من المنال من المنال المال مين مين المعلود والمنهدي والحرب و مؤون الأوا ما ويرس المنهدي الشدويا كالمدين المين المواجه زمود و كافعه لولا الفيرة الحرب بيا والاستدارة المواجهة التي بين المين المين المين المين المين الما أن المين خلف إين المدينة كند معنو وكرم است فريش المية على ما ينيا أقويق من ويت المالية هرا برخن کردهی سرخه که داندهٔ ت ن الاجهاب ر دخته ادامخت و از بری کمی اولیس خوان کرده ایت نصر برده در به اور خده بی روز شندها من در در ایت در در براز از کرد والوكونين الكارهم تأخف والسان شابت دار زارونس الكرف ل را هو دوران فی کراند خد مرکسب میشنان را در زوان فی کنتر می کند افزان در این این در این در این در این در این در د دفود دوران میت این فی دار خددان نسب که دمینالسده براند این ایز از در در این بیت در می این می در در در در در معرف آمرد دن میدانسد، ترامت دا میشن می دراند که در می پیستی در کمیشان بیان کند در کرد در

من المساور ال

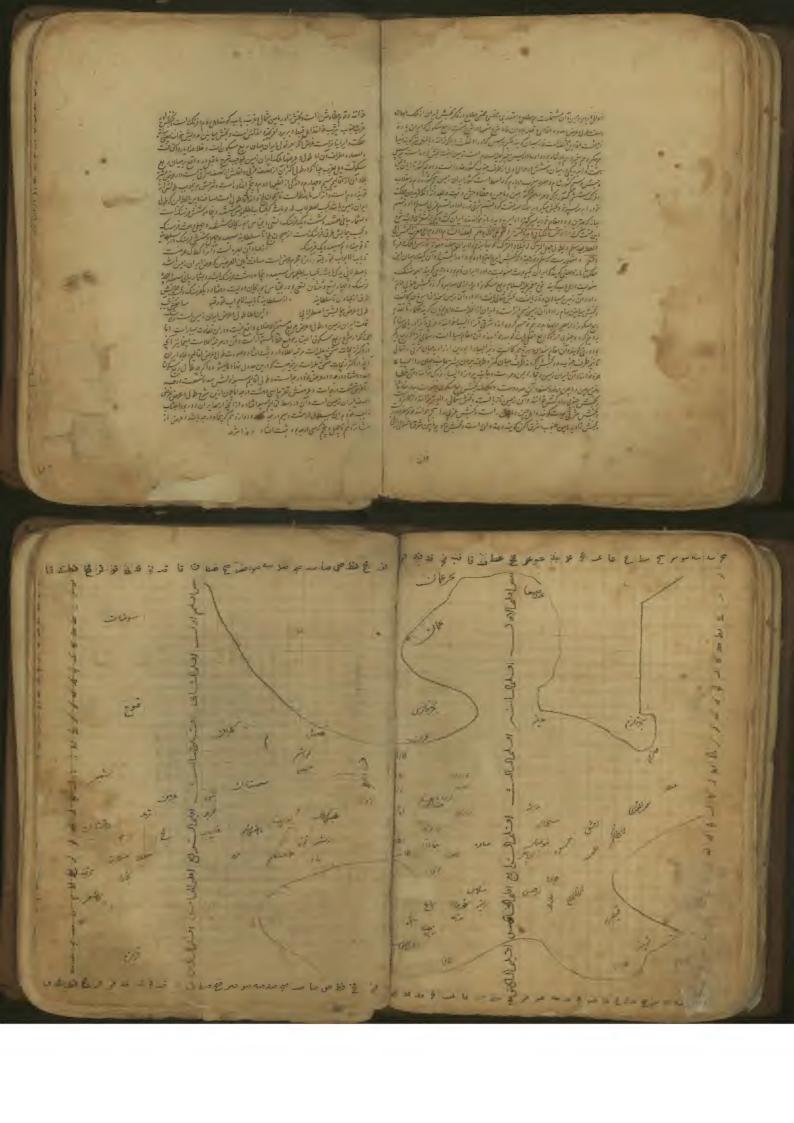
عيد الدورة الب ويد واقم المفكره و دورة مجة الهوان الزين ميه الوالم ين الوالم أو المواركة الم

د كان كامازت الدام و أروفا أكسير را موان مست كرد اليد نده جها رقا كم جوين ووفيتش خلام وادامة الارتباط في كمر توسالها في مراح من المورد المست وها و كرف من وسف و واده ومد ارمو إنها أما في الأمساح المراسات في المواق المار و المواف محروم الماست وضر الدو المدار بواي د خور د نده رس اید محلی در ت سها رکی تراینی فرایش عوالاسو د بیران ما دکت در این مرای شدند بر نود می که از نامینی قارمت به ران قوان فریده از ان رکن باین شوشیت تا والشيدا والمحدث وسعا تاعل بطرف ويعاد ماكوليت وربرها والمم دوار د به موده این در در مرد کمک و سه در داند که این شاکست رکن شای کنید و انگرای آن رکن میزی بازی درگارشورست رکن بهای کردند و در یک میزوری بر در خار تجدیست شده این رایست در موزور کردند از کاموان خور کر در رها و زمز مهای خشود خواد موده میداند از مودم یک نید و به در این میشیش حزاب کرد و بود خد آمزا هارمت کر در داند را خراری و در دارد از این کنیز و دود کردند الهذوه مم ارمز في محدست دبس اطلاماره وكوه منا الإف شرق محرموا مأت وراه باز درمیان دارمی سیکره ابتیسی که مروه منزن فرای تورد اماست و شده و ده . ای مردی و در فروه است کار زمان جا باشتردها شاهیر زنا کرد ندی سمیعا شدها دارانی مرا ر المرادي المرادية المستخدم المواسنة المكترية الدارا المرادية المواد المرادية المرادية المرادية المرادية المدا كما است بالمركود المداد والطائبة المتدادم أو كل تراديم من المستخدم ومن عارث المداخل كما والوالام ورمون أكدر ووجها لكن مول المراد الدارسية مركزي كالي المواتي المرادية المر ن ندوی زیاد میزاد داد و دیگ در میافت رط این ماید خوت و جهای و جهای و بیستجام خوج این می باشد و میزاد و بیستجام خوج این میزاد و با در میزاد و با در میزاد و با در میزاد و با میزاد میزاد و با میزاد میزاد و با میزاد میزاد میزاد و با میزاد میزا ا دمن داوات به مواشق نی این با میرما کرد و به تشریع و مذو منا به مغیره السسال د امرزکی آمور دوفرنش دوک دادان و داست دروی کندوا به و اسمه به انسان دروی کرد این درمهکوش انداد میدان در این که دادار شدگ افترای بود خواست از این شده به در این این این این این این این این این مركزه وتقت سجدازه يبساج ساخت وسفورا مدام وداين فبانتي تحروطوا فسكاء می کارد و با در در میشند. توارست ما ایران کارسید در ایران در سیده بایران کارد و در ایران کارد و در ایران کارد و در ایران کارد و در ایران ر ارست الربوالية كه أرويا منه والمنت كراره الى أن و الن در اركس الاستركسار سست الربو الد وورمره كأخرار وأن الترو بطرات خررت والمطامراوان الأمد فين شاوات الدوان كالمرابط ويامره في مقارجه كاج قزاود فاقا بيها فرات وي فرارما The state of the s IMPI اهها فی کا بعد شده دیگان و ایس به نسبای توسط ها اللیز از مهد مشتر دخشد عاسی دکست تسد و عذر آنده را دک بوشت چه بسماه آن مجلی ها دونقی امرکز، شرچه کوچه ، مزمز از کستیم آن در مثرت میشود در دادگی دست بزار برشز از کشید امل دار بود دخواناسود میرود هیان خااد یک می ر میرما در بازاش در در سال در داست قراهای و آه کسند نسخ دانشنی آنها به گافتهی در بیرها در در در ستن میزاشد کارگرفته با در کوف می دارد ما مادن کاری سلیم خید دارد شده در از از کارد زمین در در کرم دارای شاند ایجون کارترا در کیزان این این مادند میزان این این مطلبا ادارای يام ني وشركا كالد و مورد و دود الك منوع واليال أس المياسي لما والرطرق فالهدك فترين مصب كالمطالية كالالكي الافت والمعطاة كميصد برخت ده دخت فرنسک در اه دختی بط ترونزی و ارافای است براه بیندار کسید. درخت می فرنسک و براه دختی بط این از موار انگیر است براه ایک و در این کیف و فرنسک و از و مِنْ كَانِي اللهِ مِنْ اللهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ اللَّهُ اللَّهِ اللَّ Open me or Sum to a sure it is to ر یا کے دیرا، بعداد کے شق وارالک فرار محرات براہ دریا ویک کونٹ ن محمد وعلک الدیکر دورس براه گفت و براه وختی و مثیری براه گفت اراه آن اردن براه گفت دراه دختی و میک کرب آن تقلسی دراه ایک گاست براه ایفاد و محلات براه افغاد و استوان و کت من براه دفغا ا في مراه بينداد ومت بيمان فرنسك وارزك دننگ الان دجرگذرنگ آس اری وليرية لاونبود ومراه دريا ترفون مراه بعداد وبراه ومثق فزاسان مراه لعذا ومشالور its for Sig م المالية و تنگ بردان طرحت خوایی او این دار داداری با بدید کردند.

و تنگ بردان طرحت خوایی او این دار داداری با بدید که شده در ندند و اگرفت به ایرفت به ایرفت به ایرفت به ایرفت به ایرفت به تنظیم به بین این به این به بین بین به بین بین به بین بین به بی

سيده و و من دوه به مرون في در الفارات أن سادس و واق في سيارت المجاور في والمياليوني أبي المرافع المرافع المرافع و المرافع المرافع و المرفع و

من المورس مع المراد و الما حليات خديدة في النوي فا حام من المالي المفتى المواجعة المناس المفتى المواجعة المن المفتى المواجعة المن المواجعة المن المواجعة المن المواجعة المن والمن والمن والمن وواجعة المن والمن المن وواجعة المن والمن المن والمن المن والمن المن المن والمن المن المن والمن المن المن والمن والمن المن والمن و



And it some so it is the sing of the is the sold of th المنظمة في وي المنظمة في الترجيد في السنة كم ميد المواسدة التي الا والمنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة ال المنظمة المنظ لامة الإيامات المقاولات بالمعالية بالمراجع المراجع والمستان والمستان والمستان والمستان والمستان والمستان in the way in grant or the world with the به هو به المساور الما الله الله المساور الما الله المساور المساور المساور المساور المساور المساور المساور المس الما والمساور المساور مهر من المساور و الم المساور و قراری مصریت ایران که کرد کرداشت اشتار میراندود والمراد والرخال من أبران شريع المناس من راه جها جها يعلي والدي تركز والشارين المناسبين المناسبة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمرابعة والمواسف الأدواء بالمرابعة المابية شال مطبعا دانده الكافي ليامطاب كزاء ولا كأو واست فيرا بي موجوب ومقرق مشود وروجه مورشهم مشامة بويث ممتانية وبيتهمان أوال م مرکز است الدوکستان الدول ا معالم الدول ا ومن الدول من الاصفيات المواقعة من المواقعة المواقعة المنافعة المؤاق الدو و في و رويسة المواقعة و المواقعة و المواقعة المؤلفة و المواقعة المؤلفة المريك فالمنافذ والمارسة المعاراة والمعورة المعارض of property of the second of the

٠- ١٠٠٠ di di -■ B E 2 2 5 4 4 - 1 日 B E D 10 10 10 10 - 1 ست فدوّا من بادميره د تا بران بتامسان حييه طاد عو قان که و زوّن مراطل د خااست و عرض کام تعادت عرض العادين الاطراحيد الاد و ارام السنسل لم بين العرفين العادين العرفين ارزومن حدول موضوط ملت بهرود جناشيت ساب کوده مشد از مراسید است. علاج المال المالي الما かかりないノックとりからりとかれていてとといるいる いちいんしんないいいからしんかいかまつか ボットとしょうようできまればしませんできるという リアアドリスンではまんでいいませんと . وخ از خریموان آن دلیسه ها دی بادن کنام شتا د وزنگام با شتن بایند و میزاد رزنگام در وخ از خریموان آن دلیسه ها دی بادن کنام امها حقیقها ساکنات در تعدور و در در در در در دارد والماست والمارات والكواران المان أن بت البت مرك الم ما الما ومن شرت يورود والمناس المن الما المن المناس من الما المرابعة المنطق علا عده أت وهما سائمًا ومويد منو إلى الله صحارات المرابعة من المرابعة المرابعة المرابعة كالمشق الريز أو بزاره ب راقده خراجين صاب كود بزار وزرا منافث وارو برز ي و در اين اين در سندي ي كون و سن كرمام و الحداب حالك و مسترة او اين و التي المنظمة التي المنظمة التي المنظمة المنظمة الروم المنظمة المنظمة والمناوع و المنظمة المنظمة التي المنظمة التي المنظمة التي المنظمة التي المنظمة ا المنظمة عا فلع ب كاشد مرم كاست كا جناكان د مراد زك در مدار برا والمان المراجعة المرا مها در میده و دو آرد در قران است بیم سرید و اکن نامایی آن به سبید تر از در است.

از می کنید و در در است با بر اما دو در سال الحالات این بیما این و در سال الحالات المالات و در اسال الحالات المالات و بر این از در این در این از در این از در این از در این از در این در مت دجاه در برا د في را د دار أو در ترج بيون كر ، تمال ك الميا أخر ميغ أنّ طراح ا برما كي وَمُوْهِ وَمُنَّا مِنْ الْمُعْلِقِينَ اللَّهِ مِنْ الْمُؤْمِدِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الم ز در ده محلت ایران رئیس دسا برغادی سلین را با ایرانسهر درگیات فران درخیکا و امان فرد مجل در اد در امنی کا این رختیات و صدر قام و نیانی و در امران که در بر در و در امل که با در اد در امنی کا این رختیات و صدر قام و نیانی این که در امران که در در در در امران که در در در در در اداری روه المرحقور ومرزوع وموزوس الأي أصطاف الشعاف إن فذرميش عاص و المشتى جو اكريور و کارتر نم ارجوعید و درم و در دوارنده بار بیزار برا روید رای برد کیک بزار دوارت و تاریخ دس ار دفته او بدت که نقر برای اینا میدم می فاد تاریخ مرد دورد کروشد رئیست بودنده او دورت از دوستدار سیزار قوان عاصل بود، است میکن داونت ارتاعی کلام کارداد است بر تراوه است کونی کار را مان و دود دست می کراست نگره الاشتراه فرابان فرنم شد خوم البترا واکن بن حکوم دود بیام ۱۳۶ دران والیست مهد است مینکد اسانال مینی وال شدوان وامین حالم مهاشی و فران مین وفره دوارا ا شکه محمد وای و خشده این زان چین است قدیمی و دوانال از خشا و کرم و و مینکار ا

من بهذا المرافع المرفع ال

برس و مواله المواليد و المحالة المواق المنافرة المواق مندر يحكن في المتحقق المنافرة المواق المنافرة المواق المنافرة المواق المنافرة المواق المنافرة المواق المنافرة المنافرة

مت قو نبار و ت مهار كامونه برواد و النب آخر كوات والمت كدر الوز تقولور و المقار معنامة بتقريا بثتاء ومازي شده ولايث بعلام وجوره الاستمرت الرحد مقاطعات لويندو وكالعال مركب سخاب وألدار وروق فضاوا شعار شواروب و بسيارت الم والناهيين كام مسترحس بعرى وال ميرين مجرو مسيان ورى والدور والمداريجس فياك ار بایان قرا گذشه و مفرمه شارسته دوای میشورد زیونات کر استانان باید. حضره و در آن با مصر خرسته آدارشهاالعرب و نادش قرار کالبوره افزار کار از این این حضره و در آن با مصر خرسته آدارشهاالعرب و نادش ا وتسجيد فرمنك الملاارد مك بعيره إفت ف شاروار دوزمين بالمنسان فيذب العرب وتركوانا ويث مدوريا عدروزه أتبه مثطأ الطليعة للفرمتي ووبالمستالة بصور رامسة ككمة هل آن ومن ن فرنسه ي فرنسك و وروش وفرنسك ست و و الكرشو النظر و فعال كالبرثو هان باستان ارسیم درسانه و درخوا افزایشد کسند و در افزایشد با خوا با بیدادهای و پیوادهای و پیش مدکر زیزه امد و بن بهردند این با بیداد از توان اکند به الله در استانی مورخ و زیزهای و برامخود در آمری نزگریند و المایات اساد از توان آنامت و منطوان بناس در کسند میشان و با بیداد این هارخوا نیز در مورخ بیداد است به ساخت و اسانه کنید و با در این با این در است که او توان از قوار مالد او توان در از و خوان زیز است و کلید که در در نشاید میاد این اما و یشار در است و زیرا از ارفوار مالد از افزار افزار در است. شيشين أو موسق على السيلام ساخت والمورث والبيشب العالية والمارات كالموشق زرك ودار الملك مرزا و وضحال علواني ووه است والخاك ويآ عاً علوسا نت إو الرا كالته وأكرات مكن بالنان قابلة عدد أن مهر جاده الديسيدا راد اها فيه المنافق كم يك كمنان أثر ادار الملك. ووطنتها به صدار اكوار بيشد دامكر روي كاليه بالمراشش كه واكول وإخواليت والذا المهام كه والموضوع المسال المواقع المن من من المنظمة المن المن المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة شرات وجهور بعهارة عان ومكور وديار والمنظمة المنطقة المنظمة ر وانیز من تا ای میشن فرارد باید را جاست سات قطبیت و مادری دکسای د دوند کرایت و ما خاص و از قراع بیانت در که و (دار دو امارد کردانا در میشاوات عربت دور بات آیا دان فرز قراست ادار کار زین کر بخوستی بازنست و شاو و دارد ر می داخش از بزیدهٔ این هذه و میزان اندایستو این او بین استانی بند ترکزی و مود در این متر با فردان و تکویل مان در اداری امراز می امراز این امراز این از انداز از امراز از ایر زياه بريانيه بالكوكر ووصرت الميزلون فاعتلز لسادم أمرا برزكركر واليندمرون كم أبات مرق الياش كية الدور فراردورت ويارست وسيل ولات تري ۱ به از کالهای در مان کوشش فراراه بارسته و در آورای تسییار بود کریت از انده سایست ایرات از در ایران الدارت بدک دورش از خوا بستر الدک برکدار دیدا این و داستهات فرایستا ا به مصطوری و بین میدواند او در موارد او بین میداند. از و طواری و رو این میداند و مای می مرقب از در آن قصه مرتب به این میدارد کورایات موقد و از و و قریر خدار و دریا نثر و مای می مرقب است و در این این میزاد کورایات موقد، میران و این این است و ای و جرف برا را می میشاند و این میدارد و و قرف از این میزاد می میداد و میری در مطور از در در او میزاد و میزاند او این و در جوالی آن میا بیمانی میزاد است میزاند وبوا نستروت تومان كوشش فرار كي شفيده بأرب و برعا أول شركت وبيان وأعل د مضاوه حادثاً مجتوباً واردانسب کلستان می سبت دارا فارم سوات و از داری سود عادتاری و انوشتر وان ماه را ساخته مود غیز دیک داری برشتی آمای کوی خزا جست ماهندان می دارستانت براسه مورد و مقاوری میشند کارد، حق شایوا میشند د و زنهان و خزار د صده خارسته به خیاب از انگام سیاست مثرات مای المن از خراری الد. معالم و دوخ استاد المان میسیندالدور صدرین مضور بن ایمبر المدی ساخت برای ليها مآه ولاستث وخراياها فين حوق الواقيل فار والضاورار ست علا مى الدولات المؤلف المؤلف المؤلف المؤلف المؤلف في والمؤلف في والمودار المستحدة المؤلف المؤلف في والمودار ال عوالها من المؤلف في المؤلف ال فالإخلية ورئسندت وتليثن دارمعا مات فرات ورميان تتحرمتكوز وخليستور مطبت فوكمآ ر الموات شرق عارت الذكر ألت مخلت ن كهيا ودار دورين سب معايش متوزلت المخبر ا رفات أيما رزا فأرث ارتفاعش المنعاعش عند الماق في مشيعها المخبري المدومين ديره و و و في حيد كال لغذ اد وز و نب ي على مولت و در كار مذب بعات متعد باشنده واین میزان از دمغن شان اکاماً مِشْقا بیدایش الدر به در این اداره استام در ساره در میزادید وستین دانش مایشه ازاد این بر ون ها بداید سال از دراندیجه ماسته در در میزانشد افزارشان از جزارشاندات ت در در فزارشانسته استوا در با تناه با فرده ما ما قد مات اکران است و مقد محضور اید الده است و در واند مرا رات کنا برمز فراس اس قرار مسجامت و لاتین با بیش یاد و براست حققانها ن باروه در بارت حرم انا قد مسرات دراول جواک تهری در که اه د یک زندگی که اکن خواب سد بر آوری که کوا ادراش رواسار و اوا متورود ا مر تصدیم جدیق فواد دهای برخصی مشاست طبیهها است داران ایران شرکت ترویسای و ایران ایران استان ایران ایران ایرا شاکه خارج داستان مسام ده دارات اگر در جمعیته گرفت کا خارد و جنانا در ایران این ایران فادار خانج تر خود در ایران دو ده داران ایران کردند و داران ایران کردند و ایران ایران ایران خواج به ایران ایران و در ایران کارن با در سندن برا ایران و دهدا دو ایران کردندگی دارستی شدر چهانی آران نجو به بیراند اگر در ایران و داران ایران کردندگی دارستی شدر چهانی آران نجو به بیراند اگر در در ایران می ایران مرور المراقع المواجع ا المروح المواجع محقوق الريث حقرق الإليش مدرين ولاستست فاووث المبرات بدارات تالها والان أ

دُوا مَنْ مُورَدُ مَنْ أَوَا عَمْ مَنْ مِدَانَ اللّهُ فَعَ السائن ولا في مُوسِّت، مُرْمُ فَدُ اللّهِ وَالْمَنْ اللّه مَنْ مَنْ اللّهُ عَلَيْ مَا وَالْمَا مِنْ اللّهُ عَلَيْهِ اللّهِ عَلَيْهِ اللّهِ عَلَيْهِ اللّهِ اللّهُ الللللّهُ اللّهُ اللّهُ الللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللللللّهُ الللّهُ الللللّهُ اللللللّهُ الللللّهُ اللّهُ اللّهُ الللل رُاهُ اِنْ يُحْرِمِهِ عِنْ وَلِهِ الرَّالْكِ كَاسْرِهِ أَرْاهُ وَاللَّكُ سَا خَتَاتًا بِورِدُولا كَأَفْ وَان سَرَّ هدر کرده فیفرادی این ارده ادان کم بهادشه آن مرای خدماست از که ماج دا دان کمر این کار کرد در دکتری در درمند آن کند به کان الادان کابی استرا حسین سالی به سی کلواد مرفات کردند فرادی نصی ده کار سیاس می این مراد اصدر با دکر شاط در درد گا مزود و دروا ما مداری دارند به در کورموشت و نیج کزد المراف بن ترای مراه با روید استراده آن کرد میزان با شده و تاکیلی با بیشن از استفای آن فارستان ال خِن بِي مَن إِن كُرِيدَ كَانَ هُورُ مِنْ أَلِي كُلُونَا مِنْ كَانْ الْمِي لِينَا الْمِينِ وَالْمَالِينَ الْمُعْلَمُونِ وَالْمِينَ والت أرا مراب كرواره وبرا حالكت بعداه اساره بادر برفد وسطيمان بن فالدسورة كرودي مرود كمران با بغرام و دورفر اي سرّو با العاود بدكر الآت كرارا اين ماميل مونو و كل خرب والتوه اللّ آن د ما ينك فرات الركيز و در زيش افغ شد و كمث المثر مع الرام مع العد بوخرا يام من ا د این میشانگذد و المنظم الله کار دور و د الاید فرج سه زیرگیاست دیرگاری میگایی میشود استر میدوستاست دور به میاره در ایران این می این دهاری این میک مرد این میدد در زیرگی شادگای از ایران بیران میشود با دارای در میشت میش از کاری این وث به قاصل برنمت وزاد وات میدانسد این با نان بای وق مینا نام وآن بخرد اردیدایین کرد و در زانسکانی را معلوم موزد کراند زادگریون را باز بادیداند و نامیرش بیشته رسیدی رم آروغاندان كي راكون عادات كذيرالها وكالمات فالعودة والحاكرن برواي الدن فريت ويذاو ويستدوره علفا فارات وسياحة الرمهاة كأمشي كمحته محتقه فليذب الأودة وتراكا وميا المناب درولیند میاری دو با فرن لیده استام چانکه دال یک دارت پیشری این ماند. استان درولیند میاری دو با فرن لیده استام چانکه دال یک دارت پیشری این برالم فسع الماعشر وازياست وبري بسباتي فالعشيزا وسيلان لمدين كمتحا وكالوال كمراحات چه دار شاخت کود ران زمین آب وا به انتقاعیدا و خوار مواست از کارات سال که برده دند اور ۱ د مهارت پسید ده مارش میداد و دادر بار انتاره و دارگاری اعزام تروان اور برموان آبود برخوان سند متحاه يوانى بحرله أطواقل بنرصيل ستب خفيه واليزاز إنتابس است والشراز فه إيفالدات فين وونها نطابستراع بالكورث ويبترث ويساخت وكراباته والدمشيد ونام ومايند والمثاب وعن إدع مرامة إلى عادرت الاتحال من الدوات وراي دوهران كم المارتري تر من من ترین ایک من والترب و است در بر کسب کراه ای که ایز کسنی مترو کرده کسن ت میران دید. در بر دمیره و عاده وان در از دو است و بروت شراکن روایت و بست به این در در این رو و دارات و افزاری است و داست رودی شد اثری نظراست و کارتری و افزار منيد مطراه ندادكا بالوالم يعالد كراك عادان الرياح والدائرة ر به مین نصد امد کوفواز از ایود و تن قلید در دار دراسته بر در بر ایندیها مزام معاضت میراد. با در در باشد و مرقع نام و داری مستقدی است به کامان دارندا ست اراد ایند براسی آ مون ایو از ندایس با تراج دست در دارشدان دستش نبراد با بعد دکری در است خزاب والمنشر والحان كقيد فارث شهروه والكلطافت فواست الزكر فرميان ساده ومشش من کورنده این جزوان و علیها السان و خواره و در نتیج دید مؤور شده و تا در خوار ندا کار در این در خوار ندا کار د در می در این اگریت به در در این در این در این به در بازی کار از از فواید این خوان این در این مواد این مواد این بازی در در است رازند این میسود و این در این در این مورد و با در این بازی میسود و این این این مواد این مواد این این موزوان خواند و این مواد کورو این در این مواد این در این میرد از این این در این این این این این این این این زین ناخ ده مواد و داست دکیمن در قرنب و دایات با این قدر آمد و قرن است. در در سرخدت اصعفان د بغر در ان داد رفان مقرق و بداخیر استیمار استعفی از انترجهایم ا دوسته موسی مستونان فوروزی دورای داد. کرند اراه انجیب وال دوران ما از اقدیب سرکرفی ارزهٔ این از طرا میطالدات قام و وقع ایز خاد به سرخ ایس کرد را معل ایسار در بروده است سرا آن کردنگ و جوارد و دوست هجه رزد و بینی ایس شیمیشاد و با دوجه می شید و ما افزیمن سایت و در جوارد ادارای این ا و من المان المان المان المان المان المان والمن والمن والمن والمان المان المان المان المان المان الم الراور الكايمة حت كرف ودم و كاها عن منذ بريرون ديدا عاربها في رو درور بال بوست مثهري بزرك متديكن المدوافسس بن بريادرا باروكشيد ووما بوش ميت وكمياند مندم کو جهارت از کام با مشدها لعیدی دشش مرج قوم جها و همانه کا و دازده و در دارد و دارد بوده محتدالی دورت بیشان در ترسیق کرد و سراجهان متود کرکید بر دارد کار بدر دارد و در ترکز دیدرند کی رصاعت کرموجه حزال باسته در کمتران قال احتدافات مرد و دارد میداد. دیدرند بران بسیارند از غلافی ترکزیکی دو ارد رواید شاکت مرد در وجاید کارند در در وجایدی و و با وعادا براعهٔ با ولا بخ ودعمها في كاستندو النهوع ي سروميري وكرمسيري خاصل حني و الماوات ر المرابع المرابع المرابع المساوية في المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابعة والمستور الأكل على من وسف نعني المسترقت المرابع والمرابعة والمرابعة والمرابعة المرابعة مرتهن كتريوه منده و دور جالت قلد برشا برشومكدر ودار ومرنا ورشرما وعامي شدوا ب وروام دو دهی دخانی وار دانوی سرات دری دارنس کو کاند و هزینه این اقام شرن است دارس و دان شریک بی اگذاشه در شرق و دوگری در در ادر زنید و میره ی اینکامید و روم می سرقه مدینه خوا در پینکوا در در بیدار ایک اینا در بیش در در از سازی داخت بینند و ها کا که در ترکز در را در دلات بر و در دارس ووزن ن وفارس وعاره و فوکستن وحلانت و پسترانت و استان از مجدوده تاین اسروف وزیک دون جونات تا فارت به حدوث و با قال باد و تا به ایران محدود تا بازد. در دانسه در نیس کان سند به به در سروی به دیگر که به در و فار موسول با Twee terrories of grant to wing sources امه بان کار جهان تومقه و بان در اقامیجهان شرخت خود سان جای شهان کردی است و در در دریان خشر دران تومقه در قرمنسب کراییات و کیان ایز ریجد یک ارجه باست در برد میلی است. باید و جداری مسئی دون که مشق در میزارس دهدیتر مای مدند دو و در مطال آمرا بر ایرور به در بدون به در واقعه در ارور و در و در دونامه مسل می راد در مسافرات می مرور والمراج والرور والوري ورواوا ورواوال والارواد من و في ما من مجامعه الحساب وركة و فيرة ومراحط لم وحدم استفاله بن تعرب من كرور عهد سندية مستوى و يوان مدما يل وارته و فرور المجرار و بيرار و إصد وسيت و ان و كسيري of a Colomony with it is to make the love them.

وفارغان ضيال وكمدان ويورفان وورفاة واشكهران مطرخرى وإبن ويها كاسفار تخوا ا زارنا ست كراره كمروا في ساترا مشرفا منذ مرسا وريرك كالبش كزار مان باست عالی ارزوا میشواد داشد؛ حروری ایدا مشد در مراور ای مرکزان کامیشند و میشد کار آن شده در میجام او دوای با کارشی آن صفاحه بی نیمتدان کرد و میری سب کتراند آن شده در میجام او دوای با کارشی آن ر دارس وفا نقابات وساعد وحالت داره حقوق دولاني ولاست اصوبان محاقاتها مینان خرید دورت از هر ایاده و نیاده از چندگی را دانگر آصفایی و نیاد. ای اداری سیواسهای کند به دوشته می دورد و نیدودش شده به و این داد که مودرت و مشاهای زیروز در کارد شده اید کند و میگیران و بود: مدورة والمراجع المراجع المراجع والمراجع والمراع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع بردار مداوری علی گاره بختی الدمال من بهرهٔ نزالاسفدان سی از دیگری نماید. و مرسالد سه و بودرس کشور و خادری و نماین و قدرس قروی سال ایسل این وقدين فال تؤمر بكولون أحمة يخرجون والدية عدنا فيها ووافعه بهم وما الأحد المالايان مرق وي الحاصيق بمناصر سند المسترض وتوش عليا يروي وي الماسترين ف دولایت من احیات و دیار مداره در اوار دارباد من و داور ان دارباد من و دار ان داربا وميركن دهرفنا ولمي وخبب المراكية انتدامها واست مزفنا والبرش سرو وقواق وليك در با در در با در در در به این ایرانستهای سبت او ی از سبت سر در دارد.
برا در با در در در با در در در در با با با در است به در دارد.
برا در با در در در با در در در در در با در با با با در با د والرابيرة اسمان فالندوا كسد وعاسات ويزدن يردعون بهام كالمراس ه چه در سان که داخش که در سخوش که او بهایت کردن نیاز در شده است. میزد باشد و این در در این در داران در این در این سخوش که این در این د میزد و این در این د إست الريام على بالما ومها؛ عهاأوت أما مدحول ووراست من روال و وي ويستان دووا الد معظم ترس فريال وين اجت أب الكاير الخدرة وال في مرايع والمحت برحادي ومراسية استعادت والإسطار كالأور والمستا الراكي ري رائي دو كه واي داد ارزاده و دوين مير ميد مركون مي استرارش الميد. ورکسته شاخه العال بهت در دورات و كوان دفار كان دمكن و معنظ قرق آن معم باطه را آن در ما والدف مي در دورات وسيك ان در بيدان دين اقيارات و وراد وف ران اكو يان كواج و داد أن معنفي قراى أن مستريات ريينتين شت باردوراً 130 سيان ن إدار و تركم عارات والمائة حدوداً ن عليوه و بتراكان و ووالين امروي المواسة و آن بشن از با احداد البيت و يك فاصح وجاء آناد واسد كرناست نامنو كر و دانا بت مرويسر و رسيد المست المنظمة على در وراوست و برون و المائة الكار دران والمائة بين مواجه و و بيسيارت عدد المراق مترست و دوران والدون المواسق المائة بين المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة و آنا بالمائة و المراق مترست و دوران المائة و المواسق و المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة قول و و أن المائة المائة المائة المائة المائة المائة المائة و و المائة مارت كرو وزفزاي إفت المهدي إسفي بن ابود وانت وباس عاي عارت أن كود می در در در در می در مها در مواند و مقات دید به در مان و مؤسستان و قبر در ام کومژو زمیان می مانند در کون میزود زمان مواند شاوم. این سن نیک در در ماد و مواند و قبار در می کامژو در مادی در در این مواند و مواند می مانند و این مواند می اماند ه وزان دلایت نفر دو کم ارزای میسها روانایات برندار سویاستهای روآمرد و و دوانسی پختانی درگار بخورت الدور نه میرویای آنها آر شیالین خود و با شهر داکتر الایات مشیعی آنی تمرشیا ان وروندر بسنام من و کمیشن کاشندوای گولات اندام می اندی سیسید و بودا فاردادی. ۱۰ این من درخت این داد کام اولیا میبید به دود اندی زارته می نام داد. مسيده محدين تسرالانتها من الأنها بن الواله في دومت م من و دوني و داري . من المن المنتها من و قد الداري الكوار و المنتها من المدان المنتها من المنتها ر من المستودي والشدول خوار ما لاات في ووفر إو مع السنوا عن الرس المستود المستودي المستودي و وونسان المستودي ا المراق والمراق المراق ال المراق ال من در این می این این می می در این می این در این می این در و قابل خود در این روی این می این این می این می این می می در این می این در در این می این در در سروک او در شیرهٔ بجل صرب با میسید با این این این می در این این می در ا در در کاب می می این این این این در این در این در این می این می این می این می در ای دین چذمال خورسلطاید نشی وزود دوارایک ایران شده مراسقه و بشش اول از ود بن تران زار دخورت شن به طالبات از انقیرها براست ، شراطای اولت ارجرا برطالدات وتدك وحض ارتطا استوالوكط ارمان فالأين القافان بن فياكر فان من بها وخود و در است اولی توسطان تون اله بغنزار و کام درس بنده بها مؤدست. کرد و درمه دست اربع مهسوله و واقع مؤا درمتور بورد تعقیر ام سلطان شاد ما طاح تا رستی برج اسد در در در و برخ که درفان برد و کوده او دود ارزه به برای کام و یک اولی توسطانا و میشکد. و تسبب و فات او تکاره و ما خدسی براد کام مرد د و مکتافیت ارمینگر و افزان دستید به کنوانکان ارمایی الم و أيند شي من واسرالها وي المنكوري في معدى را ن الالتي منزين في مكر و و من الم

الما المواقع المواقع

دور الله بيرسيطي المراس ولا من المساولات المس

الله و داست واز الله بيد المست المراش المرائدات مي كه و من الخاصة و المع والميت المرائد و المست و المع والميت المستود و المست

وي زنان فرايد و بهت باره ار آله دار د در كيم لات زوك برادة قان شاهدان الما المساوية الما المساوية المساوية الم المساوية الما المساوية الما المساوية الما المساوية الما المساوية الما المساوية المساوية الما المساوية المساوية الما المساوية المساوية الما المساوية المس

كوند بيها كام مراوه عن والوه است جها البيته معشال است والمبيته المدود و يكا الإنها و بالا المان المراوية و بال المستملة المدود على المراوية و بالنه المستملة و المراوية المستملة و المستمل

الكوارا المؤرّد والمؤرّد المؤرّد والكوار و والمؤرّد و المؤرّ و المؤرّد والمؤرّد و المؤرّد والمؤرّد و المؤرّد و المؤ

الما يخدود الما يحدث والتي مسترست و دوسته واو من أن أو با أنك با بالكم ميرشد كو مد مد تون كودا الما يخدود الما المن يخدود الما المن يخدود المن كالموال والمن يخدود المن يخدود ا

را در المراق و المراق المراق و المراق الود و الا كرد المارت ترميا و الحالي ميذا (مها من المراق المر

خراب کار برای موسد و بازد روسکه و منت به این در د د اونو واکوروم د دار قرنز ایار تفاعلت آیا و شد و مهار و درات اکرش معالی برگ د در ن دارس فراب داست داش مه ادهیت دیست میاد داند و کمه آند.

مرکزار فرد بیشه به تروی احساس فرات جهان دیرس کا زارگریت میاد داند و کمه آند.

برگرار فرد بیشه به تروی احساس فرد و جهاس به برگرا برخیانیات کارت متوضیها از این از این این از این به بازی به این با برگرا برخیانیات با میداندهای با برگرا برخیان با برگرا برخیان با برگرا برگرا برگرا برخیان با برگرا برگرا برخیان با برگرا برگرا برخیان با برگرا برگر د مراوه موروس المراور با در خاصات ای اجتماعی باده و بیات اکرائی موروز برگیر ایران که درخاب برشانی برکید و زشانی جدید و زشانی موروز کمان دو در خان بساره از در این برگیر مرکز از شار دو برن خان کند و قریب جدید باد، و درخات سازه و از دونند وافوجی و فرمه از موفوات آن مشرع فیت ما نیم در و دوخ با بید بود می این در در مربش میشان خواست مطار و دوند و قات می باد و وعالنياهيرة وشاعلي مب الدوروان صويان بهي مشده والمثل متعاده يزار مَدْق إِوا فِي أَنْ شِرْجُتِيَّ مَوْرِبِ وِرُسْدُرُ وَهِينَ فَانْ مَشْتَقَدُو مِنْ الأَمَانِ وَخِرْدَ مِنْ البن الركام ميدان با ريت ويك كوارشا او دو بريك به مرام اكا اكر ن ام الشده اكرة به هذب شافع الدو و مرسيق من الدين الانواع المستنده والمرتب مد ار دو دو مرسم سيستر برسر كوم ميدان المحالود والمت آمرا والمهر روين من والند و وشهات كوم المحت المجال با ب من ما ما منزو كوم الرزير في اكدار والدند وزيرا الرق الكام والمراتبة وكيون في الرويات بي دعدارت الكرن والترات ورشد الكرن والمرتب والرئيسة والموارث والمود و الكرد و المراد و الكرد و الكرد و الكرد و الكرد و المراد و الكرد و الكرد و الكرد و الكرد و المراد و الكرد كي صبيعان مي آني هو دموره بسيارة صفد أن كيانياً وفي شعف الدانعين في المرضية مع والمرضية جيموار والمانيت وجد مرست و ولا يترش إصطار المشكر موز است كا بش يشترون مغرز عااره أوراوجان والعباليت وقاكو كمبسان الماده نعبدا وهروزين بأوكره ويالهم المناحث در اول معنى مشاوار والعنى مشاوار فارد والمنافرة المناور والمن اردار و من المنافرة و من المنافرة و من ا مناحث حالا الدواوم من المستدال والمنافرة والمنافرة المنافرة والمنافرة المنافرة والمنافرة والمن ر و بي است كان مع ق د يواندار د د بي اشتا ، و خوزار د ياد بر ، و كا د فا تر س ر بی می در دو دو داند و دکترن ایرت کا پیش مندسون می در اساست سه دلیل در مانند میل می خود در در کفا در از قوان اورت در سابق شهری پیر و زانود نام کرم سرکروه در در میکارنشین آن دار و دراست در میکامش را آقا هران می کندار نصوار طرایی فرد آلا مهال میکارنشین شد داکترن این نیز قرانست دران دلات کمید در کرد در در آلیت بطرف Comment of the commen سيد باست انا منان مند ولم الند غير عالم وي بدواست و العرف الاست و الدين و الدين و الدين و الدين و الدين و الدي ويراس و قرل و يكو و رجم ارتحمظات آن عقت والدين و بدواد المنطق الدين و ديا و خرست شي جرود و الدين محقق الدين في بيش جاء و و بدواد المنطق الدين الدين المحقود و و على و دو و كما يوان الدين محقق الدين و بركم كالم والمعلق فاتحاد المتعدد المحلود المحتود و المنطق المحتود و المحتود و المنطق المنطق المنطق المحتود و المنطق ال والأرفي والمائية والمؤولة والمستان والمنافية والمسترخ والمراجة de printer ping contrapion in the file المراجعة الم المراجعة ا المراجعة الم رع خرا بخطائه سرّا الرم م وع خرا بخطائه سرّا الرم م حريث كم يم كم أع أن مروم وه كث وه الشراعة الت عيث الرم يكونان



عاصل طروش الدورية ومعوس كاوري بالكندو ومستدعان فرامغ لصاحت زاطم خ است. در من و از در در هم خواست و معه هم همان اوی در بادر به در در میک دود از آن در من و از در در در هم از است. و ماه در کارد ر میشناند خواد در در این اکاراک منهود با در مد کرد از من و خواد کرد. کیک جمال میشنانی برد از این کاراک ایس است ر کرمی دوره در داند. د دور دخه مهنده ده در داند. ما در مانده اگری فراید دیگر داشد م ا جرمت درارشد کام است معوق گزیهشون و برد و دکوم کامت بگزایشد درا در اگر خواست و ارش ایج به خواست بی و دوی انتخاب و برای سخت در می دوند شد. چوک بوای توجه شد کش کدر مشاری که برد است کافر خاطع است در در دوران کافر ومندة الداين في معلوا أستدري من ويت والدور ورواري الدار ا فك كزيبانيد، قار شريعتون من الأن التي في استنظامتي زيز به دارد. ركان اعلى المعاد كسر العل في الإراد في الاستناط عند والتي عالية و بالات وتسيرها لايتريني ويرام بالمتحارض المتحار والمسارك والماري والمنافي المرادي من السياح المورد ال المورد ا وبالعجاب والاست مزدان يتدحزق وواخيش الصدخا ابش شجان صقران أبن زعلى ب و الكول يورة و قوال عديد و ياد بره وي مؤسده و و جا مقا مات مسرق و الي مبارت الدوان هر باستادات بازنهادات خرادون مشاسرًا به ل « بعضهُ بي السامات معلى مريش للدان مفرض الدوان وازم و والسفيرا در بعالمات مرادون الفاسرة ( ماعلان ترابعه بساخت الفرانية) find the region of production of the contraction مهم فرد من المدود ا المدود ال ورعام بسنايان تزيب وماك مغلل الأوافل الأوافل الما والأفاعة is injuly to with a suit of the water in the state of th دران است فرسود المواد مراد الرائد المرائد ا The the constitute of the cons La College - interior second الما الله المساوية ا من به المساورة المواد المواد المساورة المساورة المساورة المواد ا ر دونه و دون دونه و دو Sylvanigodo - a ministração são and the state of the state of the state of

الأله على من الماش الأمرار فالدات مدر وعض النفط بستواطع متري وكان وكان منا و المدالات وسعاق ساخت مسلطان طبيا بسيلان والما القريمات المراقطة وبرامية و ودران فلاحت الشدة في الوالي المخطوع الأدو ورجان خال كالرادي قديم را له الميت ملطان المدين بسياسية في والموال كان مناب الدين في تراكف في الموالين في والمركز الماشة والمراقع في الرود واست يست ترعمي في من المنطق المواسية . وعقد نارلی دُنوان فکلسته یزوند و میوه و آوای شد میکیدد منوی و مطالب واز امل بخ حوق دیرا دین چها و کیوار دیا مندونیارست ککیسیا و میری ومنطاست و اعتبان و اوایی و مهوبلها والمشدهن والمن معددات ومعت فراروا فعدد فارت وسف نداست دادست قرامان کورست ای بیشداست دوره تعالی زاران مان دادست شغرا در میرایم در میشد بر در احرام خرد در نداید ست این کاست چهدنده داده داد در این با میشند. با در و میشند در میشد به در میشدان این این است چهای کاستان کارار میساست باین فرد داد انتر وارد از در میشد به در میشان از این استان کاران ساخ چهای کاران این این این فرد داد انتر وارد این در آن بار دارات الراه فرائح م است دوران شروا ان فالرساخية وداره در داوله ما داوله والرواح در فراز مرکبرگری فلدششهاسته دارش در السنده می ازان بیمار بران آب او دارد در فراز مرکبرگری فلدششها شداد چاک و پرون کسند ارمنسده دیند و دارس دارنس آنگاری جهندهار استرایش میشود. ب كويت كاد جان المناش في دران بات المالية المالية المراجعة ومن أت ا Cyman Vingre - in in the contraction was ما در در کوروبات میداد و تکویک شده وقت من فرادان ار در در طرف کایک شیخ او کران شار به در در کوروبات کرد. با می تفد کو در ان کادر ست انگرد دسیون فایم اردان دسی شیخ در میدان شده در کوروبات شیخرس دادر می شدند در چان شهر میرم هر قران است میشدادی ا فاليلا الخابيث وسارده هوق واستشرفاه ومستبراه فيدست الدوك مشركا كأثب وبوالسن بسرعال حقة وامثين ثاره وفاع انسونا وستسطوط سنووج حق بوايش المنظرة والمسايك والميانة عليت وبالمنظوة في المن وا رنبت إست وميكستنا بوارند الغرادكا بررست ولانا مطالاي لها الدوارسي كودر كمششفه دمين سبت اكريدول تعبيات من قام المترجود فرد والماست في التي العالمية خفر كورد دميركم والنمادات في تضيار شرى مساست من قده والمرتب و سره ای بات تصدیر موفون از خرا برها دات سطح و عرض خواست الشاراد با ی و د اروبا سیان در است شری در ایاست فعد از است کا داد این از این این این این از این از در این از این از در این از در از ارت ما خدخود از داشته خده درما در فراد دن ایست دار می النب از آن این از در این از این از این از این از این میکه در خدود این از در در نیخ نیخ رست دار درمان بیت شد به کار این این از این از این از این از این از این از ا هت فراد دنیادک شرخه این می استفات موکن د دانش بیت این از دیک . خراب در میزید برسه می فرانستان کشت می می کامک شد. در سازه کردهای ر مع الله الكريم كم وه و يرب المربط اسدادالنا ليدها تباليطالب فالسيط المساء والسعام وآذا عظيمترك ارغد كات ميت د معالت ده اینفردس بالیت واز فلدخ است حق د وامناق بست و فراد صود نیار. کلیان فلدان و دشری کویک و برای آن نامه دوارش بسروی المیت بصد دار د در از ترکیع للكروا فاليران فيت والمينة للكرومش الفاده است وولايات مع برشالت وابار ع مور بيخار إدراى، ومدولنس والرسس والروال وقد معلم عادا ي والنائخا بوك ل مدة كان بوسيل عزاج يا بال مد مندوا من الأكروا فالرائث أياب كمينان وتومان الفاظ مبتورت ويواليت مية ل جدود أرت الاسترود والمراكزة د ادر با بان داران برمستدان المشارا "در والدوم آسیکسی دعوش (زرار) اتنی الایت افغا و در الفک آن در ارشار الفار است حق این بیشن زندون این قرارایشت ومان إين والفور ما مت وكون مي وقاؤمان مت المفلاط الانقياء رمامت والمثل العبالي ما كالمستولت مشرى فضارتن لوده ووكولت وغالب فالبيدة فالإلات العالمادا جزار خالدات ور دومول عطام ستوالح كفة ووالبش عبد الست واختسان لسياده وري إليا ورصوده بأوبكودرميد درمورالانالي أزاه أبريخ النبيب ويمرث وكريودة رمیسیاد باشدهدی به تمشیری و دیگرد در با نشده میادست. اسیرانسیسی تشیری و در میسیاد باشده میاد در میاند و بادست ایرجهیشی شیر از برا نفری آده دارش از مزایر در میسیسی نیا در کارد میاند و بادست ایرجهیشی شیر از برا نفری و دارش از مزایر ه المساملة المسلم ا ما مات المسلم والمسلم المسلم ا الدولة عالم المستان المنظمة المنظمة المنظمة من و من و و المنظمة ا مشده می دواندنی بدند و بزاده با رست روطهایی نشرانست دهای نشر و با است برد. ده در مروز که کادار د جو ق دوانس سیزاد دنوارد دوانست دیندست آنوا د خر ترکی در در مید دندرت خیاب میرانت می درد ترکی دندر از دندرت نزد. در در میران درد دند در در در ای در مات دی می وی وی ت وصور فرارة تدريد ا حقام آنیش حقام آنیش مود می است می در است می در است می است می در است این است ع مرد در المستقد و المراد المرد المر دوديد ويارت عين شريد مع استام قد وتمشى و توميرا توميد ويا المراجع والمراجع والمراجع المراجع المر ه در است کولت ما زخرار فالمات موجوع تا المفال من الح م واکون فکوزار و منظم ترکی حرقة والمشرب وكمزارة نايت حران الالقياب ماست طائه العطارة مهادم المساول المواد والما المواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والمواد والم عند ما ما يخ المدت والموادات والمطال مثري برك و والمواد مثري والمواد المواد المواد المواد المواد المواد الموا المواقع المواد والمواد المواد والمواد مع وعوز الفائل ستر المن الفت بريدها جائد في حقيب الرياف المعالم الرياف ترا منيده وورستس كالزور سيسد و رنجاه كام وعادي او الريش جاء كواتر الله المراج ا ا زمزان هم ان در در مدن که برد دفاوت منیت ایرام فلوموات از میشاد مود است کامید ایک بولایت از برد موجه برد و زمین دارد او کامیان و در است از در در در ان و مه شام ایسان به از در در ایک بولایت از برد کی در دو دکتر ن میشی فرانست دوسی کیاد افت میتن در در میشن ششده د المال كالش فرويد الذكرية المنت والمناس والمناس المناس المن عنظ رويا بعدة فيارمت شاور الألقيم بإرم است تبادين فرورا ما أي وفي

الان المراح الله الله المراح المراح

1127

ا نظمه بودای معد ای در در استان بودان از در در این این در دودار در در ترای می در این است کادی و در آن است در این می در این است در این می در این است در این می در این است در این

Sie in the second

مغرورالسنا مرورا نياست بوها بند وزي مترود وميان آب دوراي ايدان والني ايدان والني يقود ورج المجرود م محاولات والمواري المواري والمحاولات والمحاولات والمحاولات والمحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمحاولات والمحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمتوارية المحاولات والمحاولات وا

dit.

در بستن مقر العلمة و باستندی از ماده و اداری در مقال است در ترای او استان مقر و مسال می در مقال از این می مسال می در مقال می در م

ils

عُ إِنْ كُفْتَ بِيرِي رِعَادِ عَ إِنْ كُفْتَ بِيرِي رِعَادِ

الا مرد منه و حال من و دوای محتران دوره آنست به این کار برست و حافه دور خاه و نیز کلی از مرد من از دور خاه او نیز کلی الد مرد الم الد من الم الد مرا کار الد من الد و الد الم الد مرد الم الد من الد موال و الد کار الد من الد موال و الم کار الد من الد موال من

المؤومين والطا

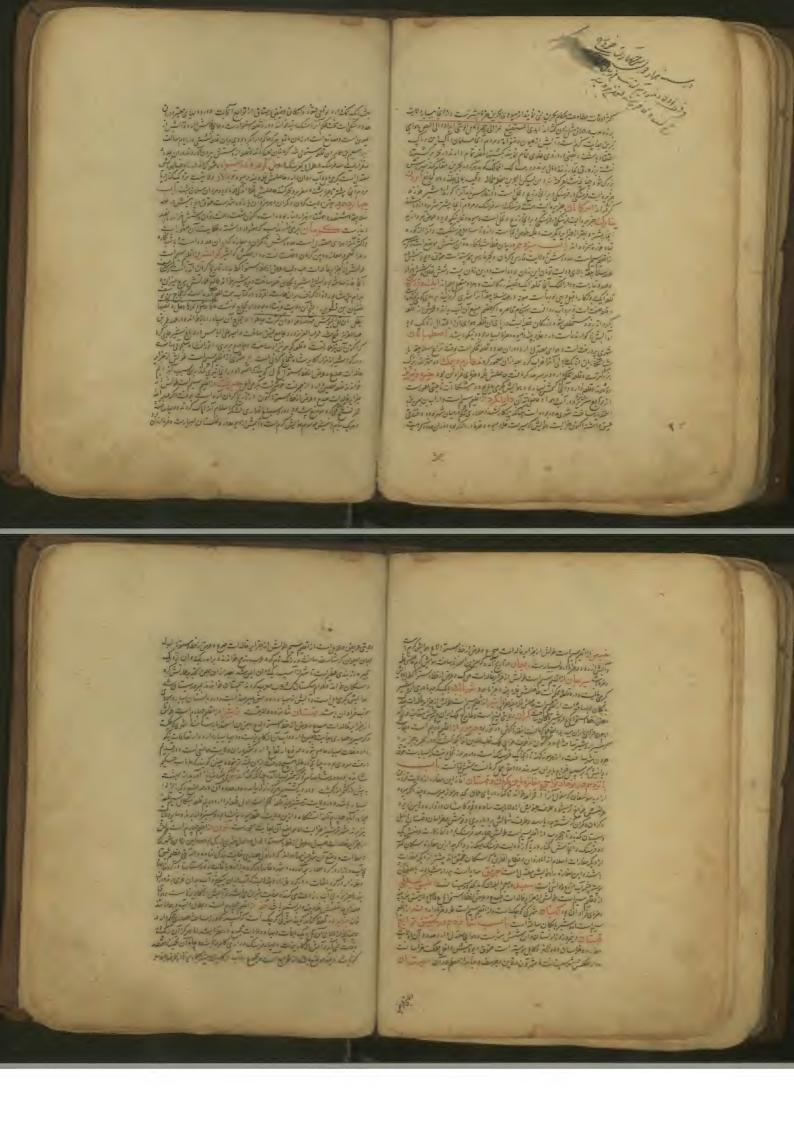
المطالة والمراق الماس من الدون الدفع المستوالية بوكي كورت بناوكر و و والتي كمين المستوات و المنطقة من المراق المستوالية و والمنطقة المراق المستوات المواق ا

766

سامه تا مي در الراد و كافتي كيفا المه مده و الما كانده و الا المراسك المواد ال

ا من داست را منظر براس آرا بارخ وا مند و برما ن صووف الداست محاله المنظمة الم

سالان و به كلان و برسوش هون و فيطا و شن و و نفر به في دار في ادار كان و نشير واله المراح و بالمراح و بالم



من الدورة و و و و و و و و و و و و و الحقال المستود و المتعالي المتواد الما المتعالي المتعالية و المتع

در المن و معاده مرترسا فشد من الإرس الرست كود و المن الما و الأرسال منبود واست كود الرسال و المن و

دون او الناسخة الدر شيري كويك است و و لا تي اسيا ، از قراع آ است دفشات كوس بي جمز و

الموروج و الفوان و لا تست و موض بسيا و الده و معيقرة باشت ن اسيا ، و المورو حقر براه

الموروج و الفوان من الموروج المورو

داد من آنا و مسيحان با را دون است وقط الان حبر دو را دارا و است رشاه مها المرابط و روا است رشاه مها المرابط و دوا است باخر و و دحات هما والمساح المرابط و دوا دارا المرابط و دوا دارا المرابط و دوا المرابط و دوا

331

وتحصيب المرتب الأرتب والبتان مدوران بالراب حزاب ن زویک و دوان تا و بازران و میاه موایدات و در ایش و اوان از ایران از ایران و ایران و اوان از ایران و اوان خوان در افزوریم ایت وارش اخرار مالا اسم می دون آرفتهای و الدل متری کو مکیات و فاده خواده می کارد و استان در انقیادی می است طالبها در اوان ایران و ایران کارد و ایران کارد از ایران کارد است و ایران کارد ا

ر است سه ۱۹۰۱ و احت ن فراد این دارسوان سیار ما مدس فاد میداشد خاد است از قواج خاد این میداشد می داد میداشد و ا می در است از قواج که این از در این است از می میداد این است که این در داک خاد دادی در این در این این مادی خاد می داد می اداری شد آن این امیران می دادی می در این در دادی می این این این این این ای من من من معلقا بالنت باس من الدونا هر والبه بيروات الدون سالدا بي الا الدون ا دود با درال بود و دسواست الا طوري و استاد الشرائة بنا موسا و المستار و المستاد المستا على المساق المدار ما مستوات المثل المساق المساق المستوات المرافع وحوق المنظام مع المرافع والمرافع والمرافع وا المرافع المبلوق ما في والمدارك من المرافع المستوات المرافع والمستوات والميثم الأولاد المائم المرافع والمرافع المرافع ال 

Red ate

1919日本中央は、一大学の中でいるとうである。

ا آمِنْ از دو دارس بسنر امرد و محکومت منیزات در حال جدار میآب از کار د منورهٔ وی . از قادرات درجه در آنجانداز خراه جنان برخیز و در امغان کونجو و درفت باشک متحالیم در در آنهای کند بارساکن فرد درکرات از موده منده است حسب این از مقیم جوارس وافعان الإبرطاء منه في عامض النظام ستواليه طهورت وويندمات أوأليك مقالت وأنها أروده المسلم المرافق والقرطاب يكوناك السطال الم عدد استطالها زجار طلاات ووطل المفار مطالب الدى منى كوك مراد از المراد و المراد ان کار در استان العام من المورد المواد المورد المورد المورد المورد المورد المورد المور و المراج عند المورد عاصلت غلام المورد الموادات كار كورد آمرا و وكند ال كورا مدرد وزناك المرسد المورد المورد المورد المورد المورد ا عالم ما والمود و دارات و دارد و ابرا دو المعان الدارد و من و دارد و الما والمرابط المرابط المرابط و دارات و د المناه المرداد الميدا والمراج المراج المراج المراج المرداد والمرداد والمرد مات مدى الروسية التراسية التراسية التراسية الماسية التراسية الترا ما سیستان و بای فرط کشر این می این می این این او او دو در می از این دو می این دو می این داد می در می این داد می در بای فرخ کساست مدد و آن و البایت از خدان و مواجع و آدر با جان دخو حرار بریش به حق در با در می مرحلانی ، ایران امر و معنی ۱۶ در در کوانا نجا سیستان کی در بازان مول میدند و در بیت و در می این ایران امر و معنی داد در کوانا نجا سیستان کی در این مول در می در در و در می در این امر می در از کی می این این امران این امران استان می این استان می در می این استان می در این استان در این استان و می در در این این استان و می در این استان و می در این استان و می در این استان و در در این استان و می در این استان و در این این استان و در این استان و در این استان و در این استان و در این این استان و در این استان و در این استان و در این استان و در این ا

من معلق المستان المست

و من الما يقرم المحالة المستوار الوابية و المستوار الموابية و المستوارية الما الما المستوارية الما المستوارية الموابية الموابية

الم الموادة الما الموادة المو

3,80

من الورد و در کی کوارت مراد من الوراد این مراه و من و در کارا و این مراحق و در کارون و در من ال و این مراحق و در کرد از و این مراحق و این دارد این مراحق و در کرد از و این مراحق و این دارد این مراحق و در در دارد این دارد این دارد این دارد این دارد این در دارد این دارد این

18 Er.

اری آجاد می اور داده این تا بر کاهنده و دونیک دانسه این دولیت دیاه و کونیک دو نیات اور این تا بر کاهنده و دونیک دانسه این مونی درنیک اور که باط قد خاص و درنیک دانسه این مونی درنیک اور که باط قد خاص و درنیک دانسه در این و تا با دان تا در این و تا با در این در است آباد این در است در این در است آباد این در است در این در این

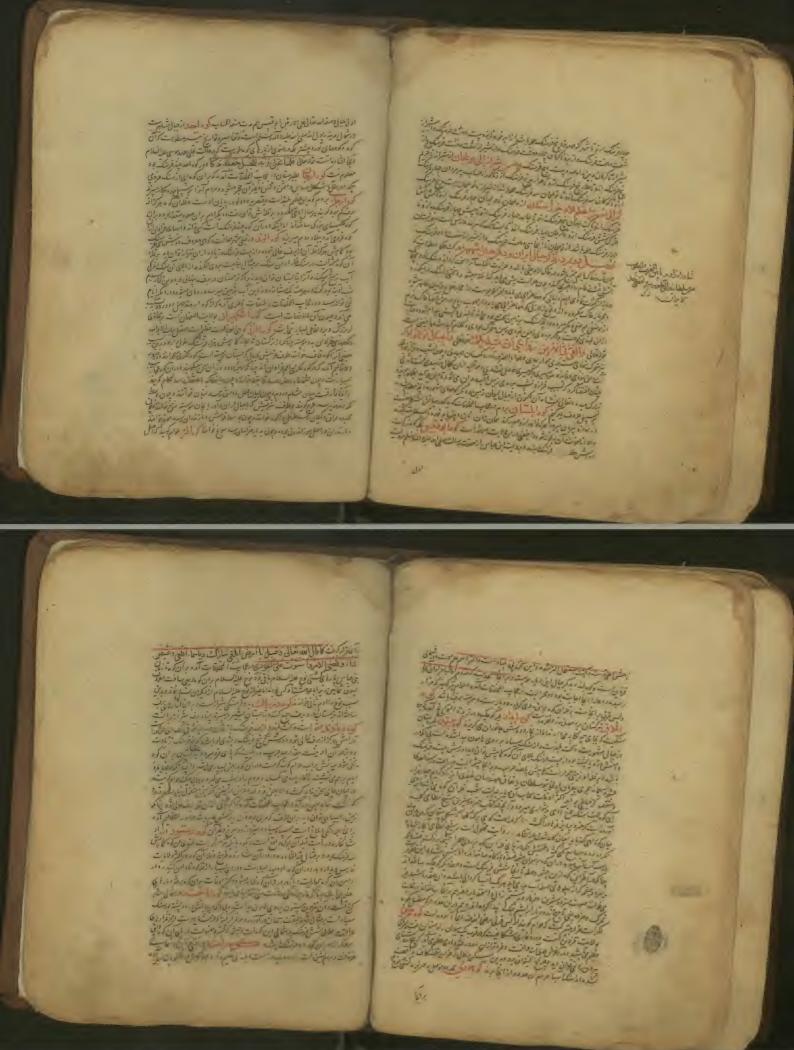
خاص حلالالدين رباطي وكوكراه داست علي باسترعيده فرسنك ادنين مرط راسي برسث جيب يرهم وزؤ تأستراه مان جمار قرنتك از وتامعيدا أدهار فرنتك كريوه ورادات ازويا سترتبر چه ونگ دواشدهٔ مساید تا ترزیه کمشش دنشک شیر بیزها که این نیا کود د برز تا برخوان و زندگ از ماهن و داده درنسک از تا میسان ایشش ونشک در ونشر جونك وزئ مدارى سون المرزي وسي فرنك وزيك وزيالا وورد وسنك المقامة المغوام لعدد فرستك الوقاليهاس هما مونسك عقرا شدادا وزغان يسواس a property of the state of the state of the state of ليرون المريك فيارياه والمورو والترق والصويرين وللفاري أف والترجعة والدواب المستراث وينطفه المساولة المستوارة أبوك والفراسان وحوايث ووبوجيشي متبريج مركا بشدبت وجار ورنكا مكراً يور الواصاحي ويشتر فينك ارة المراوانين من فريك مدر كالما يتنام معانی ارد آمشن ده به فرت هرای این این مسلطان که ساده جها و دوفرت در این تر زاده است به مسلوح این مین مان از ساده آداده دوفرسک و در با در مشتری نبای این می ناکه آن دوان دوفت میلوت این ماه به کافتان بست بیشته و نک و میگراف از الاست The man in the state when the transmitted ويك الماليك وشعر فكسواء ساس الاصلاب المالية ب اربسين أاصمان مهار فريتك مله اشداد كاشان اصفهان سي در دور منك وا

- Burgery

اريس ودروز الجوعلى وغرار وأسرانب درونيك انواس ان محدد فرنك اروابا ياناه فرف هر باشداد من الرائب مسعده وه ورنك وارتشرانها ود ورتك والاعقال with the print of the wind with the way با نفذ دهشتاد درد فرمنگ مرتبس سترانه ال کاله مون که دلید بازشر از اماطاحات اما چ فرمنگ اوراد نشد در ن میشته و زمانسانده در الخدر مرکز در عال بستر و زمانسان و La Constinuonità in line to ma Lipronis راهاست و مرده كرويا سخت فله لمت ارتشيرار تكالماره ن ميت ودو وزيك وجريشها الح مع وانسرار عربتان دارده وسنك ازوما مرت من وساك الوماريمان ف فرنگ اوزا دارهان مت فرنگ داری را بی در تناس ایشا کار در در در ای رات بر فانظرا والم على مارون المان المان المان المراد المر حرب ونسك وزوا كال سنش وزيك الأويار وما ق رونك الذوي برك رونيكان ما بات و الشوري ادر ما جاء جهر وري در تا در رف وي والك درور ما در المراسي ارند ما حیاد مرحدلا مهار فرنگ ارد کام بود دراب جهار درنیک مجایات از سنداز میم موده برندی در اساع و می سند از ایل منسا محال ارند از ناد ایکان موجه و در فرق درگ ارد کام ایکان میکاندا محاله است مهار درنگ مجایات می درخت و در کارد عروس خرادًا في كولت بطاق الي تحدالي الغيران من الدارية برشته زنگ اردة خوانان دهار دوناک در دوناک کارش وزنگ در اجبور شرخ دیگ اردی وا حقر خودنیک ارده استخان مست فرنگ ارده تا یک بیشت فرنگ از دونا خرا ایک برشته دوناک اورده برده کسیست خرنگ اردی تقرایک میشد وزنگ حوابات از ایشوازی مرتباک ۱۷ وزندگ در دادی در دوناک از دونا خبرتسرجان با محال در در فرنگ اردی از کارک سه فرنگ از در مکمن سرفرنگ از دنا شهده این اطان فرماند بنام در و فرنگ ارد و تا ساخل مشک اس فرنگ ارد نا شهرا بروز دو از دو فرنگ همایت از شهراز ما و در می در

تسأل وقن هم الا والموقودة ويشر سيزه وزنك اروا ويه فداسش وزنك اروا الموقا

معنان المحافظ المناز المنافع المنافع



مر المرافق و المرافق المرافع و المرافع و المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المر المرافع المرفع ألافيهم الكاف والبريشك والاناوي المعان والمالية والمساورة آن غريره دم آن ف را الريسك ا ما دو ان دو اي منان ان في مدن المراب بد و بران مراب بد و الريسك ا ما دو ان دو اي منان ان في بدان المراب بد و الريسك ا ما دو ان دو اي ما دان في اي ان المراب بد و الريسك المراب من المعلق من ال امنی دید کی طاق معرف دوجی افتدیات و زیادات آندگاری کوه طاقیت درا فردگاری آزایسی داکوان درک او معطود نیا کارد دک رابط دران بینی و شکلهٔ مواهیرکارد در معاصر ایر فکی او و داراویس را الله والمنظمة كله الله والمنظمة المنظمة ال (" - while we will be a will the souls مَنْ الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَمْ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَيْنِ الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عَلَمْ عَلَمُ عَلَى الْمُرْزِعُ عَلَمُ عِلَمُ عَلَمُ عَلْمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عِلَمُ عَلَمُ عِلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عِلَمُ عَلَمُ عِلْمُ عَلَمُ عِلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عَلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عَلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عَلَمُ عَلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عَلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عَلَمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلَمُ عِلْمُ عِلِمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلَمُ عِلِمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمُ عِلْمِ عِلْمِ عِلَمُ عِلِمُ عِلْم مندان بی بر از این می از در در این می می بردن بر به کشور سرار در در این می می بردن برد به کشور سرار در در در ا در این با در در این کرد این با در Haring the property with the continued of the continued o The second secon The control of the co مراد المراد الم

ر است درین مک ایران بولایت مشروا مفراسان بودکسس بهترادان شیست معدن اولایت احمال م ورايران فمرارين معدل طفاشيت معدن سيسان والوادم تأورت ورعد وساطن طرايروي ا كان مامو كله ار د مستك كال كار ادام بمشتر مسك ما ر فوان مسك كود فن يوى السيك يين نواد ( دارن بدانشده مناكوشيد تعرفسان به ميشد دهاوت بن آندا طري أنت بزرگ نشد و عدمه و ايان درون و برانشده با مستركت به ليش بخزانسلوا كليدشد ا با رق هام ماه در است چیلی هدان سرست می شدندن ایاب سن امیرا و میشد. شاه به اطاعهٔ و در ان مام به سری بی کداند در دیواسطان طر نروان خوم را در ان هارشکت کردند و حرام آومشرجیسن طراب اعرام کا داکر در از وقر دیجر نزان، فیست آن معدن را بهت مداده ایمن این به در دو و چگ و مرادی با زود ان سبت اینم موسدان ادرایجان کست میجود به این این به در دو و چگ و مرادی این در دوان سبت اینم موسد، و فتیسیست بر رئیت و مرد مهدام و داید است کوارام است و این مستدن به میشن مرد سردا و بست را این جوی دو را زمترا است کوارات چی نبات و در کارات و زادگی است و زادگی در در از از است کارداران و در است کار است و زر با نکرت و مدر میسیدان می کند از است و قدای امال مستدن و از اماره و این میساد و از اماره و سبت و این در و در روسیده بیشتر می بیشند او بهر امارش و کارداران این می برداری و یک می می می از اماره این است و این در اماره این افزار مشهر و میداد استان کرد و در کردن این می می میراد از کرداری این اماره این اماره این اماره ا الا . فردان سب آنج مورسه و الا مل ما تعلق الما من دراو کان سب آنج مورسه و فریست مراسی در و کارت شرخ داد می مورس الما می در در می مورس الما می در در می که در این مورس می آند در می که در در و می که در این مورس می آند در می آند در می که در این مورس می آند در می آند در می که در در در در در در در در در می که در در می که در در می که در می كور هرفت كره ن من كور مستان آم أكو مفترة والنوسون كلوه الان تركت ن مريزاك ، المواجدة المراجدة من المراجدة المواجدة المراجدة كالمراجدة المراجدة الم وعارسة كأرا وباوالفرسة كادوث فرافرالورسة كدودالاس والالسام ميسونا ومشستر معدن او دروم و دايدان از بن برعاس ترصور ف بدت ميان المرك دي بريند برانيا خرج كمنذ وال الديميش او خرود مري كهب مكر اوقات معطام شد ا و دي ساعة و بريند واي عزم کسده ما در در بی کند و قبول بر کاندا و و بن نفره و محالت به با در می ساخید مرجد دادی کند و در فی کمتری کند و قبول بر کاندا و و بن نفره و در جان ایسا بیشتر و قبیری نگورت اطرف معرفی مید به در در فی شان الایست تا می باید و تنظیم و بدر عز اظار براه می میدر مید را می می میدر مرکبی ایران از در مرکبان معدادها میزادات ما در بالای می و در در از در این می می ایران ایران می در ایران می ایرا به ایان آمین برند مرباب معداش فرادات آنها می میران کود و داد و داد و در این میان کار در از میشتر از است ایران می به بهامده و د خود کی فروند و اوقی در این وجروی بری بری در و به این بیشان و درست ا معاون باد کاشت مسل میش می ویرش کران و درست میش بری با با مین مجار از مین میشد معاون اولایت دفار مصافه کران و فروز د فدار صده و میسید در بری سب خاوت دفتی دارد معاون اولایت دو در میران می میشد میشد و کرش کر آمده و مین شدندا و در شدن بری است معدی اولایا و دو در مران اور و کاری فرسید بری در در میشد و در در میسید و در است بری این میشد از این میشد از این كروفها والمعادات والماحوات وكالماش كأاذ فعواشيد المعدودا سندگذاری که مناوعی میس فارد و افغان افات و بریسه این مورث میست برا افغان و فای مدان سیده از و از موده برد در کرسه ما در استان و در این کافیست و در استار برد سده می آمد از در است دادارد. آن و در این فراند و بدر این ماندست که میشندگان این این در در این این و در این این و این کاف می و در این در این در و اندر این و در این میزند، در کراد میکند می و در در این والیت و کمک سرس در دادار این این کی در politica (18 f. Line of the many to the property of the second of the se این شد که نوسلمها در این به سند در برن که کمران بدید تر ناگران فاک ادمیدن بروی کار در داخشه به تنگری می به بیروی کار ساختار ناگری کار در در شاه دخوران کار از ناگران فاک ادمید ن بروی تر سی را زر بیشتری کار بیروی کار تر به اما ان میدید معدان کور در این میدن می افزاند کهر میری ن کر که یک فیق زنداست در می فکهها با شده کدورت و معدا بیش فات بست ساخت می این می است میروی است در این افزان می میروی بی چیز بیروی بیروی با بیروی می میروی به در این می وكرميوشي كالدوكون المدوت ومروت وراق المجرى أم والتناوي والريش أب الم روأب اعلفاء وسودن بأنباق خمواب الإنجاآت جان مرمج منذكرات في بنده مراآب ي الاستيدد ون شريره د مي مراد ، كار من ميدن ين ك مر المعكما وان ده ترسنزگال ا کرد به در در در گروان یک مراض در توانع اندار مصن دکتر است مریب می مرتش بسیانات انجاد این ان مستد مصدل برد این از توانع مشاکلهٔ حکومت کراد و قوات برکلید وجون مرم مخدمگیرد در دارم مهای گشار نیومهای موجوان و شده مصدل و برمها با فران به ارجان فارس من ن فاراح المنظمة ون ليدا و و و و داران نين و داران من ن بها الماران من المراد المن الماران المنا و دراي ارتفاع من المناز ال ه در مصالت کوده و در در دولات اندکس شرصادی دارد ما میشش کادند اکار دارا ایر میدی و صلاحی میشود برم برد ارسینی معاولت اما برست واقعی اندون میشود. و در قاصدن سرم میشود برم برد ارسینی معاولت اما با برخت واقعی میشود. مسال کارد دادند ارد در تسییت امیدن میشون از کاری دادند از در تا بین با بری به دیدند کارگذار ا الأرافية من المدارية في المنطقة في المنطقة المرافية المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المركز والمدارية المنطقة المركزة المنطقة المركزة المنطقة المنطق ا احق مر است در خدا در معاد کش ایدارست در او آن مجال خود بعد منت به در در دولت آن از باک بدر کشار چی در ایجار در این کرد در باشت ادار برانست بادر این در به الدور المواقع المان المواقع المواقع الدور المصل الدور المواقع ا وه بن این موضیه های به مرسه و بد صدن که هدام فرص ن در که المجدود و امره این و در است.
در ان رئیس نموشیه های جهر مدن به در در حان و صدن کران سرنم بیشد استی خوان مرسد ان در در میران سال در ارتفاد این موسد ان در در میران سال در است ان مرد کست با در در میران سال در میران با در این با در در میران سال در در میران سال در میران سال در در میران سال در در میران سال در در میران سال در میران سال در میران سال میران سال میران سال در در میران سال در در میران سال در در میران سال در میران سال در در میران سال میرا مع وذكراه مان مرتب معاد رئيسياره اره ورصورالا قاليم كوبر معدن البيس عامراه المرشد م التوان المورد الم المورد ال

1

 الارمن الحريث المحرد المراس المكل منه اتعالیم و الفته الكلامية و المورد الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدور المدور الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدور الدوم الدو

الميانية فرود والديادة في المرادد \*\* بالمنظور وازي بالمرادد المرادد الماد المنادل بدرف الانتخاص المرادد الماد

را برخین است و اکو کورش کونوان و دین بسید داران عظوه فراد بود و سید و ان کهداد می این دور برخی و ان کهداد عدود می این دور برخی و زندگان از از حاصله الدو و ان بر این دور برخی از از این بازان می جداد و دو این بر این این بر این از از این بازان می جداد و دو این بازان می جداد و دو این بر این از این بر این از این بر این از این بازان می جداد و دو این بر این از این بر این از این بر این از این بر این از این بازان بر این بر این بر این بازان بر این بر این بر این بازان بازان بر این بازان بازا



مرکاداند و کو ندم بحد قادیم شده به دادان آن که دو است فرنگ به برگ برده ده فاده می اداد و کو ندم و هفاده می اداد و کو ندم و معاد و برای ایست و دادان به این خوا به در این خوا به این خوا به در این در این به در این در این به در این به در این به در این در

المنظمة المنظ

الكهاي تروالسنان وي يزوه وي كذا والسد خدولاليكس ويسترا وفيلو وكال كذرو ويستاده مردات ومدكان ومراريدان أسانه ومدار موال أ والمتأون المتعارض والمعارض والمتعارض والمتعادة المتعارض والمعارض والمعارض والمتعارض والمتعادة المتعادة والمدوليزوره بالبردول كالمرجعة المرجوات المتألق متدوث ومكيات ال مقاب افدال على وكالمبين أب غرب اوكر دور وسين الدوك وكذاب مراد ع ديد وروهاب إربائي للمشاعية أميسا أبرات ودامية وتأني والميانية والمارية باشر البسب ستاركان ازكور ارمك برمجرزه برولابت كركان ووث وستاق كالمشترد بكا برمزداً في زنگ کاران به ماني درولتن وزنگ ايندگ جرد ارماري بري زرگان ريدونه فيلارت عدمان آكسود دروي در مي درويار نيدولتن ندور دريادات ت آی زرگ گذاراب و تانمی در جلالشرایز دو فرنسگ آب حواملان اگی فرکت در گره ترکهان بری خرد در اراقی هلاست نوشجان و آن معد در رامنی کرد ، کمدو د حلامهان و افر در این می میراند و اراقی هلاست از میان و آن معد در رامنی کرد ، کمدو د حلامهان و افر مرسامة بالمريد والمساكن المراك المراسال المالية ومجذه آل زكت دور بزت بوري القدة الش بالزي بوريد ن ا وزيك بالشد ي النيالي مرم يوزي أي ورك والتقول كوكون والدارس وموال المناء بحيزة كالمتروث ويؤم والدوقان مقارب أساكره الخاشد الزعبال وربرميخ ووربطلات وصاع حت ووية لك دائب ودروسان بيده وماسيان دره با الما فولس فرنگ باشد و دواین آبد فر داند داند و بر منعق از حال میان آن مهرو داری فر دانا در ایس و بدواند کرکان مرکت در در با اقد طوایت آب رکانی اید الیاد منصر در مها هم از مرکز است ملیدا زمینداده از مجدود و این مرکز و در در در فوالت مرکز د طالب است در منک باشد و میسید از از این این امریخ دو این شمایت کرمشا در الیسا آبان فر

مراد المراد و مراد المراد الم



شار و به با من مراد الا المواجه و دون الا فراكسة و المواجه المواكسة و المواك و المراد المحالة الا الا المحالة و و المواجه المواكسة و المحالة المواجه المواجه المواجه المواجه المحالة المواجه المحالة الا المحالة الا المحالة و المحالة المحالة و المحالة المح

در المساحة و المكندة وه و بعده من فراك آن است فياق بركويد و و المساولات و المكندة و المساولات و المساول

مود و در بایم مرسد او در بای موسید و داران نیج مقاقه در این در این این از فرده داین می در در در بایم مرسد او در بای موسید و داران نیج مقاقه در شده در بایم مرسد او در بایم مرسد و در بایم مرسد او در بایم مرسد و در بایم مرسد و در بایم مرسد و بایم و بایم مرسد و بایم و بایم مرسد و بایم و بایم و بایم مرسد و بایم و بای

د شرق گینشنان ادیا ۱۶ هزانرا دکت مایت می گردداین روایی راین در نشت افیا دراین در با که دکردت دریای فاکسس و مجافزه دریای فرنگ مجادی ایرانست محمق دکران کردایش ا بران رسته که چون ده می که وی از که این اوافیت ده و میزاد دشتر دارد در در کشواد و از در در در در در در در در ۲ سیکر و بهشره در میشد در در مینی آمدیجون دانید شاش پسیجون در در و در در در دارد در د حالی آت و کا پیش میر که دادات داد تر سرات میرد مشخص بالات دارد و با بات مربعا دو در در در با مواد می آمد مادیک کمان بر سدا که در در در در ا والمروانيان والسن وروز واكن كورسته النال كروا كم جوز ويسعون كم والتن الميال و ای ان عاصر ایستد ما المای مجمد و دران و دون می درون میش فرنسک و درستی فرنسیا سرد یک و در است می در در در است از از ایستان است آمید این مجموم شرون است بوخت جار آرش این وجود و بالبنان وكراته اكترا بي شنزاز الناميا باشده رميش سورنكا بشده وصورالاته في المساكرة مرسک است علی موره مود بدلات وارس بار موکو که است دوستان و مرسک است. محارف بارست علی مالی دارستان میان ایستراد در مرسان است و مجلوا کسان بارستان است. May propresent the regions ساستراد العارياد دورك وداد ورك المعرف والعدير المول الموال محالة مرده المعودات بجروا ما مهر ولات فالمحارد و المعطوط أن المتقارة وروس كمونسك وروصاب واستستبين مرفوا واستدادان بولايت فارس وينهاوا interest and some of the state of the state of the درياى الرأون المرود وبشور ووالخرارقان والمعيج والماس ومساورات وورفيان ر المراق كور ما المراق المن على مؤلسة المها ي جنوه الموق على ودروي مراف وروي مرافق المرافق المر وشر فأطرفنك دات ويواسي وسنتن أرووي إيروى ومرد ولسيار وووها للشش المجهوم ر مایت نگیر آدر سیال میسید ماهید به داشتند و ارتشار مؤارات مدال دون ارتفایسترا محرح دن الدرنز اکریت شد و میزنگان باش این تقریب و آدراین آزاد میش کدشته روایی ب رنز دا آن دنیالترسن ادامه و مود والغرش مه بی نبالنظ بن و آن بن قرح ن یات بناً گرخ به ایسانده به میدند در این مناسل مرد الغرش مه بی نبالنظ بن و آن بن قرح ن یات بنا کرخ دارد خاكا المن المندوان وزيد وبنب وكريرات فرا ألحت دورس ورسك وو عرات دار و موزود نا تورس کندون اراب میدوارای میداد کشیرت من الاستان این از میشود این میداد این د امدون استقال مست شده درس کاسالانگ مودکر و از قر میلید دراسی کوارد و کرمید می فیتر سروداند. خواسان که دو دو است کرنسکه دار دو دوی درگر است کر مینا در دویس مرد دویش فرایت از بت آسیا کرداری و دویس دادی آن کود و ایراندارند در مفترش نیز از کرمسه در محالت است کاراز کار داری در کارد کریت مرتبورست در نمت و رکنده است سدن مترحارا و کوسته تا ن عشرتاه باشی از تا مر در را در و را هذا او تکفین آن هاویژن داد و ارتسام بهش حیدار سنده ایا زیشتره از و با چش تبلون سا مساسرتران جة كلادات و تركم ارس كفريد وعليه القل مات أنده والعرب بالله فالم دارای ترویل این دارای بیش هام مرمعی که ایسا الدوایت دارای بیش فان مک نجه سرد طافان دارش نده سالان ارستا و بست بیشش در نر فده آجریشی میرمد کر ارد و پیا ماد لاهاز در دوستا و کی کوب بزرگ فرد می واسد و عین در این به سبت و لوگ ی ورنگار در دونی شود و نگ به برسته اید و در دورد برسی دونی از کیان کیرا والمش كالذاء دوزا كور فيندلهترى ورسي حدار الميدندكرارا وكاحاب الجرج والموح ودوالم المست الاور ه الله المان والمنافع المن المن المنافع المان ال والمنافق والمتلاطع والمتلاط وا من المنظمة ال صون دُول ولي و فارسي دون أسبطام والمستشيرة أعار خال خليا جراوية والرون فليد توليد أم مندام ته با رابع سعید به نامی اصل مه در دوی منتقد کشته و بان کاری رستی باز ما کاره ا سده خاکه زود نامید ده و با بروازشته آنین و فلط فلهروان در درجانه و به نامل میرایده به مند را نیخ کارد و من بهت رخ کار در مدیرس کاره دیا ایما ده باید در سرم فران در در در داراید دانیمیدان در این در این بروی و دازان بار دیا در چشانی کا مطابق قریب در مرکزی میداد در در شوران د دانیآب دو در سر ۱۹ و دا میشی خشند به بودنی یه کرده میشین و اید مندم ی میشین شده در اید میدا چان انداز دانیده کرد شونا تسفیر و مرکنده حوان که دکی پر کشر میسا از میشود دانداری و دوراند پرسر با دو و فریست که نو در ایما که شونات استیان آن میشود و بالای شونات شرکی خان رات شامل بروند كرورت المرج في قادم الشدوعة فالمدري برقا ب الكي شر درويل ي على توانزو عن در ميان ديدار مد دي و معرل كون ورق يت وي اده قربا يا الروني ولاب شرومان رك والا تنان ده طال مرفعال من كر اعلظ ميان تقل و كرد كليدي مروار ( . وندار توركب عرف مساع الي ال ما كار ما ارت من مراكبة المعلق من الموادر ار حال در مرست نیم از ارکی و آن سعوای و دو کا آن شد که این ادا کا آن این در این این میدادد. ساخته کلیار ساز دارند دو میزشندی از این کمیان و نیم در کیار و نیمونشیس می او دو در این کمان شنستها و دکیان آن خورتر از او دو دارای که در در ارسه کمیرست و در در براسه این کمایید. و النامة في المواقع الدان المواقع المو القواق المواقع الم في في أن المنت من و يرك سرون وقت الم مران ورود ين الموم في ولي ورود ا ر به المستورية الموالي المستورية الموالية الموا تديمو تحبيان ضد معرار لدوارع لران وصيفن دومسكن عاها را ورايات وزائت و با عادیده است. و معاشی ای تا منام از این ها مواشد بی ده یم آن و با رسدا م رتبا زاد و در بیات زاده در اینکه دا دوره این کردانند او کام چشق و با درمیت فرمشکی موقد نرسید با با دان و دار درخواسگ ب و دونة والفال مدواتي فليمذ را مزود وو دت ب مبلام زعات ارين مغرور الوديا. م و توليدا فرانليد عنيت ولف أو خزار خالدات ت أن و عز إر خوالهمتر الراور ما لك الله الله أمر و نوشترين لا دهما نت هنين بن مقدر ما شور دع أن شركة است خابها النسالة الدين و المواد الكوكب المراف وتهيها المحرة للاعران وسودها المشي الاطباق وأمرا مرسود وكرشهروالمع ر اس و کلان می جشاهان در و ای گرد نداد در در این دیگرات دکاسان و جسک در میا د ایشواهدین چسکی می و داد چاست و کردانوش دارند در اما د خور دادایت می در در ج دبيني بها درا يا بوده وال عرسه وباري والسداوي بالمام وعبني از الاوار مورتها



ك فرود منيده والحالفاك ومحمد الايم والتي برناد برواد رمن ورت مي آدر دوكري مان دار خدور ويد المسام ووهامي زمان مكومت رمزي شويم وهارها فتد لبانت فيأ المف بشاه الكثرة مرامهم وزيورترا بفيامت هذا الأو بعرقار و البقائية بازه و بر معلقات ماكن ما بشينه و فرو فاش قسطا دادات ما يكره و زعام م والمن ازمنك عام كرامات ومعشور الرمنك ميداتر المشده والات والراان ري راك مغور گوشت داد آن هامعها برا رمهای فدای در دستند اده دامیروند بن در ایک مردان ام مشاه با رت هامد و اداری د دارد افغای خاند دوردی ها نز هاید معرسانت دعهایی ا هابرهٔ البنین دران و باد مارات دانیگری و مرداد موای کها زیادی از درست می معین ها پرواز پیس و در آن داده می است همید و قرم و خواجی یا برا داد با در دورسه اسی پیشی را بی اکترش کارد خوابد نده مهتریت فیز مشاهی در فرا قداست و داناگهدی با در برسه سیسترسید در نمیس در باین مینر همد و براه در در برسی اهواند این امدادین شوید می به برسترسید مین در بی از در در میان از فاهرای سیست و مین در است و بروی مین در است و بروی می در سال سیسی میرد در نمیس در بی از در در میان شرفادی کرده در بیشتری میشی است در در است در در استان میشید. در نمیش در بی در در میان شرفادی کرده در بیشتری میشی استان در این در این از این میشید ر این از این میت در او با در او این میت با در این این به این به در از این میرد این با گرفتهای که اگر در این این آن این که در قیاره آن در با دینار در مینا کویک، میزان به از در در نیزارسید بس بی معدوم شدهندان میتهای از میرود در مینانسید کروا میکاند در د به را شاولندگ تا در ادارای کال آن به شده احداد برش به انجاد و بادات در ادارات می پلینه خود د آن کار و ادر حال کار در شاد در داکستان الذین اداری بیست بن ایرسد درسر انشی بسیدن و مساید آن کی آن موشکه کار د داکستان کافور از در کستیده دیریش بست و میزاد میسید کردگری آن ا من آن دومت معود الذار مج البلدان كامه لارات معر برشار بسد كار وزبادت. الدين المراسة خوارشیده کنن دود در نت عام به دود و دود فیست معفومتن طومتند بودی معرکمری و با ست دارش داد دوما و آن نترین محوار نده بوده کخرت ایشان منتر نفر مود کرد با داد. شهر در نگاینود در محورگ سب دادای محصور کاراندن تعکام منت شرایر این محاصر شد افزار میدود به میشار سدار به دود، این آن شرکه انداز تراییان سب دانسار حالف محا ي المدار وبدر الله الموم كالما الحرد من المواقع المدود والما الدود والمراكا

أز بكياه فايس كابني ثواند فوشت ووليدود والأووشق والافشاه والطبيا فوماف وشيارة كن ب شروه در سر مالان او آمده کرهه ال بنیار دیک شام سران هارت سرفی کر دار نفایات خرد و شق از خاد بندر میده میالان دنیا شیدهٔ سه با شود ترکه برانشگی و دانسیرن است. وران تهرمزف وبران که منا برانیاه کارد کهرف شرکه بسیارت دان پومنا رایت در برای نابر رئیت دو وزنگ دارد از دارد نامه نیاستان بهت فرنگ زورا در بازه وزنشگان نبر باشته ترامه زندان کاست و برایت آن کا اتفاق افتاده از در انصره ما دوسه وزندگی چایا نب در این مدور به بهشش فینک رجه به الانتها بهات و ترایین موده مواندا<sup>ن</sup> ۲ زانبزاکلوروان در در به ادامک میکند کام مرقبهٔ فرات فقا و باست واز شرا آمه و و فرا بها در وه دورسته خدا در انسبکه را ست و باحث ان فرآوان دار در بنای مهار وفت های وکت وزیک و زاداشته است از مردا ست کی اصب امرد دود اکار پیشرت کوشوهشی بودا کی آناده کر 

عنده عزم اما منده منده الما منده الما المنده عندان المندم المن عنده من المناز الما يتكومت و مناز الما يتكومت و مناز الما يتكومت المنازلة والمند المنازلة والمند المندولة والمند المنازلة والمند المنازلة والمندولة والم

من اتنها باشد المواقع بسياء وه و ديما و من قرات برخ الا و تنظيم المواقع الدولة المنظمة المواقع المنظمة والمنظمة المواقع المنظمة والمنظمة المنظمة المن

المنتخب المناطقة المنتخب المنت والمنتخب المنتخب المنت ياد دلات آن كالمتورسية والمتواجعة المستان المتعالية الم

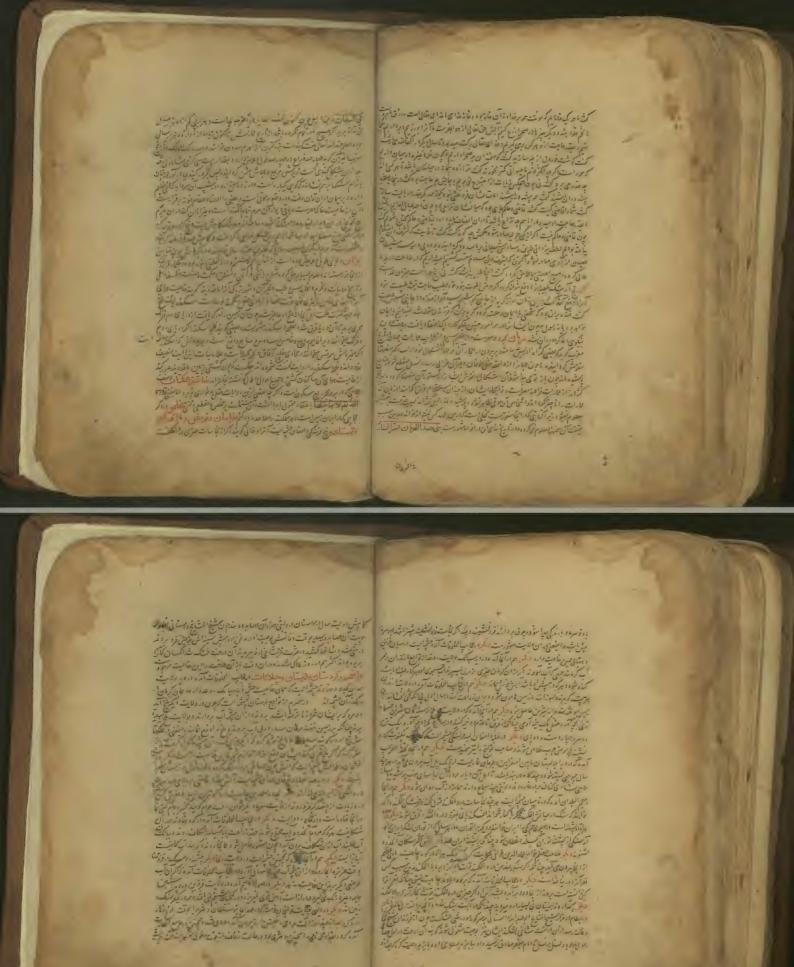
و خاده المست خان العالمية بركاسه الأنهام وها بعداد وكو فرافا والمالة المواد المنافع من ا

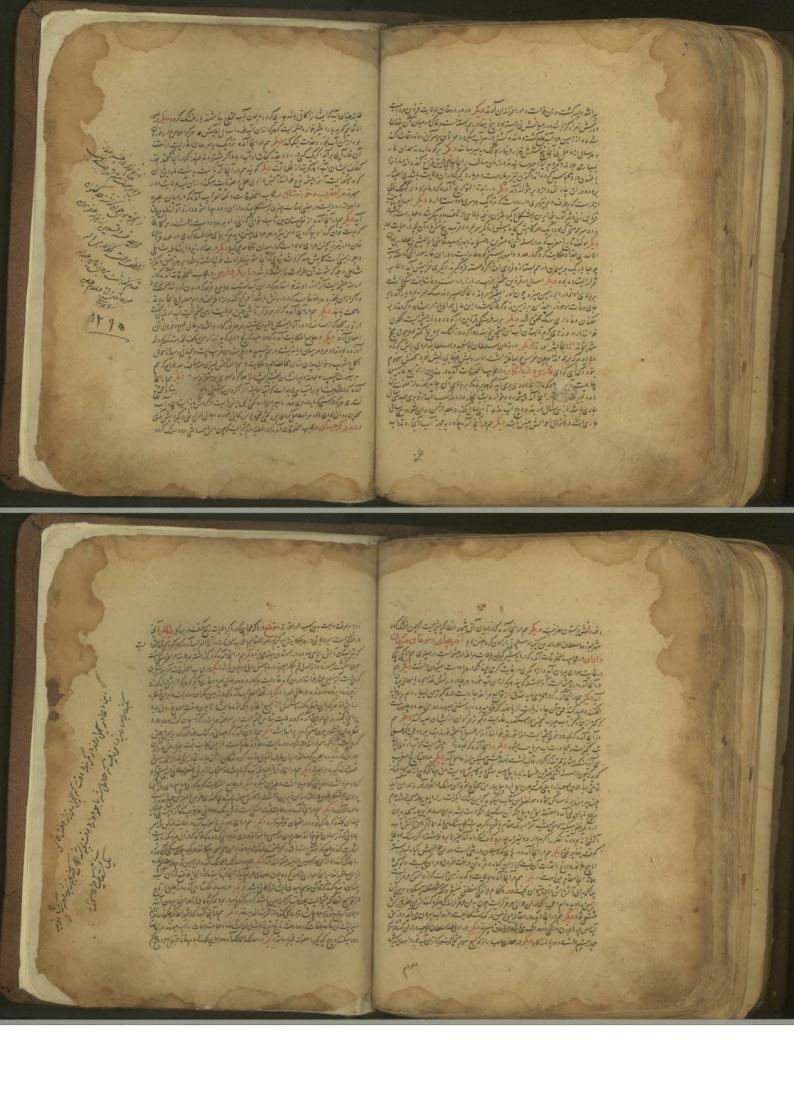
2018

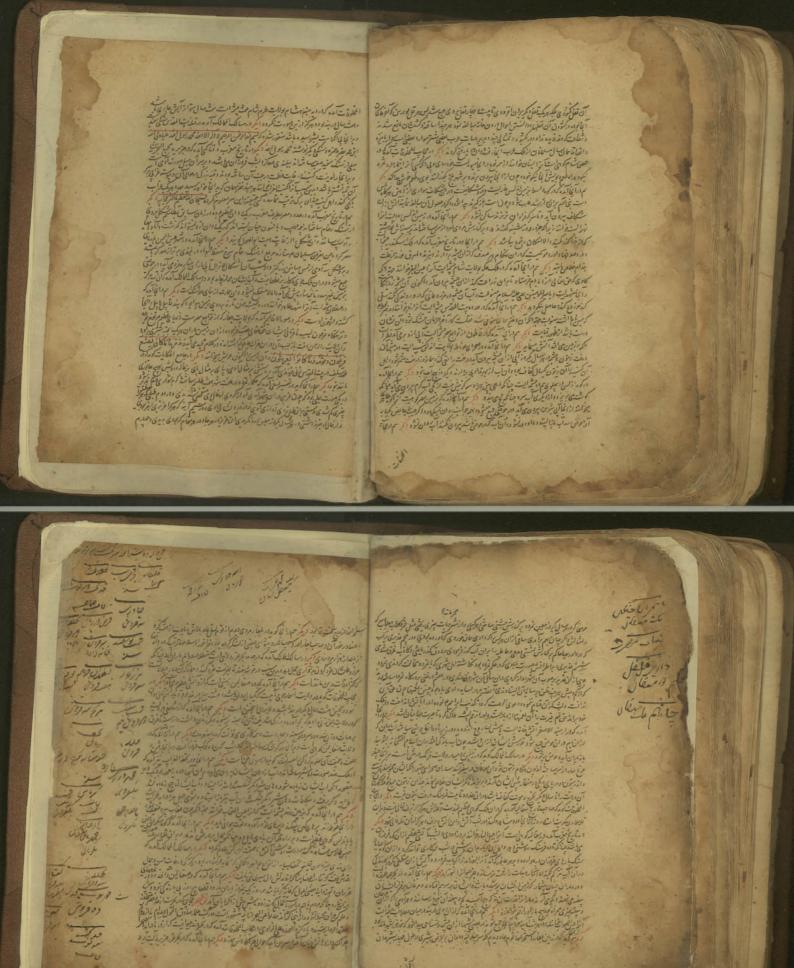
در الله فروه مي روف بي ن و در ور ان صحا بي كريدا و بر قوي براء و فاحث كو در افره و و صحاء الته المستد و و بره كابر و مواحد و المراح و الم

زراعات و برداده الدارس است و دورس از الفاده في است و دراعات الدورس و المساوري المسا









ده دوره الاستان خوار گرفترا دف ن برخده ما شده این ندم سرا خاه و موهان و فرارات این مده مرهان و فرارات این مده مده می آمد و می براز دوره از الاست ن برخده ما شده می و چندان نوم رساند و و وی از ارافان و مشایعزی مراه و در به ناو دار فراه از در این می سردی آمد و از این این اینده میمان دوروز میتواند. از این این این در در در این مده و خاص و زردایش شدا و این برخدی در این میداد و کردوز میتواند.

والمرارين الحارك والها فرم عادده وكاسوتيفوف ودمان الزنس يشرى دولل عبدستروان

